

پیام خاتم



ویژه محرم

سال دوم شماره سوم خزان 1392

پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

اَجْرَلِ اللهُ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ
کیست حسین را یاری کند
این مردم را به یاد خدا فرخواندم اما خدایا به یاد بنیاوردند و آنان را موغله کردم اما امید نکرقتند پس اینک
جز کشتن من هدای منارند و نالچلر شمارا در بهشت ملاقات خواهید کرد ولیکن شما را به تقوی الهی وصیت می کنم



مقالات

گزارش‌ها

- ♦ پیام داکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) و نماینده مردم غزنی در پارلمان به مناسبت ایام سوگواری محرم الحرام
- ♦ نماینده مردم ، همراه با مردم. (گزارش سفر جناب داکتر عبدالقیوم سجادی به ولسوالی های مالستان، جاغوری و قره باغ

- ♦ امام حسین و رهبری بحران از مکه تا کربلا
- ♦ عقیده، عقده و خرافات
- ♦ ریشه های قیام امام حسین علیه السلام
- ♦ امام حسین و عاشورا در نگاه علمای اهل سنت
- ♦ انگیزه ها و نیازها در قیام امام حسین علیه السلام
- ♦ الگو گیری نهضت های آزادی بخش از عاشورا
- ♦ اهدای خون در ماه محرم
- ♦ بازخوانی آرمان های قیام عاشورا
- ♦ فلسفه قیام امام حسین علیه السلام



پوهنتون خاتم النبیین (ص)
شعبه غزنی

پوهنتون خاتم النبیین (ص) چندین سال است که به عنوان «مرکز تحصیلات عالی معتبر» جایگاهش را در میان داوطلبان ورود به مقطع تحصیلات عالی باز کرده است، کدر علمی ورزیده، سیستم آموزشی معیاری، فضای امن و متناسب با ارزشهای دینی، امکانات و تکنولوژی تعلیمی به روز، از ویژگی های مهم این پوهنتون بحساب می آید.

استقبال قابل توجه داوطلبان علم و دانش برای پیوستن به جمع پوهنتون از یک سو و خلاء موجود در ارایه بسیاری از رشته ها در کشور از سوی دیگر، پوهنتون خاتم النبیین (ص) را بر آن داشت تا فعالیت خود را در سال تحصیلی ۱۳۹۱ در شهر باستانی غزنی نیز آغاز نماید، شعبه غزنی این پوهنتون عنقریب دوسال است در رشته های حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طب معالجوی و قابلگی، در خدمت دانشجویان می باشد.

پوهنتون خاتم النبیین (ص) برای سال تحصیلی ۱۳۹۳ مطابق جدول ذیل از میان داوطلبان تحصیلات عالی، محصل می پذیرد و از ورود مشتاقان تحصیل در این پوهنتون، به گرمی استقبال می کند.

دانشکده	رشته	طول دوره	شعبه مرکزی	شعبه غزنی
حقوق	فقه و حقوق	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	قضا و سارنوالی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	حقوق عامه و خاصه	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
علوم سیاسی	روابط بین الملل	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	اندیشه سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	جامعه شناسی سیاسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
اقتصاد و مدیریت	اقتصاد تجارتي	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	مدیریت تجارتي	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	مدیریت اقتصادی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
طب	طب معالجوی	۶ ساله	۴۵۰۰۰	۳۶۰۰۰
	فارمسی	۴ ساله	۲۵۰۰۰	۱۶۰۰۰
	قابلگی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	۱۶۰۰۰
	قابلگی	۲ ساله	۱۵۰۰۰	۱۲۰۰۰
	تکنولوژی طبی	۴ ساله	۲۵۰۰۰	
کمپیوتر ساینس	تکنولوژی معلوماتی	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
	کمپیوتر ساینس	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
	انجینیری برق	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
انجینیری	انجینیری ساختمان	۴ ساله	۳۰۰۰۰	
	جامعه شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	
علوم اجتماعی	روان شناسی	۴ ساله	۲۰۰۰۰	
	تربیه معلم	۴ ساله	۱۰۰۰۰	

چاپ: مطبوعه کاتبان پل سوخته ۰۷۸۹۹۱۳۱

آدرس: شعبه مرکزی: کابل سرک اول کارته چهار. شماره تماس: ۰۷۸۷۷۰۰۷۰۰ - ۰۲۰۲۵۰۱۲۱۳
شعبه غزنی: شهر غزنی، پلان چهار، پشت شفاخانه چشم (نور) شماره تماس: ۰۷۸۱۱۹۲۰۱۵
شعبه جاغوری: بازار غجور شماره تماس: ۰۷۸۵۵۳۷۶۱۵

Email ghazni@khu.edu.af Web: www.khatamu.com



پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

آمریت فرهنگی_ تربیتی

نشریه «پیام خاتم»

شعبه غزنی، دانشگاه خاتم النبیین (ص)

محمد ضیاء «حسینی»

صاحب امتیاز:

مدیر مسئول:

با همکاری:

- استاد محمد اسحاق مهدوی
- استاد حاجی محمد رحیمی
- استاد محمد جواد محدثی
- استاد خانعلی محمدی
- استاد محمد علی رضوی
- استاد محمد یوسف رضایی
- استاد محمد عارف صداقت
- عکاس: جلیل «کریمی»
- قردانی: تقدیر و تشکر ویژه از ریاست محترم شعبه غزنی، جناب استاد حسین حبیبی، که با تلاش شبانه روزی اش، زمینه ساز نشر ویژه نامه «پیام خاتم» شدند.

«پیام خاتم» در ویرایش مقاله ها آزاد می باشد

«پیام خاتم» از مقاله های اساتید و دانشجویان به گرمی استقبال می کند

غیر از «پیام اول» مسئولیت مقاله ها به عهده نویسندگان آنها است.

آدرس: شهر غزنی - پلان ۴، کوچه ۴۳، پوهنتون خاتم النبیین (ص)

شماره تماس: ۰۷۸۱۱۹۲۰۱۵ -

Email: : ghazni@khu.edu.af

Web: www.khatamu.com

آنچه در این شماره میخوانید

- ۳ سرمقاله
- ۶ گزارش ها
- ۲۰ مقالات
- ۲۱ امام حسین و رهبری بحران از نگاه علامه کربلا
- ۲۴ عقیده، عقده و خرافات
- ۲۵ ریشه های قیام امام حسین
- ۲۹ امام حسین (ع) و عاشورا در نگاه علمای اهل سنت
- ۳۳ انگیزه ها و نیازها در قیام امام حسین
- ۳۷ الگوگیری نهضت های آزادی بخش از عاشورا
- ۴۱ اهدای خون در ماه محرم
- ۴۳ بازخوانی آرمان های قیام عاشورا
- فلسفه قیام امام حسین
- نقش حضرت زینب در ماندگاری عاشورا
- ۵۳ ثانیه های سرخ
- ۵۴ نماینده مردم در میان مردم
- ۵۹ محرم در ولسوالی ناهور
- ۶۰ شعر و ادب
- ۶۳ فعالیت ها



**پیام دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم
غزنی در پارلمان، به مناسبت فرا رسیدن محرم الحرام
و ایام سوگواری عاشورای حسینی!**

انی لم اخرج اشرا و لابطرا و لامفسدا ولا ظالما و انما
خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی و ابی.

عاشورا یاد آور حماسه ازادگی و آزادخواهی
است. عاشورا صدای رسای ظلم ستیزی و ستم سوزی
است که همه ساله بر گوش و جان انسان های
ازادخواه و عدالتخواه طنین انداز می باشد. عاشورا
پیام رهایی انسان از بند و زنجیر اسارت و بندگی
انسان و رهنمود جامعه بشری به سوی انسانیت ،
عزت و کرامت انسانی است. عاشورا مکتب حماسی
شهادت و ایثار برای پاسداری از عزت دینی و غیرت
انسانی است.

عاشورا حماسه همیشه جاوید و ماندگاری است که
بر بلندای تاریخ بشریت می درخشد و انسان تشنه
عدالت و انسانیت را درس پایدردی و فداکاری برای
پاسداری از مرزهای اعتقادی و کرامت انسان را می
آموزد. عاشورا طنین ماندگار جبهه تابناک پیروزی
سپاه فجر پیروزی بر جبهه سیاه و ظلمانی شب
درماندگی و دریوزگی است. عاشورا یاد آور درس
بزرگ و تاریخی فرزند زهرای عزیز برای مردن
عزتمندانه به منظور زندگی شرافتمندانه است. و
عاشورا درس بزرگ پیامبری زن شیردل و دخت
گرامی علی مرتضی برای زنان پاکدل امت اسلامی
است که رنج اسارت را با شرافت و عزت التیام
بخشیده و نفرین ابدی را برای سپاه ظلمت و تاریکی
بجای گذاشت.

عاشورا صدای شهادت مردی است که همه ساله نام
حسین را بر کرانه های هستی طنین انداز می سازد
و مرگ شب پرستان اسپر هوس های شیطانی را
انعکاس می بخشد. عاشورا پیام خونین عدالت خواهی
است که محکومیت و نفرین هوس بازان نام و نان را
برای همیشه در تاریخ بشریت به ثبت رساند.
عاشورا و محرم همه ساله می آید و یاد و خاطره

۳ خون جامگان وادی نینوا را به گوش بشریت طنین
می اندازد و درس های همیشه جاویدش هم
چنان بشریت را به تحلیل عالمانه و تجلیل
مومنانه از این رخداد فرا می خواند. اما آنچه در
این میان برای جامعه بشری و بویژه جوامع
اسلامی درخور تامل و تعمق است جایگاه عاشقان
عاشورا در مسیر تاریخ بشری است. عاشورا ترسیم
کننده خط سیر حرکت تاریخ به سوی افق های
روشن و امیدوارکننده آینده است که فرجام روشن
و پیروزمندانه آینده را نوید می دهد.

آنچه برای پیروان حسین و عاشورا در خور تامل و
توجه است اینکه با گذشت هر عاشورا و محرم تا
چه اندازه با درک عمیق تر از درس های عاشورا
آشنا شدیم و تا کجا مسیر زندگی فردی و اجتماعی
خویش را با اسوه ماندگار عاشورا همراه و همآوا
ساخته ایم؟ مهم این است که امت اسلامی
میراث ماندگار عاشورا و عاشوراییان را صرفا در
محرم و کربلا محدود نساخته بلکه تلاش نماید تا
دور دست ترین نقاط عالم را کربلا و تمامی
روزگاران را عاشورایی سازند که "کل یوم عاشورا
و کل ارض کربلا".

مهم اما در این میان آن است که حماسه همیشه

جاوید عاشورا را صرفاً در احساسات و عواطف انسانی خویش محصور نسازیم، بلکه با درک عمیق و عقلانی این رخداد بزرگ درس‌های ارزشمند و ماندگار را برای همیشه گرامی داشته و سرمشق زندگی امروز و فردای جامعه خویش سازیم. بر فراشتن پرچم اصلاح‌گری و فساد زدایی، اندیشه ظلم ستیزی و مظلوم پروری، حق‌گرایی و حقیقت‌جویی و بالاخره عدالت‌خواهی و ازدایخواهی از مهم‌ترین محورهای درس ماندگار عاشورا است که همه وظیفه داریم برای زنده نگه‌داری و ماندگار سازی عاشورا این محورها را خط مشی زندگی خویش سازیم.

جامعه اسلامی افغانستان امروزه که با نابسامانی‌های اجتماعی و سیاسی روبرو می‌باشد بیش از هر زمان دیگر نیازمند درس‌های حسین و عاشورا است. امروزه که فساد در اشکال گوناگون آن جامعه ما را به نابودی کشانیده و سیاست‌های نژاد‌گرایانه و ضد ارزشی پایه‌های اخوت اسلام و وحدت ملی در جامعه ما را متزلزل ساخته، ظلم و بیدادگری



امن و آسایش زندگانی ما را ویران ساخته است، بیش از هر زمان دیگر و بیشتر از هر جامعه دیگر به درس‌های حسین و عاشورایش نیازمندیم.

اگر حسین برای احیای ارزشهای دین جدش از برق شمشیرهای سپاه ظلم و تباهی استقبال نمود و اگر حسین برای ترویج اندیشه اصلاحی و اصلاح‌گری در میان امت جدش به استقبال مرگ شتافت، ما بعنوان پیروان حسین و عاشورا نمی‌توانیم صرفاً به سوگواری و ماتم اکتفاء نماییم. وظیفه حسنیان حرکت در مسیر عاشورا و تعقیب خط سرخ شهادت و شهامت بر سر عهدی است که با خدای خویش بسته و از مرزهای دینی و اعتقادی مان دفاع نماییم.

اگر زینب علی برای انعکاس صدای عدالتخواهانه و دادگرایانه حسین کوجه‌های غربت و اسارت را در نوردید و با شهامت و عزت پیام خون حسین و کربلا را به گوش تاریخ زمزمه نمود، ما اینک وظیفه داریم مخاطبان با درک و با احساس برای دریافت درس‌ها و آموزه‌های همیشه جاوید این پیام باشیم و با زنده نگه‌داشتن خط سرخ عاشورا با زینب علی همصدا گردیم.

تجلیل از حسین و عاشورا تحلیل از درس‌ها و آموزه‌های ماندگار این رخداد تاریخی است و زنده نگه‌داشتن نام و خاطره کربلا حرکت در مسیر عاشورا و حسینی زیستن و عاشورایی مردن است. امیدوارم با گذشت یک عاشورای دیگر روح و روان ما بیش از زمان‌های دیگر حسینی و عاشورایی گردیده و جان و دل مان برای همیشه همراه با حسین و همزاد با عاشورا تابناک و پر خروش باشد تا بر باطل و فساد بشوریم و با ظلم و بیداد درآوزیم و در مسیر ایثار و شهادت پایدار مانیم.

والسلام علیکم ورحمت الله وبرکات

عبدالقیوم سجادی

نماینده مردم در پارلمان

ورئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص)





پیام دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس پوهنتون خاتم النبیین (ص) به مناسبت گرامیداشت از روز معلم

نموده و جامعه ما را بر مبنای ارزشگذاری به مقام علم و معلم استوار سازد. به امید سرسبزی و طراوت بیشتر فرزندان متعلم و محصلین آینده ساز کشور و پایه گذاری افغانستان آباد، آزاد و سرفراز در پرتو اصول بنیادین تعلیم دینی و تربیت اسلامی.

السلام علیکم و رحمه الله و برکاته

دکتر عبدالقیوم سجادی

نماینده مردم در پارلمان و رئیس پوهنتون خاتم

النبیین (ص)



روز معلم روز تجلیل از علم و دانش اندوزی است. این روز را به همه معلمان و دانش دوستان و محصلان تبریک می گویم. آرزومندم تجلیل از مقام معلم و قدر گذاری از علم و دانش اندوزی مسیری را برای علم گستری و روشن نگهداشتن چراغ علم و دانش در افغانستان عزیز بازگشایی نماید.

معلمان به حق وارثان انبیا الهی اند. که وظیفه مهم تعلیم و تربیت دینی را در جوامع بشری به عهده دارند. همه وظیفه داریم تا برای شکوفایی و اعتلای کشور عزیزمان افغانستان با تاکید بر دو استراتژی تعلیم عصری و تربیت اسلامی افق های روشن تر فردای کشور را نظاره گر باشیم.

بدون شک تنها راه توسعه و انکشاف و مبارزه با نابسامانی های سیاسی و اقتصادی در کشور گسترش علم و دانش عصری توأم با اخلاق اسلامی و تربیت دینی است. از این روی معلمان پرچمداران و رهبران افغانستان آباد، آزاد و توسعه یافته هستند. ارج گذاری به مقام بلند معلم در واقع ارزشگذاری به مقام علم، عالم و متعلم است. رمز عقب ماندگی امروز جامعه ما به مظلومیت معلم، عالم و متعلم و در نتیجه مهجوریت ارزش علم و دانش، اخلاق و تربیت دینی باز می گردد. در چنین شرایطی همه وظیفه داریم تا برای تحقق ارزشهای دینی و آینده روشن کشور با جهل و بی سوادی مبارزه نماییم. آرزومندم تجلیل از روز معلم زمینه های شکوفایی درخت تنومند علم و دانش را فراهم

گزارش‌ها

- ✓ گرامی داشت از روز جهانی معلم در شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)
 - ✓ تجلیل از فراغت دانش آموزان لیسه عالی نسوان و ذکور حیدر آباد
 - ✓ تجلیل از فراغت لیسه ذکور و اناث قلعه شهاده شهر غزنی
 - ✓ گرامی داشت از روز معلم در لیسه شمس العارفین
 - ✓ گزارش از محفل لیسه عالی جهان ملکه شهر غزنی
 - ✓ گزارش از شورای علمای شهر غزنی
 - ✓ تجلیل از فراغت دانش آموزان لیسه عالی نورغزنه
 - ✓ گزارش از محرم سال گذشته، سفر دکتر عبدالقیوم سجادی و اساتید دانشگاه خاتم النبیین (ص)
- به ولسوالی های مالستان، جاغوری و قره باغ غزنی.



گرامیداشت از روز معلم

در شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

پس این تو بودی که آزادی و آزادگی را به ما آموختی و به ما یاد دادی که چگونه با سلاح برنده ایمان خود را از زنجیر اسارت و بردگی دنیا رها شویم.

این روز را به پاس گرامی داشت از مقامات جشن گرفتیم، و محفل را با تلاوت آیات نوربخش کلام وحی آغاز نموده با عشق به کشور و آبادی وطن، همه قیام نموده با احترام سرود ملی را از زبان خواهران رشته قابلیتگی این دانشگاه شنیدیم.

جشن محفل با دوبخش متنوع دنبال شد:

بخش اول: برنامه های متنوع چون گروه های سرود زیبا به زبان های ملی پشتو و دری از لیسه های عالی شمس العارفین شهر غزنی و لیسه عالی نورغزانه، مقاله، سخنرانی ها از مقامات غزنی، محمدعابد عابد ریاست معارف، محمدرحیم نور زی معاونت علمی _ تدریسی پوهنتون غزنی، ظهور احمد معاونت تدریسی ریاست معارف، فریدون احمدی شاروال غزنی، و استاد حبیبی ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) اراد

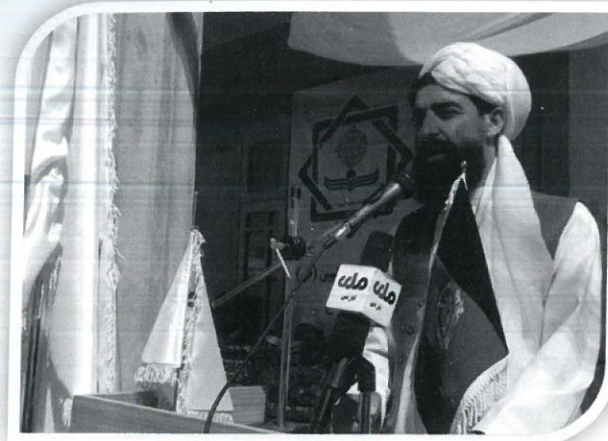
ای معلم ای گل یاس خدا/ ای وجودت شمع بزم جمع ما / شغل تو شغل شریف انبیاء / نام تو ورد زبانم هر کجا سلام بر تو ای گوهر گرانقدر و ای دُر گرانهای قله های ایثار و استقامت، تو با نسیم علم، و دانش طراوت خاصی در دلهای ما بخشیدی، تو باعث شدی تا ما از تاریکی و جهل بسوی روشنایی و سربلندی علم و معرفت راه یابیم.

به راستی اگر تو نبودی چه کسی دستگیر ما در این طوفان سهمگین زندگی شده و ما را بسوی کشتی پر بار علم و معرفت راهنمایی میکرد؟ مگر نه این است که تو چراغ راه ما در این دهکده امتحان و آزامایش به نام دنیا هستی، تو که به عنوان یک معلم دلسوز هیچگاه دست پر مهر و محبت از امیدت را از سر ما برنداشتی و شب و روز به راه درست هدایت کردی، راهی که تمام پیامبران الهی و پیشوایان دینی تا آخرین نفس شان سعی داشتند مردم را از منجلا ب غفلت و انحراف بسوی رستگاری سوق دهند.

مختلف در وصف معلم دارند، معلمان در جایگاه پیامبران نشسته اند، معلمان شمع و ستارگان هستند، علما وارث پیامبران اند، علمای زمان پیامبر مانند پیامبران بنی اسرائیل هستند، این تعبیرها نهایت ارج گذاری به مقام معلم و علم است.

وی اوصاف را برای معلم خوب بیان نمودند، یک معلم باید تخصص در رشته خود داشته باشد، برای دانشجو اطمینان خاطر حاصل نماید، از ایمان و عمل صالح برخوردار باشد، و از همه مهمتر عدالت را در نگاه، در پاسخگویی، در نمره دهی، و... رعایت نماید.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) افزود یکی از وظایف مهم معلم دفاع از فرهنگ دینی و اسلامی است، بعد از پیروزی انقلاب افغانستان حضرت آیت الله محسنی (دام ظلّه) به عنوان یک معلم دینی تصمیم گرفتند که باید سنگر جهاد را عوض کرد، جنگ با تفنگ را به سنگر علم و تدریس تبدیل کرد. لذاست که مدرسه علمیه خاتم النبیین^(ص) را تاسیس کرد، تا از این طریق بتواند جوانان این مرز بوم را با علوم دینی و اسلامی تربیه کرد، بدنبال این تلویزیون تمدن را راه اندازی نمود تا این طریق بتوانند در برابر فرهنگ ابتدال و بیگانه مقابله نمایند. در مرحله سوم با همکاری جناب دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب شما در پارلمان، دانشگاه خاتم النبیین^(ص) را بناگذاری نمود که شعبه این دانشگاه دوسال است در شهرباستان غزنی در خدمت فرزندان و جوانان این ولایت می باشد.



سخن نمودند.

سخنرانان موضوعات مختلف را در مدح معلم و علم اراد نمودند، ریاست معارف غزنی در ابتدا از مسئولین دانشگاه خاتم النبیین تشکر کرد تا این زمینه را برای مردم غزنی فراهم نموده که فرزندان این شهر بتوانند از تحصیلات عالی برخوردار باشند.

آقای رحیم نورزی معاونت علمی- تدریسی پوهنتون غزنی، با ابراز تشکر از دانشگاه خاتم النبیین^(ص) در وصف معلم صحبت نمودند.

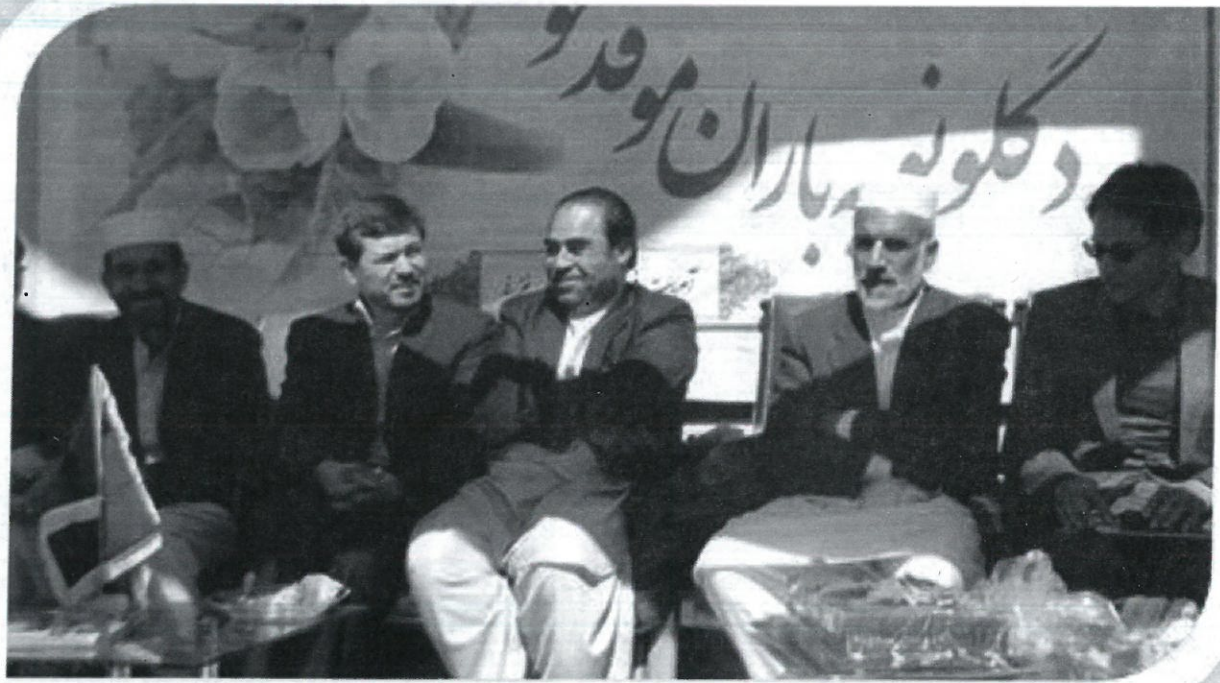
شاروال غزنی نیز از دست اندرکاران دانشگاه خاتم النبیین^(ص) بخاطر خدمات تحصیلات عالی در غزنی قدردانی نموده و دسته گل را برای گرامی داشت از روز معلم تقدیم ریاست این دانشگاه نمود.

ظهور احمد معاونت تدریسی ریاست معارف غزنی وظایف معلم را مهم دانست و گفت معلم باید اخلاق پیامبری داشته باشد و ادامه دهنده رسالت پیامبران باشد، در غیر آن به وظایف خود عمل نکرده اند.

استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) نیز ابتدا مهمانان و حضار محفل را خیرمقدم گفت و سخنانش را در وصف معلم و علم دنبال نمود.

ریاست این دانشگاه گفت معلم اول خداوند است، که به انسان نعمت خواندن و نوشتن را ارزانی داشته است، سپس پیامبران خدا، خلفای راشدین و بعد گروه از جامعه که به عنوان محدث، راوی، مجتهد، آموزگار که این مسئولیت را به عهده گرفته اند.

آقای حبیبی اضافه نمود در فرهنگ اسلامی تعبیرات



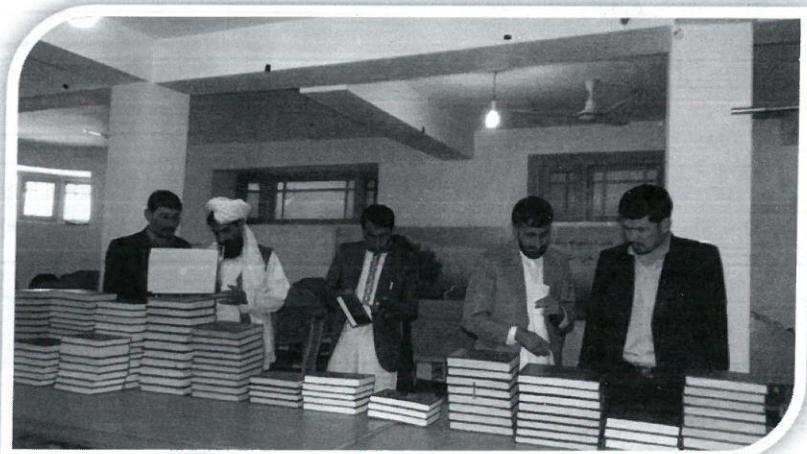
شعبه غزنی این دانشگاه با دوهدف در شهر باستان غزنی افتتاح شد، یکی آموزش علوم اکادمیک در کنار علوم دینی و اسلامی، دیگری اخوت اسلامی، در این مرکز علمی هم اکنون بیشتر از هشت صد دانشجو از اقشار مختلف جامعه در رشته های اقتصاد و مدیریت، فقه و حقوق، علوم سیاسی، طب معالجوی و قابلگی، مشغول تحصیل هستند.

استاد حبیبی در پایان سخنانش به سه دانشجوی معلم این دانشگاه تحفه ی یک سمستر تخفیف، واز میان نمره اول های هشت صنف دوازده لیسه عالی حکیم سنایی به قید قرعه به یک دانش آموز بورسیه کامل دوره تحصیل در دانشگاه خاتم النبیین در رشته های اقتصاد و مدیریت، حقوق، علوم سیاسی، طب از طرف جناب دکتر سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین اهدا نمود.

بخش دوم محفل با اهدای تحایف از سوی ریاست شعبه غزنی به استادان این دانشگاه، دانشجویان برتر رشته های مختلف، دانشجویان فعال فرهنگی این دانشگاه، برندگان مسابقات تیم های ورزشی جام صلح ودوستی و مسابقات انتخاب اعضای تیم منتخب دانشگاه وهدیه دانشجویان به اساتید شان، دنبال شد و در پایان نمایشگاه کتاب دربخش های مختلف وموضوعات گوناگون، در سالن کتابخانه این دانشگاه افتتاح شد.

گزارش را با یاد دو باره معلم پایان می بخشیم، پس ای معلم، این تویی که با دستان پر عطوفت گلهای علم و ایمان را در گلستان وجود می پرورانی و شاهد شیرین دانش را به کام تشنه ی ما می ریزی، پس تو را ای معلم به وسعت نامت، سپاس می گوئیم.

آمریت فرهنگی_ تربیتی شعبه غزنی



بورسیه کامل یک دوره تحصیل برای اول نمره عمومی لیسه نسوان البیرونی شهر غزنی!

غزنه را تاسیس نمودند که یک شعبه آن در نوآباد با ۳۰۰ دانش آموز در خدمت فرزندان این مردم است و شعبه دیگر آن در حیدرآباد با ۸۰۰ دانش آموز از فرزندان علم دوست غزنه باستان فعالیت دارد.

ریاست پوهنتون خاتم النبیین اضافه نمود: با توجه به نیازهای جوانان این ولایت در عرصه تحصیلات عالی و نبود امکان جذب دانش آموزان بعد از فراغت از صنف دوازده به دانشگاه های دولتی و درک این نیاز از سوی جناب دکتر عبدالقیوم سجادی، نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان، شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) را که به همت چهره سرشناس علمی کشور، حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه) بناگذاری شده است، در شهر باستانی غزنی تاسیس نمود، در این دانشگاه هم اکنون حدود ۸۰۰ دانشجو از اقشار مختلف جامعه مشغول تحصیل هستند.

هدف از بازگشایی این سفره ی علمی در شهر غزنی، بهره وری تمام اقشار جامعه با شعار اخوت اسلامی است، این دانشگاه مختص به قشر و مردم خاص نیست، برای علاقمندان به تحصیلات عالی است که مردم غزنی و ولایات همجوار چون میدان وردک، پکتیا، پکتیکا، زابل و ارزگان را شامل می شود.

در این مراسم از طرف شعبه غزنی این دانشگاه، از خانم انیسه امیری مدیره، شکریه حقانی سر معلم این لیسه و یک دانش آموز بنام تمنا حسینی اول نمره عمومی لیسه، با اهدای لوح تحسین قدر دانی شد و در ضمن با هدایت دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم و رئیس دانشگاه خاتم النبیین، از میان سه نفره اول نمره صنف دوازدهم لیسه، به قید قرعه یک دانش آموز با بورسیه کامل در رشته های حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت، طب معالجی و قابلیت جذب دانشگاه خاتم النبیین^(ص) خواهد شد.

گفتی است که لیسه البیرونی در نوآباد شهر غزنی با ۱۵،۰۰۰ خانوار جمعیت تقریبی، ۸۰۰۰ دانش آموز ذکور و اناث و ۱۶۰ معلم در سه تایم درسی در خدمت دانش آموزان این مردم می باشد و از بخش نسوان این لیسه حدود ۱۲۰ دانش آموز دختر فراغت شان را جشن گرفتند.

آمریت فرهنگی_ تربیتی شعبه غزنی



لیسه نسوان البیرونی نوآباد شهر غزنی، چهارمین دور جشنواره فراغت دانش آموزان خویش را جشن گرفتند. در مراسم که به همین مناسبت در این لیسه برگزار شده بود، ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین^(ص)، با هیئت همراه از این دانشگاه شرکت نمودند.

استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین طی سخنانی که در جمع حضار و دوست داران علم و دانش اراد نمودند، ابتدا اهمیت معارف را به بررسی گرفته، سپس اشاره نمودند با توجه به این اهمیت، شش سال قبل نماینده مردم غزنی جناب دکتر عبدالقیوم سجادی لیسه عالی نور



دو بورسیه کامل برای نمره اول های ذکور و اناث لیسه قلعه شهاده شهر غزنی

هدیه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان

لیسه های ذکور و اناث قلعه شهاده شهر غزنی نیز جشن فراغت دانش آموزان فارغ صنف دوازدهم خود را جشن گرفتند، در این محفل نیز مثل محافل گذشته برنامه های متنوع اجرا شد، تلاوت آیات روح بخش نورانی وحی، سرود ملی به زبان خواهران این لیسه، مقاله توسط دانش آموزان، اجرای گروه سرود و سخنرانی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) دنبال شد.

تعلیم و تربیه کودک از نگاه پدر و مادر و معلم و مکتب محور اساسی سخنان ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین را در این محفل تشکیل می داد

استاد حبیبی در مقایسه نقش پدر و مادر در عصر حاضر و گذشته گفت: در گذشته ها تلویزیون، تلفون، ماهواره و انواع تهاجم های فرهنگی ابتدال وجود نداشت، تربیت نیز آسان بود، اما حالا که ماهواره، شبکه های تلویزیونی، رسانه های جمعی که در تهاجم فرهنگی نقش اساسی دارد، و وظایف پدر و مادر و معلمین را سخت تر می سازد.

آقای حبیبی خطاب به والدین دانش آموزان گفت به یاد بیاورید روزی را که کودکان تان را با گریه وارد این مکتب نمودید، امروز با دسته های گل به خانه های خود بر می گردید؛ افتخارات که برای فرزندان شما حاصل شده است، از زحمات معلم است.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) در بخش پایانی سخنان از مدیر لیسه ذکور قلعه شهاده، مدیره لیسه نسوان قلعه شهاده، سر معلم های این دولیسه به پاس کارکرد های خوب که در عرصه معارف داشته اند، با اهدای لوح تحسین قدر دانی کرد و نمره اول های دو صنف فارغ دوازدهم این لیسه ها را، بورسیه کامل دوره تحصیل در رشته های طب معالجوی، قابلگی، اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی، فقه و حقوق، اعطاء شد.

این پنجمین دانش آموز اول نمره است که از لیسه های مختلف سطح ولایت غزنی از سوی دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان و رئیس دانشگاه خاتم النبیین^(ص) بورسیه کامل تحصیل در پوهنتون خاتم النبیین^(ص) می شوند.

آمریت فرهنگی - تربیتی شعبه غزنی



**به تعقیب اعطاء بورسیه
های قبلی شعبه غزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)
بورسیه کامل تحصیلی
به یکی از دانش
آموزان نمره اول لیسه
نسوان حیدر آباد
اعطاء گردید**



دانش آموزان صنف های دوازدهم لیسه نسوان حیدر آباد شهر غزنی فراغت شان را جشن گرفتند، در این جشنواره علاوه بر مسئولین معارف غزنی، ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص) با جمعی از مسئولین این دانشگاه حضور داشتند، برنامه های متنوع در محفل اجرا شد، تلاوت کلام وحی، سرود ملی کشور با اجرای گروهی از دختران این لیسه، گروه های سرود به زبان های محلی، مقاله توسط دختران این لیسه، سخنرانی توسط مسئولین معارف، ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص)؛ سخنرانان موضوعات مختلف از علم، معلم، تعلیم و تربیه را مورد بررسی قرار دادند.

مهمان ویژه این محفل استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین بود، وی درسختانش سه نقش مهم برای تعلیم و تربیه انسان بیان کرد، پدر و مادر، معلم و مکتب، محیط و جامعه.

عامل اول پدر و مادر: شیوه زندگی و تربیه پدر و مادر در زندگی کودک نقش اساسی دارد، چون ذهن کودک مثل دور بین تصویر برداری است که برای همیشه تصاویرش ثبت می ماند، در این مقطع از زمان اگر پدر و مادر اهل نماز، قرآن، مسجد و... بود یقیناً تاثیر مستقیم روی زندگی کودک دارد چون: خشت اول گر نهد معمار کج/ تاثیر می رود دیوار کج؛ بزرگان دینی گفته اند که بهترین میراث پدر و مادر تعلیم و تربیه سالم فرزندان آن است، تعبیر زیبای از سخنان یکی از خلفای راشدین است که می گوید: یتیم واقعی کسی است که از علم و تربیت محروم باشد.

نقش دوم معلم و مکتب: معلم مظلوم ترین قشر جامعه است، که با اندک حقوق، بالاترین عمل را انجام می دهد، معلم «با» بسم

الله یاد دهد، خداوند برائت از آتش جهنم برای او و معلمش می نویسد، هر که معلم را احترام کند یعنی خدا را احترام کرده است، آقای حبیبی خطاب به والدین دانش آموزان گفت یادتان است روزی که کودکان تان را با گریه از خانه به مکتب می آوردید، امروز با دسته های گل به خانه های خود بر می گردید؛ افتخارات که برای فرزندان شما





حاصل شده است، از زحمات معلم است.

نقش سوم محیط و جامعه: جامعه و محیط، روابط و رفقاء یکی از نقش های مهم در تربیه کودکان است، یکی از شکایات که انسان در روز قیامت می کند شکایت از رفقای بد است، پس اگر می خواهی به قله های بلند علم بررسی با رفقای خوب بنشین؛ پسرنوخ با بدان بنشست / خاندان نبوتش گم شد / سگ اصحاب کف روزی چند / پی نیکان گرفت مردم شد.

استاد حبیبی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) در بخش دیگری از سخنانش گفت بعد از پیروزی انقلاب اسلامی سنگرهای جنگ عوض شده است، چون تهاجم فرهنگی به خانه های مردم روی آورده است، با این نیاز حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه) هفت سال قبل دانشگاه خاتم النبیین را با معیار تربیت علمی و دینی تاسیس کرد. الحمدلله دوسال است، این دانشگاه در ولایت باستانی غزنی فعالیت دارد.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین^(ص) در بخش پایانی سخنانش از مدیره لیسه نسوان حیدرآباد، سرمعلمه های این لیسه به پاس کارکرد خوب که در عرصه معارف داشته اند با اهدای لوح تحسین قدر دانی کرد و از میان نمره اول های چهار صنف فارغ التحصیل دوازدهم این لیسه به قید قرعه نمرده اول صنف دوازده «ب» بنام نسرین، بورسیه کامل تحصیلات عالی در دانشگاه خاتم النبیین در یکی از رشته های طب معالجوی، قابلیت، اقتصاد و مدیریت، فقه و حقوق، علوم سیاسی برخوردار شد. گفتنی است شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین به پاس خدمت برای فرزندان این ولایت با هدایت دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده

منتخب مردم غزنی و رئیس پوهنتون خاتم النبیین^(ص) به دانش آموز نمره اول لیسه نسوان البیرونی نوآباد، یک معلم به قید قرعه از معلمین لیسه شمس العارفین، دانش آموز نمره اول لیسه حکیم سنایی، دانش آموز نمره اول لیسه نسوان حیدرآباد بورسیه کامل در دانشگاه خاتم النبیین^(ص) شده اند.

آمریت فرهنگی _ تربیتی



از میان چهل و سه معلم لیسه شمس العارفین

شهر غزنی

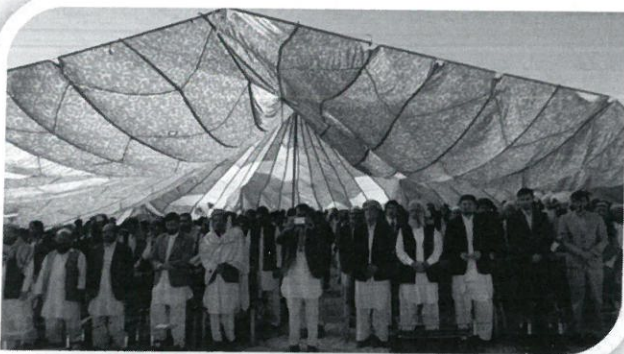
به یک معلم بورسیه کامل دوره تحصیل

پوهنتون خاتم النبیین (ص) اعطا شد!

تحصیلات عالی می باشد؛ یکی رشد فکری، علمی و فرهنگی جوانان در رشته های مختلف اکادمیک با گرایش دینی؛ دوم اخوت اسلامی، این دانشگاه آمده است تا در خدمت تمام مردم افغانستان باشد، با این انگیزه دو سال است عملاً در خدمت مردم غزنی در عرصه تحصیلات عالی می باشد، هم اکنون بیشتر از هشت صد دانشجو از اقشار مختلف جامعه افغانستان از ولایت غزنی و ولایات همجوار آن، میدان وردک، پکتیکا، پکتیا، مشغول تحصیل می باشند.

در پایان ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین از ریاست معارف غزنی، معاونین آن ریاست، ریاست اداری و مالی ولایت غزنی، به رسم یاد بود، با اهدای لوح تحسین قدردانی کرد و از میان چهل سه معلم لیسه شمس العارفین شهر غزنی، به قید قرعه یک معلم را به نام قاری محمد سیر، بورسیه کامل دوره تحصیلی شان را دریکی از رشته های اقتصاد و مدیریت، حقوق، علوم سیاسی، طب معالجی، برای جذب در دانشگاه خاتم النبیین جهت ادامه تحصیلات عالی شان اعلان کرد.

آمریت فرهنگی_ تربیتی شعبه غزنی



سیزدهم میزان روز جهانی گرامی داشت از معلمین است، این روز در شهر غزنی باستان مثل سایر ولایات کشور گرامی داشته شد، محفل به همین مناسبت از سوی لیسه شمس العارفین شهر غزنی با همکاری ریاست معارف غزنی برگزار گردید.

در این محفل روسای ادارات دولتی، مدیران مکاتب شهر غزنی، معلمین حضور داشتند، یکی از مهمانان این محفل ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین با جمعی از مسئولین این دانشگاه بود.

محفل با برنامه های متنوع سرود، مقاله، سخنرانی به پایان رسید، یکی از سخنرانان این محفل استاد حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی دانشگاه بود، وی ابتدا در باره اهمیت علم در زندگی انسان صحبت نمود و گفت معلم اول در زندگی انسان خداوند است، بعد از آن پیامبران الهی، سپس فقها، علما، دانشمندان و معلمین عزیز.

استاد حبیبی گفت معلمی چراغ است برای روشنایی جامعه و مردم، شمع است برای روشنایی جامعه، اما شمع را می سازند تا بسوزد، و معلم می سوزد تا بسازد.

امروز معلمی وظیفه خطیر است، چون فرهنگ ابتدال در خانه های مردم رو آورده است، دیگر کس نمی گوید نماز نخوانید، به مسجد نروید، اما با هجوم فرهنگ بیگانه در درون خانه ها می بینیم جوانان مصروف سرگرمی های است که او را از نماز، مسجد، و... باز می دارد.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین، با یاد و سلامی از حضرت آیت الله العظمی محسنی (دام ظلله) گفت یکی از کارهای که حاج آقای محسنی با درک نیاز مردم و جوانان جامعه انجام داد، تاسیس حوزه علمیه خاتم النبیین برای تربیت دینی جوانان کشور بود، به دنبال تاسیس حوزه علمیه، اقدام به راه اندازی تلویزیون تمدن بخاطر مبارزه با فرهنگ ابتدال که در خانه های مردم روی آورده است کرد. تا از این طریق بتواند هدایتگر جوانان و نوجوانان در خانه های آنها باشد، در قدم سوم دانشگاه خاتم النبیین را با همکاری چهره علمی و اکادمیک کشور جناب دکتر عبدالقیوم سجادی تاسیس کرد که اینک شش سال است در خدمت جوانان و دوست داران تحصیلات عالی کشور می باشد.

این پوهنتون دوسال است که در شهر باستان غزنی با همکاری نماینده شما مردم در پارلمان و رئیس دانشگاه خاتم النبیین جناب دکتر عبدالقیوم سجادی در خدمت مردم این ولایت می باشد، این دانشگاه در شهر غزنی با دوهدف عالی در خدمت دوست داران

در هفتمین جشنواره فراغت دانش آموزان لیسه ذکور حیدر آباد شهر غزنی

یک دانش آموز با بورسیه کامل و دومعلم با پنجاه درصد تخفیف در پوهنتون خاتم النبیین (ص)

نمونه به برخی از آنها اشاره کرد:

- اساتید حداقل درجه علمی ماستری و دکتری
- اساتید جوان و با انگیزه
- استفاده از منابع جدید و با استاندارد جهانی
- امکانات تحصیلی (کتاب، نرم افزار، و...)
- دانشجو محور
- سیسم کردت؛ این ها موارد هستند که در رشد و ارتقاء فکری جوانان و دانشجویان نقش اساسی دارد.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) به تعقیب بورسیه های قبلی این دانشگاه از میان سه نمره اول لیسه ذکور حیدرآبادیک دانش آموز را برای تحصیل در رشته های طب معالجوی، اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی و فقه و حقوق و قابلیتگی به قید قرعه بورسیه کامل نمود و از میان معلمین این لیسه به قید قرعه دومعلم را به مناسبت گرامی داشت از مقام معلم با پنجاه درصد تخفیف بورسیه نمود. گفتنی است که همزمان با گرامی داشت از روزمعلم در شهر غزنی، دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) و نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان به عنوان هدیه به جوانان و نوجوانان ولایت باستان غزنی، تعدادی از نمره اول های مکاتب شهر غزنی را بورسیه کامل دوره تحصیل در دانشگاه خاتم النبیین نموده است.

آمریت فرهنگی - تربیتی شعبه غزنی



لیسه ذکور حیدر آباد شهر غزنی، هفتمین دور فراغت دانش آموزان خود را جشن گرفتند در این جشنواره مسئولین معارف، مدیران لیسه ها، معلمین، اولیاء شاگردان و وزیرگان محلی، شرکت نموده بودند، ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین استاد حسین حبیبی، آمریت فرهنگی، مسئول امور محصلان نیز از مهمانان این محفل بودند.

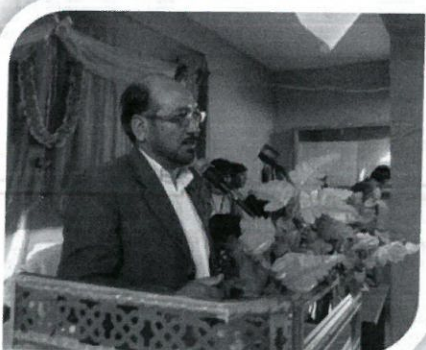
در این محفل نیز برنامه های متنوع سرودهای محلی، مقاله، سخنرانی اراد شد، یکی از سخنرانان این محفل صادق ظریفی معاونت مالی و اداری معارف غزنی بود که به نمایندگی از معارف در این محفل اراد سخن نمود، وی با قدر دانی از دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی و استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین، جهت بورسیه های تحصیلی که از سوی این دانشگاه برای نمره اول های لیسه های شهر غزنی شده است گفت این بورسیه ها در حقیقت کمک به معارف ولایت غزنی است، ما از تمام مسئولین این دانشگاه در کابل و غزنی قدر دانی و تشکر می کنیم.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) استاد حسین حبیبی سخنانش را به تعلیم و تربیه کودک اختصاص داده، وظیفه پدر و مادر و معلم را در عصر حاضر وظیفه بسیار مهم و اساسی در زندگی کودک بیان کرد.

تربیت کودک امروز با کودک گذشته ها متفاوت است، در گذشته ها وسایل انحراف کننده و تهاجم فرهنگ های ابتدال وجود نداشت، اما امروز هزاران وسیله انحراف کننده، شبکه های گوناگون تلویزیونی، مپایل، ماهواره ها وجود دارد که کودکان را بدون این که کسی از نماز، مسجد، عبادت و... منع کند، مانع می شود، این وضعیت سبب می شود تا وظایف پدر و مادر را سنگین تر نماید.

آقای حبیبی در بخش دیگری از سخنانش در باره نقش معلم در تربیه کودکان گفت: معلم وظیفه پیامبران الهی را به عهده دارد و معلم در جایگاه پیامبران نشسته است، تعبیرات زیادی از پیشوایان دینی در وصف معلم شده است، معلم به منزله ستارگان آسمان است، معلم چراغ است هر که با این چراغ راه خود را پیدا کند هدایت یافته است.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) در ادامه سخنانش افزود: امروز دانشگاه های خصوصی با امتیازات ویژه در خدمت جوانان و نوجوانان کشور است که می توان به عنوان



**دو بورسیه تحصیلی دانشگاه
خاتم النبیین (ص)، هدیه دکتر عبدالقیوم
سجادی نماینده منتخب مردم غزنی
برای دانش آموزان نمره اول
لیسه عالی جهان ملکه!**



دو بورسیه تحصیلی از طرف شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) برای دو دانش آموز اول نمره لیسسه عالی جهان ملکه شهر غزنی هدیه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان و رئیس دانشگاه خاتم النبیین (ص) اهدا شد. این بورسیه ها توسط استاد حسین حبیبی ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین (ص) به این دانش آموزان اعطاء شد، در محفل که به همین مناسبت در میدان ورزشی این لیسسه دایر گردیده بود ابتدا ظهورالدین اصیغ معاونت تدریسی ریاست معارف از دانشگاه خاتم النبیین به خاطر بورسیه نمودن تعداد ۱۴ نفر از دانش آموزان قدردانی نمود و گفت این بورسیه ها کمک بزرگ برای معارف غزنی می باشد.

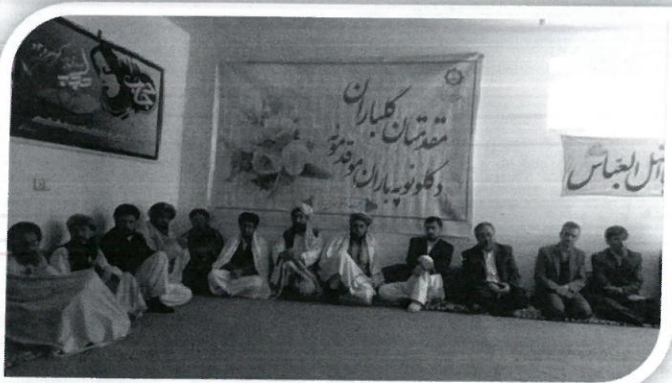
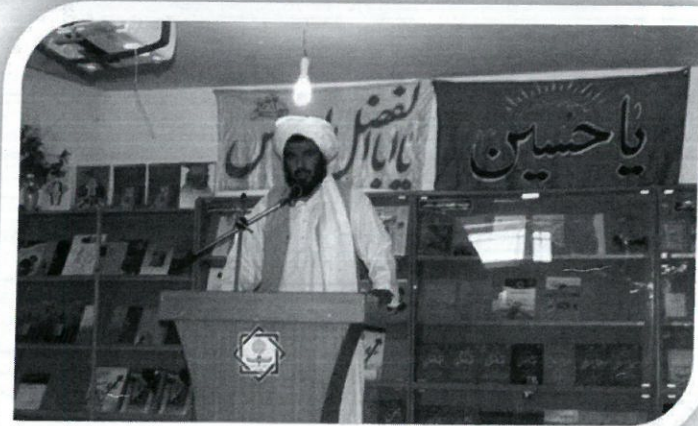
سپس استاد حبیبی در این محفل ارزش علم را به بررسی گرفته و نقش خانواده ها را در تربیت فرزندان اساسی ذکر کرد، وی گفت الحمدلله اکنون زمینه تحصیل برای خواهران ما فراهم شده است، خواهران باید از این فرصت استفاده کرده تحصیلات عالی شان را به درجه اکمال برسانند.

پوهنتون خاتم النبیین (ص) از بهار سال ۱۳۹۱ در شهر باستانی غزنی فعالیت های اکادمیک خود را آغاز نموده است، هدف آموزش علوم اکادمیک در کنار تقویت مسایلی دینی است، خواهران ما علاوه بر این که در درس های خود تلاش و جدیت به خرج می دهد مسایل دینی و پوشش اسلامی را نیز مراعات نمایند.

در پایان از میان پنج اول نمره لیسسه عالی جهان ملکه به دو دانش آموز به قید قرعه بورسیه کامل دوره تحصیل در یکی از رشته های طب معالجوی، قابلیت، اقتصاد و مدیریت، فقه و حقوق و علوم سیاسی هدیه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی اهداء شد.

قابل یاد آوری است که لیسسه عالی جهان ملکه ۵۴۰۰ دانش آموز دارد، ۱۵۰ نفر پرسونل تدریسی ایفای وظیفه می کنند و امسال حدود ۲۰۰ دانش آموز دختر از این لیسسه فارغ می شوند. آمریت فرهنگی _ تربیتی

به بهانه استقبال از محرم، میزبانی پوهنتون خاتم النبیین شعبه غزنی از شورای علمای شهر غزنی!



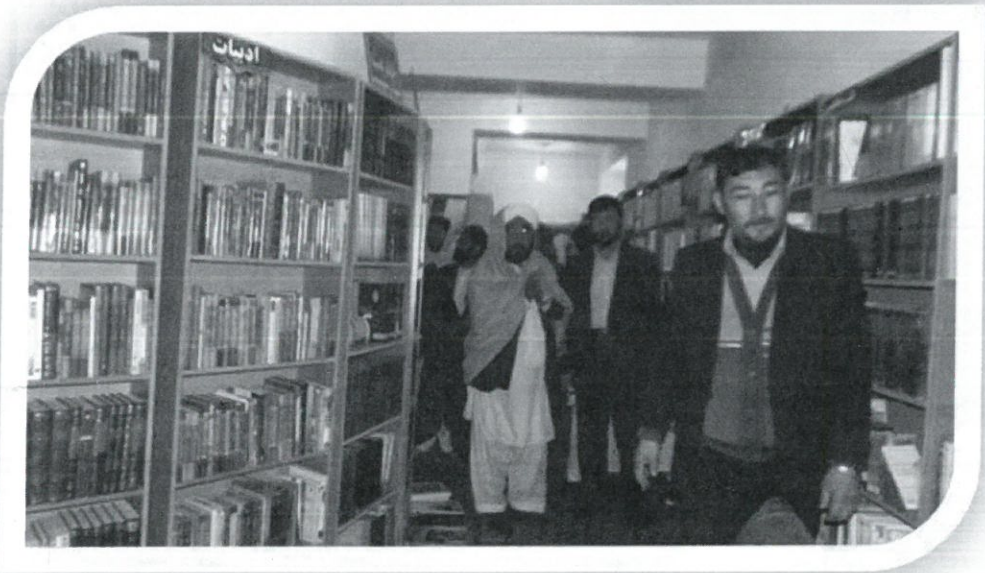
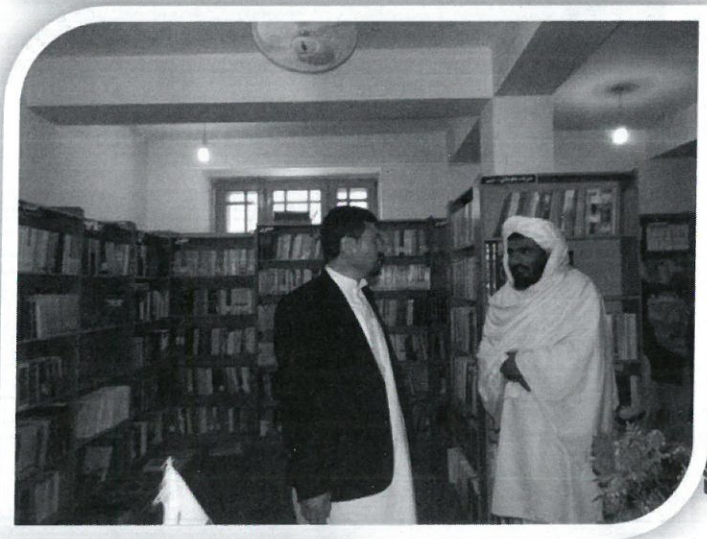
به مناسبت حلول ماه محرم الحرام وایام سوگواری عاشورا، شورای علمای شهر غزنی متشکل از علمای شیعه و سنی، در میزبانی که از سوی شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین در سالن کتابخانه این دانشگاه دایر گردیده بود اشتراک نمودند.

محفل با تلاوت آیات کلام وحی توسط محترم قاسمی یکی از اساتید لیسه نور غزنه آغاز شد و سپس استاد محمدجواد محدثی به عنوان مقدمه سخنانی در زمینه آسیب های اجتماعی موجود در دوران حکومت بنی امیه، پیامدها و علت قیام امام حسین ایراد نمود. وی تاکید کرد که یکی از آسیبها که زمینه را برای قیام امام فراهم نمود ترویج منکر بود که در آن، حلال به جای حرام الهی ترویج می شد. آسیب هایی مانند عدم آگاهی کافی نسبت به خانواده رسول خدا، شخصیت دوگانه داشتن مردم نسبت به روابط اجتماعی و ظلم و تبعیض در دستگاه حکومت آسیب های دیگری بودند که زمینه را برای یک انقلاب فراگیر فراهم ساختند. وی سپس تاکید کرد که جامعه ما امروز باید از قیام حسین درس بگیرد و در برابر نا بسامانیهای موجود مبارزه نمایند. یکی از درسهای که باید از عاشورا آموخت این است که وحدت و اخوت اسلامی را به جای تفرقه و اختلاف حاکم سازیم. امروز بدترین منکر وجود تفرقه در میان مسلمین است که با استفاده از درسهای عاشورا باید برطرف شود.

استاد اصغری به عنوان رئیس شورای علما یکی دیگر از سخنرانان مراسم بود که در مورد وحدت اسلامی و اخوت اسلامی به ایراد سخن پرداخت. او تاکید کرد که حادثه عاشورا در سال شصت و یک هجری اتفاق افتاده و تمام شده است. مهم این است که امروز ما چه درسی می توانیم از این حادثه بگیریم. منطق ایجاب می کند که ما اولویت بندی کنیم. به این معنا که بینیم اولویت فعلی جامعه ما چیست؟ آنچه امروز به عنوان بدترین منکر کمر جوامع اسلامی را شکسته تفرقه و اختلاف است. شما شاید کشور اسلامی را توانی پیدا کنی که گرفتار معضل نفاق نباشد.

هانتینگتن معتقد بود که اگر روزی اندیشه سوسیالیستی در برابر اندیشه لیبرال دموکراسی قرار داشت و همواره با هم منازعه داشتند. با فروپاشی اتحاد شوروی، اسلام تنها گزینه ای است که می تواند اندیشه لیبرال دموکراسی را به چالش بکشد. لذا تنها راه مبارزه با مسلمانان این است که تفرقه بیندازیم و از این طریق بتوانیم بر آنان حکومت کنیم. از این رو، مسلمانان باید از فرهنگ عاشورا درس بگیرد و با پدیده اختلاف مبارزه نماید و نگذارد که دشمن از آن سوء استفاده نماید. این همان چیزی است که امام حسین بنام امر به معروف و نهی از منکر از آن یاد می کند.

مولوی قریشی به عنوان یکی از عالمان برجسته اهل سنت سخنران دیگر این مراسم بود. وی سخنان خود را از آیه شریفه قرآن تعاونوا علی البر والتقوی و لاتعاونوا علی الاثم و العدوان شروع نمود و تحلیل کرد مسلمانان باید نسبت به همدیگر تعاون و همکاری داشته باشد و تعاون فقط در سایه تقوی امکان پذیر است تا بتوانند به رستگاری دنیا و آخرت برسند. اگر معیار تعاون ایمان باشد بنابراین، قوم و مذهب و گروه معنی ندارد. از نظر دین مومنان مانند امت واحده هستند. امام حسین به پیروی از قرآن با اخلاص حرکت کرد و هدف از قیامش نیز ایجاد تغییر بود. یعنی امام حسین انقلاب کرد تا



آمریت فرهنگی - تربیتی

جامعه اسلامی را از ظلم رهانیده و به یک جامعه عادلانه تبدیل نماید. از این رو، تنها دلیلی که امام حسین موفق نشد آن بود که در میان مسلمین همکاری و تعاون وجود نداشت در حالی که تغییر معمولاً با همکاری صورت می گیرد. بنابراین درسی که ما می توانیم از قیام عاشورا بگیریم این است که کوشش کنیم تغییر مثبت را از طریق همکاری و تعاون ایجاد نماییم. مومنین باید تعاون، همدلی و وحدت به وجود آورد و تلاش کنند روح وحدت و تعاون را در جامعه اسلامی نهادینه نمایند. در پایان مولوی قریشی با دعای خیر خویش مراسم را پایان داد. و همگی برای صرف ناهار حضور یافتند. در کل مراسم امروز در نوع خود کم نظیر بود که انشاءالله آثار مثبت و خوبی را به جای خواهد گذاشت و امید می رود امسال را محرم امن و بدون حادثه داشته باشیم.

سه بورسیه تحصیلی پوهنتون خاتم النبیین برای اول

نمره های لیسه عالی نور غزنه

در اولین دور جشن فراغت!

اولین جشنواره فراغت دانش آموزان صنف دوازدهم لیسه عالی نور غزنه در شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین جشن گرفته شد. محفل با حضور ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین، اساتید این شعبه، علماء، شخصیت های غزنی، مدیران و معلمان برخی از لیسه های شهر غزنی و اولیاء شاگردان این لیسه برگزار شد.

این محفل با تلاوت آیاتی از کلام وحی آغاز شد، سپس برنامه های متنوعی از قبیل: اجرای سرود ملی توسط شاگردان لیسه، سرودهای محلی، مقاله و سخنرانی ادامه یافت.

یکی از سخنرانان در این محفل رئیس شورای علمای شهر غزنی استاد اصغری بود، وی در سخنانش تاکید کرد که علم، آگاهی و دانش خوب است، اما کافی نیست، شما که از مقطع علوم پایه فارغ شدید می خواهید در کانکور شرکت کرده و وارد دانشگاه شوید، باید به علم خود عمل کنید به همین خاطر در قرآن کریم انسانهایی که علم آموخته اما به آن عمل نمی کنند به حمار تشبیه نموده است، آقای اصغری در ادامه افزود که همه درس خوان خود علم و علم اندوزی را مورد تاکید قرار می دهد اما باید توجه کرد که علم آموزی خوب و یک ضرورت است، اما باید در کنار علم، عمل نیز مورد توجه واقع شود.

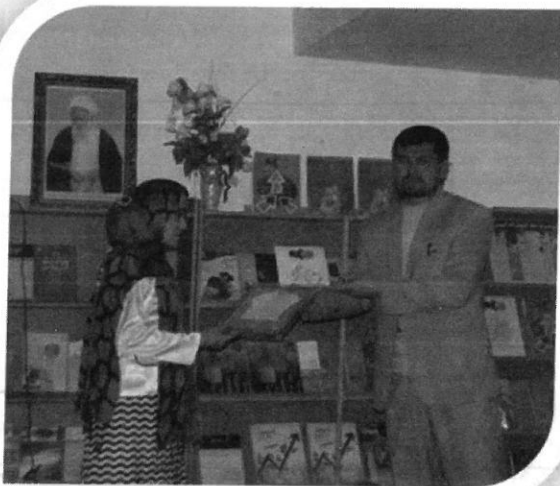
سخنران پایانی این جشنواره ریاست شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین استاد حسین حبیبی بود، وی در سخنانش تربیت را در کنار آموزش موثر، مورد تاکید قرار داد و گفت علم و آگاهی زمانی برای جامعه اسلامی مثمر واقع می شود که همراه با تربیت باشد، در جهان هرگاه در کنار علم به مقوله تربیت توجه نشده و آموزش به صورت تک بعدی مورد توجه قرار گرفته است، نه تنها برای جامعه و مردم مفید نبوده، بلکه در موارد ضررهایی نیز به دنبال داشته است، لذا آموزش منهای تربیت به شمشیری تشبیه شده است که در دست زنگی مست باشد.

استاد حبیبی پایه گذاری شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین را با همین هدف مورد توجه قرار داد و گفت پوهنتون خاتم النبیین

که با نظارت فقیه فرزانه آیت الله محسنی و همت و مدیریت دانشمند فرهیخته جناب آقای دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان بنیانگذاری شده است، با هدف پیگیری آموزش موثر همراه با تربیت اسلامی بوده است، به همین خاطر در این دانشگاه از استادان توانمندی استفاده می شود که همگی هم در حوزه علمیه تحصیل نموده و هم از علوم جدید بهره مند هستند.

ریاست شعبه غزنی دانشگاه خاتم النبیین در پایان سخنانش به سه نفر از دانش آموزان اول نمره این لیسه، هدیه بورسیه کامل یک دوره تحصیل در یکی از رشته های طب معالجوی، اقتصاد و مدیریت، علوم سیاسی و حقوق را از طرف دکتر عبدالقیوم سجادی رئیس دانشگاه خاتم النبیین اعطاء نمود.

قابل یاد آوری است که این دهمین دانش آموز اول نمره از لیسه های مختلف شهر غزنی است که از طرف دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان بورسیه می شوند. آمریت فرهنگی_ تربیتی



مقالات



امام حسین و رهبری بحران از مکه تا کربلا!



محمدجواد محدثی

رئیس دانشکده

حقوق و علوم سیاسی

شعبه غزنی

پوهنتون

خاتم النبیین (ص)

مقدمه

بحران و مشکلات ممکن است به دو صورت در جامعه به وجود آید؛ یکی از نظر مادی و دیگری به جهت مسایل و اعتبار اجتماعی و در دل هر مشکل فرصت های بزرگتر و عالی تری نهفته است که انسان های بزرگ قادرند مشکلات را به فرصت های بزرگ تبدیل کنند. امام حسین در برهه ای از زمان که با ستمگران مواجهه بود با بحرانهای زیادی نیز روبرو بود اما اوتسلیم نشد تا اینکه با مرک معاویه و روی کار آمدن یزید بحران به اوج خود رسید.

تعریف بحران:

شاید در برخورد اولیه با موضوع، مفهوم بحران بدیهی انگاشته شود، اما زمانی که در مسأله بیشتر غور می کنیم در می یابیم که تعریف بحران کار چندان ساده ای نیست و نویسندگان مختلف هر کدام به گونه ای خاص آن را تعریف و توصیف کرده اند.

هرمان: بحران را حادثه ای می داند که موجب سردرگمی و حیرت افراد شده، قدرت واکنش منطقی و مؤثر را از آنان سلب کرده، و تحقق اهداف آنان را به مخاطره انداخته است.

پرو: قبل از پرداختن به تعریف بحران، حادثه یا رویداد جزئی را تعریف کرده و آن را اختلال در یک جزء یا واحد از یک سیستم بزرگ می داند، که کارکرد کل سیستم با این حادثه مورد تهدید واقع نمی شود و با اصلاح و رفع نقص از آن جزء، سیستم به کار خود ادامه می دهد. اما بحران اختلالی عمده است که کل سیستم را از کار باز داشته و جامعه را با اشکالات عمده روبه رو می سازد و حیات آن را به مخاطره می اندازد.

هابرماس: رویدادهای مشکل آفرین و بحران را در دوسطح فیزیکی یا ملموس اجتماعی و نمادین مورد مطالعه قرار می دهد. با تلفیق نظریات این دو عالم می توان نتیجه گرفت که بحران اختلالی است که از جهت سطح کل سیستم و از جهت نوع فیزیکی یا نمادی، سیستم را تهدید کرده و به مخاطره می اندازد.

بدین ترتیب بحران ممکن است به دو صورت در جامعه به

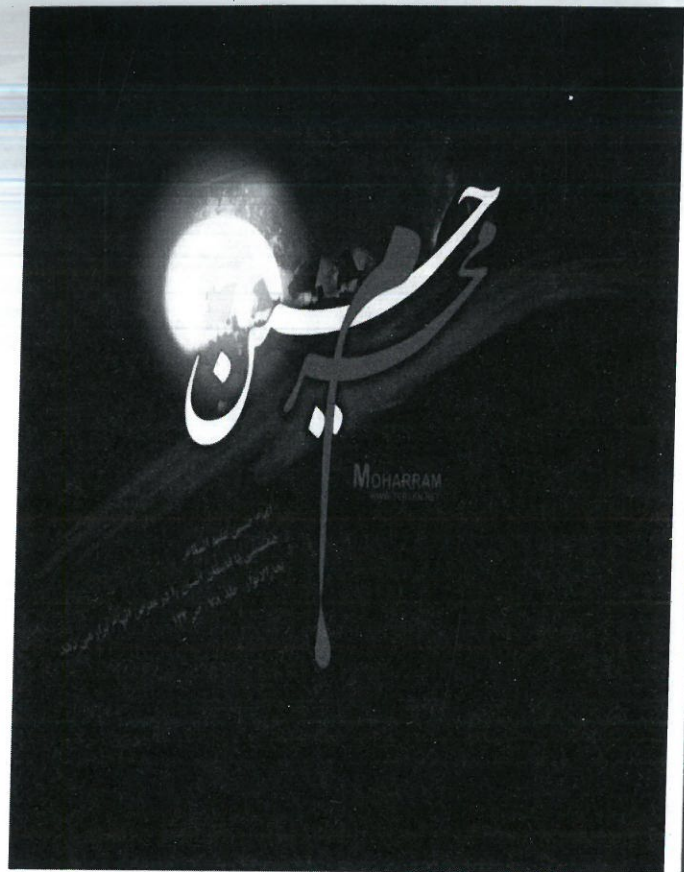
وجود آید؛ یکی بحران در زمانی که کل سیستم از جهت مادی و فیزیکی تحت تأثیر قرار گرفته و حیات آن به مخاطره افتاده است و دوم آنکه سیستم به جهت مسائل اعتبار و حیثیت اجتماعی و بطور نمادین دچار بحران گردیده، و به ورطه سقوط کشانیده شده است. بحران بقای جامعه و مشروعیت آن را متزلزل ساخته و موجب محو یا تغییرات بنیادی در آن می گردد که بحران کربلا از نوع دوم بود. (۱)

تبدیل بحران به فرصت در ماجرای عاشورا:

بحران کربلا و مشکلات که امام حسین (ع) در عصر و زمان خودش با آن مواجه بود از نوع بحران اجتماعی بود. برای مدیریت کردن یک بحران سه عامل نقش اساسی دارد که در نهضت کربلا به رهبری امام حسین (ع) به روشنی نمایان است

۱- قاطعیت

انسانهای موفق در صورتی که خواستار رسیدن به هدفی باشند به آن هدف خواهند رسید، آنها نمی گذارند هیچ چیز بین آنها و هدف حائل ایجاد کند، ممکن است شکلی از احساس هدفمندی باشد، دقیقاً می دانند به کجا می خواهند بروند و به آنجا می رسند و شکست را تنها به مثابه گامی در مسیر موفقیت می پذیرند. رهبر در رأس جامعه قرار دارد و مرکز ثقل اندیشه ها، طرحها و پیشنهادهاست و در حقیقت آخرین مرجع برای تجزیه و تحلیل، جمع بندی و اتخاذ تصمیم برای رفتار هاست. امام حسین (ع) هم پس از تصمیم به قیام و تشخیص امر خدا و احساس وظیفه برای مبارزه با دستگاه غاصب یزید، قاطعانه وارد عمل می شود، به طوری که درخواست



هراد مخلص و بزرگواری مانند عمر بن عبدالرحمن مخزومی، عبدالله بن عباس و محمد حنفیه نمی تواند او را از تصمیمش منصرف سازد و او با اراده ای استوار، حرکت الهی خویش را برای رسیدن به اهداف والا و مقدسش آغاز می کند. (۲)

۲- هدف روشن و عقیده همراه با بصیرت. (۳)
ضرورت احیای ارزش های دینی و سنن فراموش شده

تغییر ساختار حکومت

احیای امر به معروف و نهی از منکر

آموزش صبر و پایداری

بیعت خواهی یزید

۳- مشورت در امور

امام به سخن آنان که در لباس نصیحت گری ظاهر می شدند با کمال متانت گوش فرامی داد و انگاه هریک را به فراخور شخصیت، موقعیت و فهمش پاسخ می گفت. تاریخ گواهی می دهد که حتی « مروان بن حکم » که عناد و کینه تیزی اش با خاندان وحی و بویژه اباعبدالله (ع) آشکار بود وقتی به عنوان ناصح به نزد حضرت آمد حرفش را شنید. (۴)

درواقع حادثه ای کربلا خلق یک موقعیت منفی بود که از

اشتباهات یزید نشأت گرفت و از اشتباهات یزید این بود که سردوشمن خودش را بالای نیزه برد و به همه خباث خودش را نشان داد و از همه بدتر اینکه شهر خودش و خانه ای خودش را تبدیل کرد به کرسی تبلیغ علیه خودش دوران خلافت یزید سه سال و شش ماه بیشتر طول نکشید، ولی در همین مدت کوتاه سه جنایت هولناک و بی سابقه ای را انجام داد که برای همیشه نه تنها تاریخ بنی امیه را ننگین ساخت بلکه تاریخ اسلام را سیاه کرد

۱- سال اول شهادت امام حسین (ع) و یاران و اصحاب و بچه های حسین و گرداندن آنها در شهرها و به شهادت رساندن زنان و کودکان بی گناه در کربلا، کوفه و شام.

۲- فرستادن لشکری جرار برای سرکوبی مردم مدینه و مباح شمردن خون مردم آن شهر که بزرگترین جنایتهای تاریخ را لشکران شام در کنار قبر مطهر رسول خدا (ص) انجام دادند و جویی خون در مسجد مدینه را به راه انداختند.

۳- ویران کردن خانه های مکه و به خاک و خون کشیدن هزاران انسان در آن شهر و در کنار خانه ای خدا و حرم امن الهی و به منجیق بستن خانه کعبه و ویران کردن قسمت های از آن. (۵)

یزید بعد از به حکومت رسیدن سریعاً خواستار بیعت امام حسین (ع) با خودش شد در تاریخ که از یعقوبی نقل شده آمده است یزید به « ولید بن عتبّه » نامه نوشت که حسین بن علی و عبدالله بن زبیر را احضار کن و دعوت بی گیر و اگر بیعت نکردند گردن آنها را بی زن و سرهردو را برایم بفرست از اینجا معلوم می شود که به هروجه آنان تصمیم به قتل امام گرفته اند این جنبه ای منفی بحران بود.

اما روی دیگر بحران قسمت مثبت و هنر تبدیل مشکل به فرصت است وقت ابن زیاد به حضرت زینب گفت دیدی خدا بابرادرت چه کرد حضرت فرمود من به جز نیکی چیزی را ندیدم « انی ما رایت الا جمیلاً » (۶) که اگر این حادثه در مکه به وجود می یامد اثرات آن نمی توانیست و سب و ماندگار باشد و این حرکت چندین قیام و پیامد دیگر را در پی داشت که ما به سه پیامد مهم آن اشاره می بریم:

۱- اسلام نبوی و علوی از اسلام اموی جدا شد؛ یعنی مشخص شد که اسلام اموی پنداری است مردم فهمیدند اسلام یزید جعلی است با توجه به عملکرد که از خودشان تبارز دادند؛ شراب خوردن به صورت علنی، ظلم و جفا



نمودن بیش از حد و اندازه؛ بستن آب بر روی فرزند زهرا در حالی که آب جزء مهریه ای مادرش زهرا بوده است، رفتار بی رحمانه و بی ادبانه و حتی غیر انسانی در برابر اسرا و یتیمان و بچه های کوچک و...

۲- شکستن ابهت بنی امیه؛ چهل سال پایه های حکومت در شام ریشه دوانده بود و تحریف های دردین به وجود آورده بودند از قبیل صب علی (ع) نماز جمعه در روز چهارشنبه و... اما شهادت و حرکت امام حسین (ع) این وضعیت و فضایی که بر جامعه ای آنروز حاکم بود را عوض کرد و تغییر داد.

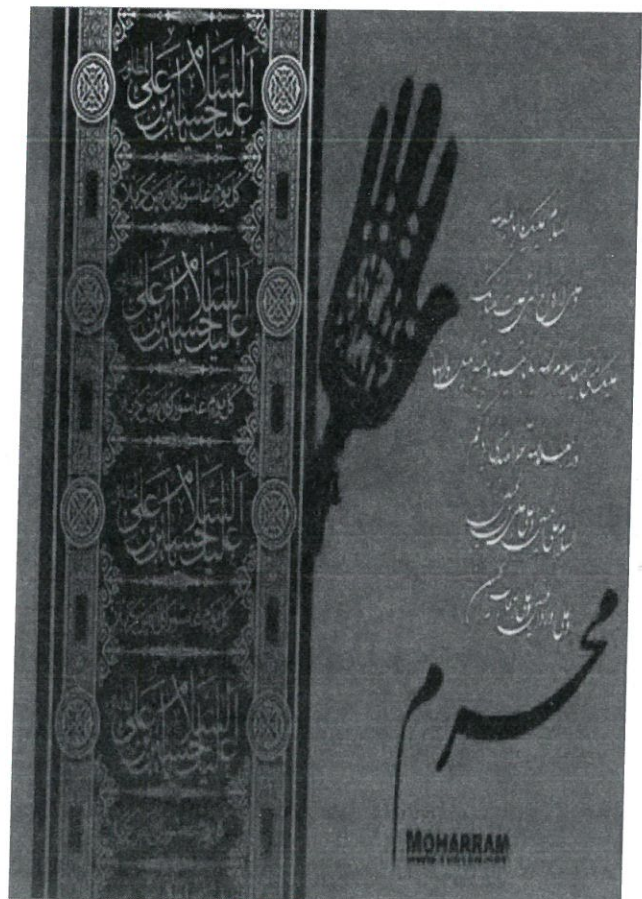
۳- ایجاد نهضت های بعد از عاشورا مثل قیام مختار، توابین، شورش ابن زبیر، سقوط دولت اموی و ظهور دولت عثمانی و... نتیجه:

زندگی امام در برهه ای از زمان که با ستمگران مواجه بود، با بحران زیادی روبه رفته و تمام وقایع گواه آنند که او مردی پولادین بود و با تکیه بر نیروی غیبی الهی هیچ گاه تسلیم نشد. روح بزرگ او بسان دریایی ژرفی بود که همه ناگواری ها را در خود جای می داد و آنچنان دلش قوی و توکل به قدرت الهی داشت که هیچ قدرتی نتوانست دراو و

تصمیماتش خللی ایجاد کند. یک بحران ضمن آنکه حامل جنبه های مخرب و منفی است ولی از جهات دیگری می تواند منشاء اثرات سازنده ای باشد و خلاقیت و نوآوری و تلاش ها و چالش های جدید را ایجاد کند با مرگ معاویه و روی کار آمدن یزید بحران به وجود آمد، اثبات فسق و فجور و بی بندوباری و بی دینی و کفر یزید نیز برای افراد بی غرض نیاز به استدلال زیادی ندارد. دوران خلافت یزید سه سال و شش ماه بیشتر طول نکشید، ولی در اثر بی سیاستی و پای بند نبودن به مقدسات اسلام و پرده دری، در همین مدت کوتاه سه جنایت هولناک و بی سابقه را مرتکب گشت که برای همیشه نه تنها تاریخ بنی امیه را ننگین ساخت بلکه تاریخ اسلام را سیاه و مشوه کرد. و اما امام حسین (ع) توانست با خون خودش درخت سبز اسلام را برای همیشه بیمه نموده و بحران به وجود آمده توسط بنی امیه را با درایت تمام رهبری نماید و ماجرا را به نفع خود به اتمام رساند. و در بلندای تاریخ بشریت همواره بدرخشد. که امروزه به قول گاندی هندی، کارلایل انگلیسی و... هرکسی و هر حرکت و نهضت می خواهد؛ شهامت، مردانگی و جوان مردی، صبر و استقامت، و فاداری و پایداری را درس بی گیرد باید به تراژیدی کربلا و قیام و حرکت حسین بن علی نگاه کند.

منابع:

۱. مهدی الوانی، سازمان های بحران پذیر و بحران ستیز و دانش مدیریت، ش ۳۵ و ۳۶، ص ۵۷-۵۸
۲. علی اسدی، بحران مدیریت و مدیریت در بحران، مجله مدیریت دولتی، ش ۴، ص ۶۰.
۳. تدابیر موفقیت، ادوارد دبنو، ترجمه هادی رشیدیان، نشر پیکان، ص ۵.
۴. ره توشه راهیان نور، ۴۱، ص ۳۱۲.
۵. دعای عرفه امام حسین، بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۳۹.
۶. سوگنامه کربلا، ص ۵۲، ترجمه لهوف / دزفولی
۷. سیره الائمه الاثنی عشر، هاشم معروف حسنی، ص ۴۲ - ۴۵.
۸. حماسه پیروز عاشورا، ابوالقاسم آذرسا، نشر دفتر انتشارات اسلامی، ص ۸۰.



MOHARRAM

عقیده، عقده و خرافات!



محمدیوسف رضایی
عضو هیئت علمی
و
مدیریت توسعه و برنامه
شعبه غزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)

۳. خرافات: دور شدن از سنت رسول خدا خرافات است. رفتارهای اجتماعی که بر مبنای منطق و استدلال و یا نسبت با سنت رسول خدا نداشته باشد باطل و بی معنی است. الگوی عزاداری که امروز در بین جامعه مسلمانان و مخصوصاً جامعه تشیع وجود دارد با الگوی عزاداری رسول خدا و اهلیتتش یک فرسخ فاصله دارد. اجازه می‌خواهم که اشاره نمایم به مداحی‌های که از روی تفنن، هنرهای زیبا و متد های عوام فریبانه صورت می‌گیرد. ساده‌گی و پاکی اخلاص و معنویت در روضه مداحان اهلیت وجود ندارد. الگوی عزاداری که امروز در بین جامعه مسلمین به وجود آمده است شبیه به یک جشن و جنبش عزاداری است. برخی از عالمان دینی و مداحان برای اینکه در بین مردم شهرت و پایگاه اجتماعی پیدا نمایند از حس و عشق پاک آنها نسبت به دین و مذهب سوء استفاده می‌کنند. خون که از دم قمه‌ها و دانه‌های زنجیر بر لباس‌ها و فرش‌های مسجد پاشیده می‌شود نشان از خرافات در عزاداری امام حسین است. در کل سبک و متد عزاداری که در آن نشانه از سادگی و اخلاص نباشد بخش از خرافات و ترفند های اجتماعی در روضه و مداحی است.

جمع بندی

هر حادثه تاریخی باید با هدف به آگاهی دادن و ایجاد دانش و ایده جدید نسبت به زندگی اجتماعی صورت بگیرد. تحلیل حوادث تاریخی باید به دور از تعصب، کینه و دشمنی برای جامعه انسانی باشد. یقیناً تحلیل و تجزیه حادثه عاشورا اگر به دور از وابستگی‌های مذهبی صورت بگیرد بهتر مورد پذیرش اجتماعی قرار می‌گیرد. سعی کنیم که سنت پاک نبوی و اهلیتتش را با خرافات آمیخته نکنیم. در دنیای معاصر ضربه را که دینداران و جامعه مسلمان از ناحیه خرافات می‌خورد بشتر از حمله‌های نظامی و فرهنگی در یک جامعه است. محرم بر همه پیروان و دوست داران امام حسین تسلیت باد.

با فرارسیدن محرم و ایام سوگواری عاشورا، رفتارها و واکنش‌های مردم با هدف ابراز عشق و علاقه به امام حسین به صورت متفاوت خود را نشان می‌دهد.

به نظر می‌رسد بسیاری از این واکنش‌ها که به مناسبت اظهار محبت نسبت به محرم از سوی مردم نمود پیدا می‌کند، نه تنها هیچ توجیه منطقی ندارد، بلکه چه بسا انسانها را از اهداف شان دور می‌کند در این نوشتار به سه نوع واکنش که از سوی مردم مشاهده می‌شود پرداخته و نقد شده است:

۱. عقیده: ماه محرم که فراه می‌رسد سه نوع رفتار و واکنش اجتماعی در جامعه دیده می‌شود. کشورهای مسلمان مخصوصاً جنبش جهادی و گروه‌های مبارزه طلب روش و طرز تفکر امام حسین را الگوی مبارزه و مقاومت در برابر ظلم و فساد اجتماعی میدانند. این دیدگاه بر این زبان و منطقی استوار است که کنار آمدن با حاکمیت که بر پایه جهل و فساد بنا نهاده شده است تعاون بر گناه و عدوان است. به این خاطر به مظلومیت، شهادت و اسارت اهلیت رسول خدا احترام می‌گذارند و به حرمت این ماه عزاداری و لباس سیاه بر تن میکنند. تا آنجا که امکان داشته باشد از شادی و خوشیهای زندگی خود می‌کاهند. این دیدگاه در طول تاریخ تبدیل به یک عقیده سیاسی و اجتماعی گردیده است. تا آنجا که گاندی برای رهایی کشور هند از ظلم و استبداد روش امام حسین را سرمشق خود قرار داد. روشن فکران که جامعه را در اختناق، و در بند جهل و سنت های خرافی می‌بینند الگوی اصلاح اجتماعی امام حسین را سرمشق تغییرات اجتماعی می‌دانند

۲. عقده: بعضی از رفتارها و واکنش‌های اجتماعی نسبت به ماه محرم از روی عقده و حقارت‌های روانی و اجتماعی است. بدون شک ماه محرم زمینه وحدت و همبستگی دو جامعه مسلمان «شعبه و سنی» است. علما و اندیشمندان هر دو مذهب شیعه و سنی جریان تاریخی، انقلاب و مظلومیت امام حسین و اهلیت شان را قبول دارند. در میان جامعه مسلمان تعداد از افراد وجود دارند که از روی جهل و نادانی و یا احياناً از روی عقده و حقارت‌های روانی و شخصیتی به گونه ای رفتار می‌کنند که باعث ایجاد حساسیت‌های مذهبی می‌شود مشخصاً می‌شود رفتارهای عقده‌ای را به دو طیف از عالمان دینی نسبت داد که از روی افراط و درک اجتماعی ضعیف محرم را به گونه ای از یک سو تجلیل و از سوی دیگر تخریب می‌کنند که اثر این دو دیدگاه در رفتارهای عمومی مردم دیده می‌شود و نمونه آن حادثه اسفناک پوهنتون کابل و پوهنتون مزار در سال گذشته است. به نظر من که مقصر دانشجویان و محصلان عزیز نیست بلکه مقصر اصلی در حادثه پوهنتون کابل و مزار عالمان دینی است که هنوز رسالت دینی خود را خوب نه فهمیدند.

ریشه های قیام امام حسین (ع)

قال رسول الله: بدء الاسلام غريبا وسيعود غريبا كما بدء



محمد رحیمی

عضو هیئت علمی

و

آمر تحقیقات علمی

شعبه غزنی

پوهنتون خاتم النبیین (ص)

بأنفسهم یعنی خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، مگر زمانی که خود آنان تلاش کنند تغییراتی را ابتدا در فکر و سپس در سرنوشت خویش ایجاد نمایند. شاید به همین دلیل، مهمترین توسعه را توسعه درونزای می دانند.

۲ ویژگی دیگر جامعه جاهلی، فقدان عدالت و وجود ظلم بود. در جامعه جاهلی چیزی بنام عدالت وجود نداشت و ظلم یکی از مشخصات بارز آن دوره بود. اما اسلام با آمدنش تلاش کرد این مردم را با عدالت آشنا و از ظلم دور نماید. در همین راستا فرمود: لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب و المیزان ليقوم الناس بالقسط یعنی ما رسولانی را با دلایل روشن، کتاب و ترازو (معیارسنجش) فرستادیم تا مردم اقدام به عدالت و انصاف نمایند. از این رو، بعثت با آمدنش ظلم را برداشته و عدالت را در جامعه آن روز به عنوان یک ارزش مبنایی مطرح ساخت.

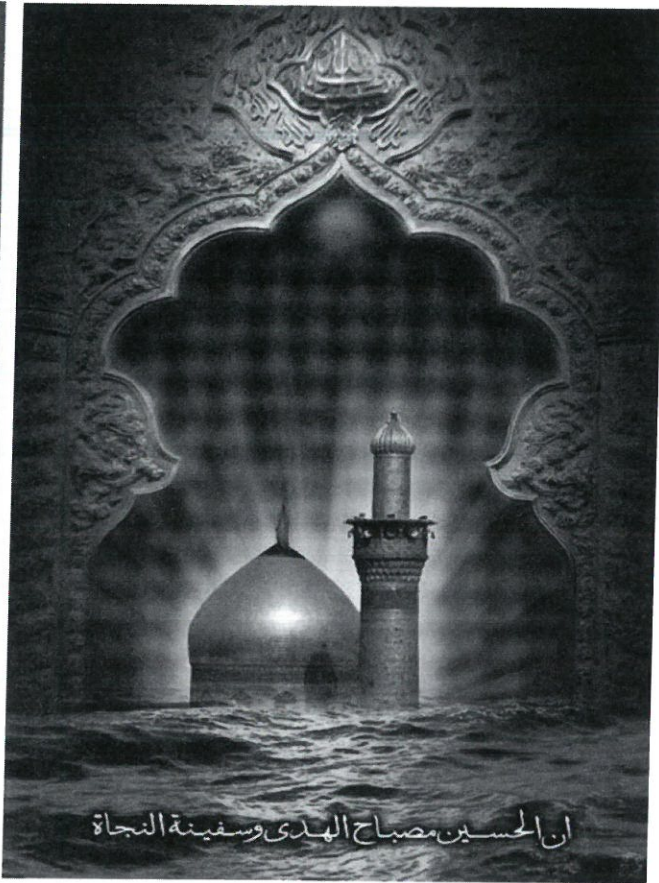
۳ ویژگی دیگری جامعه جاهلی فقدان باور به معاد بود. زمان که پیامبر اسلام مردم را به معاد دعوت کرد، یکی از عربها استخوان پوسیده ای آورد و آن را خرد کرد و در آن دمید و از هم پاشاند و سپس پرسید: من یحی العظام و هی رمیم؟ یعنی چه کسی این استخوان پوسیده را دوباره زنده می کند در حال که نرم شده و در هوا پخش شده است؟ قرآن در پاسخ فرمود: قل یحییها الذی انشأها اول مره. همان خدای که روز اول آن را از عدم آفریده، دوباره می تواند زنده نماید. بدین ترتیب، مردم جاهل را به یک مردم معتقد به عالم پس از مرگ تبدیل نمود.

۴ ویژگی دیگری جامعه جاهلی آن بود که زنان به عنوان یک انسان دارای کرامت انسانی شناخته نمی شد. زنان نه تنها ارزش نداشت بلکه یک موجود شوم و ننگ آور تلقی می شد و از این رو آنها را زنده بگور می کردند. اما اسلام زن و مرد را دوش بدوش هم قرار داد و به این مردم فهماند که زنان و مردان هر دو دارای کرامت انسانی برابر هستند. قرآن در این رابطه چنین فرمود: المؤمنین و المؤمنات و المسلمین و المسلمات و القانتین و القانتات و المستغفرین و المستغفرات... با این بیان این نکته را یاد آور شد که زن مومن به

در تاریخ اسلام، بعثت، غدیر، محرم و عاشورا به عنوان نقاط عطف و از پیچ های مهم تاریخی محسوب گردیده و از نقطه نظر تحولات سیاسی، اجتماعی و به خصوص فرهنگی از اهمیت فزاینده ای برخوردار است. بر این اساس، اگر بخواهیم ریشه ها، عوامل، ساختار و اهداف انقلاب امام حسین (ع) را به درستی درک کرده باشیم، باید بینیم ریشه ها و اهداف بعثت پیامبر گرامی اسلام چه بوده است؟ نوشتار حاضر تلاش می کند در حد ظرفیت خود به تبیین ریشه های انقلاب امام حسین با الهام از بعثت پیامبر اسلام بپردازد. از این رو، مقاله حاضر در دو بخش تنظیم شده که بخش اول نگاهی کوتاه به دستاوردهای بعثت نموده و بخش دوم به ریشه ها و دستاوردهای انقلاب امام حسین می پردازد.

بخش اول: ریشه ها، اهداف بعثت و دستاوردهای آن

مطابق روایت قرآن، جامعه آن روز عربستان جاهل و در آشفتنگی کامل قرار داشت؛ به طور که هیچگونه آثاری از مدنیت، انسانیت، و ارزش انسانی در آن وجود نداشته است. به همین جهت رسول خدا فرمود: بدء الاسلام غریبا و سيعود غریبا كما بدء طوبی للغریبا الذین یحیون امامات الناس من سنتی. یعنی اسلام در کمال غربت بنیانگذاری گردید و با صرف هزینه های کلان در جامعه آن روز عربستان استقرار یافت؛ اما دوباره به غربت باز می گردد. بشارت باد بر غربا؛ یعنی آنهایی که سنت مرا دوباره احیاء می کنند که توسط مردم از بین رفته اند. قرآن کریم از وضعیت اجتماعی و فرهنگی جامعه عرب جاهلی چنین گزارش می دهد: ۱ مهمترین ویژگی جامعه جاهلی بی سواد و نادانی بود و این نادانی، اساس آشفتنگی و بی نظمی جامعه جاهلی را تشکیل میداد. در واکنش به این پدیده؛ خدا در اولین ارتباط کلامی خود با پیامبر، سخن از خواندن و نوشتن می گوید. خداوند خواسته به رسول خود بگوید که تا زمانی که این مردم از نظر ذهنی و فکری متحول نشود، امکان تحول در عرصه های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وجود ندارد. بر این اساس، سوره ای بنام قلم فرستاد و فرمود: اقرء باسم ربک الذی خلق خلق الانسان من علق... یعنی بخوان بنام پروردگارت که تورا از خون بسته خلق کرده است. جالب آن است که قرآن در جای دیگر همین حقیقت را بیان داشته و فرموده: ان الله لا یغیر ما یقوم حتی یتغیروا ما



مرد مومن هیچ تفاوتی به لحاظ ارزش انسانی ندارد. و از همان روز و در اثر تلاشهای پیامبر اسلام، زنان جایگاه انسانی بالایی پیدا کرد تا جایی که می توانند در تمام فعالیت های عمومی و سرنوشت ساز مشارکت نمایند. ۵ مهمترین ویژگی جامعه جاهلی بت پرستی بجای خداپرستی بود. در جامعه جاهلی، بجای خدا مردم بت می پرستیدند و بر دیوار کعبه حدود ۳۶۰ بت به عنوان نماد فرهنگی هر قوم آویزان بود که هر کدام نام خاصی داشت و هر کدام نمادی از اعتبار یک قوم و قبیله خاص بود و هر قوم سعی می کردند با تزئین نقره و طلا، اعتبار و پرستی قوم خود را بالا ببرند. اما اسلام آنها را با مبنایی ترین باور آشنا ساخته و فرمود: لا اله الا الله تفلحوا. یعنی تنها و تنها راه رستگاری شما در آن است که خدای واحد را پرستش نمایید. کلمه لا اله الا الله مشتمل بر نفی خدایان ساختگی و اثبات خدای واحد است.

۶ ویژگی دیگری جامعه جاهلی، تبعیض نژادی و قومی بود. در جامعه جاهلی تبعیض نژادی و قومی به اوج خود رسیده بود. عرب خود را بر عجم و سفید بر سیاه مقدم می دانستند. اما اسلام آمد معیار برتری را در تقوای الهی قرار داد و فرمود: انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبایل لتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقکم. یعنی برترین شما با تقواترین شماست. پیامبر هم فرمود: لافضل للعرب علی العجم و لالعجم علی العرب الا بالتقوی. اینها نمونه های از وضعیت جامعه جاهلی بود که سبب شده بود مردم به سوی انحطاط و سقوط کشانده شود. اما اسلام با تلاشهای پیامبر اسلام و با جایگزین کردن ارزشهای اسلامی با مکانیزم تشکیل دولت دینی، توانست جامعه جاهلی در حال سقوط را به یک جامعه متمدن امروزی تبدیل نماید.

۷ تمدن اعراب در آستانه ظهور اسلام کاملا آشفته بود و این جامعه در یک واگرایی کامل قرار داشت که ریشه این چالش، تعصبات قومی و قبیله ای بوده است. عصبیت ها این شبه جزیره را به مرکز جنگهای قومی تبدیل نموده بود. اما اسلام تلاش کرد این جامعه پراکنده و آشفته را به جامعه واحد و به قول قرآن امت واحد تبدیل نماید. قرآن در این رابطه چنین می فرماید: واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذکروا نعمت الله علیکم اذکنتم اعداء فالق بین قلوبکم فاصبحتم بنعمته اخوانا وکنتم علی شفاحفرة من النار فانقذکم منها کذلک یبیین الله لکم آیاته لعلکم تهتدون^۱ همگی به ریسمان خدا (شریعت) چنگ زیند و به راههای متفرق نروید. به یاد آرید این نعمت بزرگ را که شما باهم دشمن بودید و خدا در دلهای شما الفت و مهربانی انداخت و همه به لطف خدا برادر دینی یک دیگر شدید؛ در حال که در پرتگاه آتش قرار داشتید و خدا شما را نجات داد. این آیه هم آشکارا وضعیت آشفته جامعه جاهلی را بیان می کند که در وضعیت سقوط قرار داشته و اسلام با آموزه های خود و رسول خدا با تشکیل دولت آنها را نجات داد. اینها و دهها ارزش دیگری که اسلام با بعثت پیامبر توانست این جامعه جاهلی را متحول نموده و به

یک جامعه مدنی و انسانی تبدیل نماید. به همین پیامبر فرمود: که اسلام در کمال غربت و سختی اساس گذاری گردید. اما پیش بینی کرد که ارزشهای اسلامی دوباره به غربت و فراموشی باز می گردد که در بخش دوم به آن پرداخته خواهد شد.

بخش دوم: ریشه ها، اهداف عاشورا و دستاوردها

۱ ریشه ها:

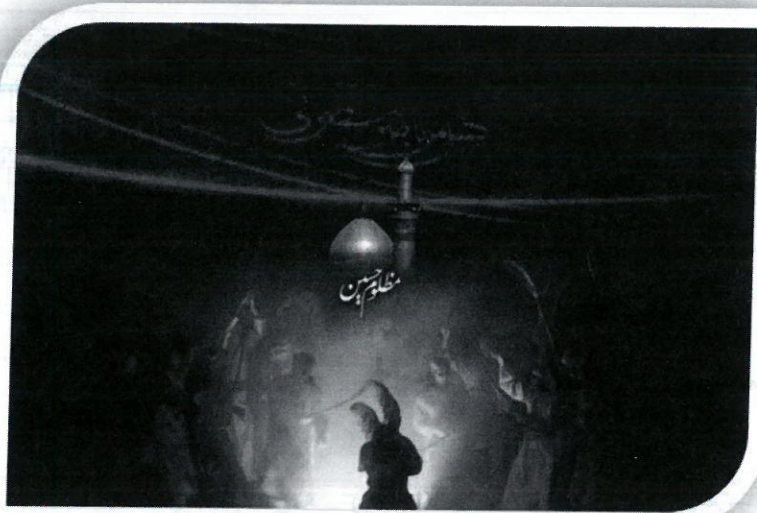
در یک نگاه عمیق، انقلاب امام حسین ریشه در ماجرای سقیفه دارد. اما در دوره اموی ها این انقلاب کلید می خورد. چرا که در دوره اموی ها نابسامانی های اجتماعی، سیاسی، دینی و فرهنگی به شکل عریان هسته اسلام و ارزشهای اسلامی را هدف گرفته بود. لذا امروزه می گویند انقلاب امام حسین (ع)، ریشه در نابسامانی های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه در دوره امویها دارد. پیش بینی های رسول خدا در مورد وضعیت ارزشهای دینی و انسانی در آینده درست از آب در آمد که فرمود ارزشهای اسلامی دوباره به غربت باز می گردد که در دوره امویها این پیش بینی جامه عمل پوشید. ظلم، بی عدالتی، بی دینی، ترویج منکر، تبعیض، رواج فساد، دشمنی با خانواده رسول خدا زندگی را برای متدینان تنگ کرده بود. معاویه از یک طرف می خواست برای فرزندش یزید بیعت بگیرد و از سوی دیگر به تمام ولایات بخش نامه صادر کرده بود که هر کجا دوستان علی و اولاد علی را مشاهده کردید، آنها را بکشید، مال آنها را مصادره کنید و خانه های آنها را ویران نمایید. من التهمتموه بموالاة هؤلاء القوم (علی و اولادش) فنکلوا به و اهدموا

داره. یعنی هر کس متهم به دوستی علی و اولاد علی باشد، تحت فشار قرار دهد و خانه های شان را خراب کنید. در راستای همین سیاست بود که حجر بن عدی و یارانش را به بدترین وضع به شهادت رساندند و از مأذنه های مساجد به علی لعن می گفتند و...

۲ اهداف انقلاب:

اهداف امام آنگونه که از وصیت نامه اش پیداست، ایجاد اصلاحات در جامعه فساد زده آن روز بود که ما بخوبی می توانیم از وصیت نامه امام حسین(ع) به برادرش محمد حنفیه در زمان حرکت امام به سمت کربلا آن را درک کنیم. حضرت وصیت نامه خود را چنین شروع می کند: انی لم اخرج اشرا ولا بطرا ولا مفسدا ولا ظالمانا خرجت لطلب الاصلاح فی امتی جدی ارید ان آمر بالمعروف واتهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی. یعنی من برای مقام، مال، شهرت و منافع شخصی قیام نکردم. هدف من از انقلاب آن است که معروف از جامعه انسانی رخت برسته و منکر هر روز جای معروف را اشغال می کند؛ از این رو، من می خواهم اصلاحات را در امت جدم ایجاد نمایم. ما اگر بخواهیم درک عمیق تری از اوضاع نابسامان انقلاب امام داشته باشیم، بهتر است از زبان خود حضرت جویا شویم. حضرت اوضاع حاکم بر زمان انقلاب خود را که اموی ها ایجاد نموده بود. در مسیر راه خود به سمت کربلا و در مواجهه با لشکر حربن یزید ریاحی چنین گزارش می کند: الاوان هؤلا فذلزموا طاعه الشیطان و ترکوا طاعه الرحمن و اظهروا الفساد و عطلوا الحدود و استأثروا بالقی احلوا حرام الله و حرّموا حلاله و انا احقّ ممّن غیر. یعنی آگاه باشید که آل ابوسفیان و دستگاه اموی ها به طاعت شیطان تن داده و طاعت خدا را رها کرده، فساد را در تمام ابعاد آن در ترویج کرده، حدود الهی را تعطیل کرده، بیت المال مسلمین را به خود اختصاص داده، حلال خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده. من مانند جدم رسول خدا وظیفه دارم که اوضاع را تغییر داده و سنت جدم رسول خدا را بار دیگر احیا نمایم.

جالب است که اکثر تاریخ نگاران حادثه عاشورا، ریشه های انقلاب امام را در زمانی جستجو می کنند



که معاویه می خواست حاکمیت را به صورت موروثی به فرزندش یزید منتقل کند. معاویه به خوبی می دانست که یزید شایستگی زعامت مسلمین را ندارد و لذا خیلی نگران بود. اما در عین حال تلاش کرد با تبدیل خلافت به سلطنت، این کار را انجام دهد. اما دو مانع جدی را بر سر راه انتقال قدرت به فرزندش داشت: یکی وجود امام حسن و دیگری، بی لیاقتی یزید. در مورد مانع اول؛ معاویه نیک می دانست که با وجود امام حسن کسی به یزید بیعت نمی کند. از این رو، امام حسن را توسط زهر به شهادت رسانید و در مورد مانع دوم، با استفاده از راهبرد زر و زور و تطمیع توانست مردم را برای دادن بیعت به یزید آماده و بی لیاقتی یزید را بیوشاند. از این لحظه مطمئن شد که دیگر مانعی برای ولایت عهدی یزید باقی نمانده و راه برای بیعت مردم با یزید هموار گردیده است.



اما یکباره متوجه شد که با وجود امام حسین(ع) در مدینه مردم با یزید بیعت نمی کند. اینجا بود که مأمورانش را برای گرفتن بیعت از امام حسین در مدینه فرستاد. مأمورین حکومت بر امام تنگ گرفت و امام حسین به بهانه انجام فریضه حج مدینه را به مقصد مکه ترک گفت. مأمورین معاویه بدنبال امام حسین به مکه رفت تا به هر قیمتی شده بیعت را از امام بگیرد. اینجا بود که امام فرمود: الاوانّ دعی یابن الدعی قدر کزین اثنتین بین السله و الذله هیئات منالذله. یعنی اینها مرا در میان دو امر مخیر گذاشته: یا باید بیعت کنم و یا باید دست به شمشیر ببرم. اما هیئات از این که دست ذلت بسوی کسی دراز کنم که با ارزشهای دینی بازی می کند. امام خوب می داند که اگر زمام امور مسلمین بدست شخصی همچون یزید بیفتد باید فاتحه اسلام را خواند. چنان که فرمود: اذابلیت الامه براع مثل یزید فعلی الاسلام السلام. یعنی اگر زمام کار بدست یزید قرار بگیرد باید فاتحه اسلام را خواند. یزید کسی بود که با تمام ارزشهای اسلامی بازی کرد و آنها را به باد مسخره گرفت. او شراب را تشبیه به خورشید می کرد و می گفت: شراب که از مشرق دست ساقی طلوع می کند مانند خورشیدی است که از مشرق طلوع می کند و هنگام که از سو در جام می ریزند و صدای که تولید می کند، مانند صدای پای حاجیانی است که بین صفا و مروه مشغول هروله رفتن است. با این تفکر فریاد می زد که ای مردم بیاید خوش باشید؛ خوشی و شراب که نقد است مال ما و آخرت و ثواب اخروی که نسیه است مال کسانی که(امام حسین) دم از آخرت می زنند. امام خوب می دانست که اگر چنین کسی مسئول مدیریت جامعه اسلامی باشد،

چیزی از ارزشهای اسلامی باقی نمی ماند.

از همین خاطر، عاشورا می توان همتای بعثت ارزیابی کرد. یعنی هر دستاوردی که بعثت داشته، باید آن را در آئینه عاشورا دید، رسول خدا هر هدفی را تعقیب می کرده، باید آن را در انقلاب امام پیاده کرد.

جمع بندی:

در این مقاله ما بدنبال تبیین این حقیقت بودیم که ریشه ها، اهداف و دستاوردهای انقلاب امام حسین در واقع همان ریشه ها، اهداف و دستاوردهای انقلاب نبوی و بعثت است. همان گونه که انحراف در تفکر و انحراف در تمایلات و ایدئولوژی سبب انقلاب و بعثت پیامبر گردید، همان عناصر زمینه را برای انقلاب امام حسین فراهم ساخت. بدین معنا مشرکین مکه و عربهای جاهل از نظر مسایل اعتقادی، مسلمان نبوده و بت پرست بودند و به تبع آن، تمام ارزشهای انسانی در جامعه جاهلی وجود نداشت. بعد از بعثت که رسول خدا مردم را به اسلام فراخواند، تعدادی از مردم گرچه از نظر باورها مسلمان شدند اما از این که موقعیت و منافع خود را به خطر دیدند، از نظر تمایلات و ایدئولوژی هنوز می لنگیدند. همین دو عنصر در انقلاب امام حسین نیز دخیل بوده است. مردم از نظر باورهای اسلامی به ظاهر مسلمان بودند، اما تمایلات، انگیزه ها و فضای حاکم بر جامعه آن روز، مردم را در مقابل امام قرار دادند. حتی آنان که از امام دعوت کردند نیز زمان که افق را تاریک دیدند، به امام پشت کردند و به روی امام شمشیر کشیدند. لذا مهمترین دلیل انقلاب امام آن بود که ارزشهای اسلامی و دینی وارونه شده بود و جامعه اسلامی می رفت که تمام آنها را از دست بدهد. امام حسین انقلاب کرد تا آنها را بار دیگر احیا بسازد. او در این راه تمام هستی خود و خانواده خود را قربانی کرد تا دین جدش زنده بماند. اینک بر تمام مسلمانان است که از ارزشهای عاشورا پاسداری نمایند. چرا که مطابق حدیث شریف کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا. والسلام

عالم همه محو گل رخسار حسین است

ذرات جهان در عجب از کار حسین است

دانی که چرا خانه حق گشته سیه پوش؟

یعنی که خدای تو عزادار حسین است

منابع:

۱ قرآن کریم

۲ تاریخ عاشورا، نوشته ابراهیم ایتی

۳ آذرخش، نوشته مصباح یزدی

به روایت تاریخ، در دوره اموی ها اوضاع جامعه اسلامی به قدری گرفتار نابسامانیهای فرهنگی و اجتماعی شده بود که تقریباً تمام ارزشهای پیامبر اسلام برای جامعه انسانی آورده بود، از بین رفته بود. از این رو، دوره حاکمیت اموی ها را به دوره قرون وسطای جهان اسلام می نامند که در آن، ارزشهای دینی و انسانی در تمام ابعاد آن دگرگون شده بود. در واکنش به وضعیت تاریک جامعه اسلامی آن روز، با شعار امر به معروف و نهی از منکر نه تنها از دادن بیعت با یزید سرباز زد که یک انقلاب عمیق و ریشه دار را به راه انداخت تا جامعه اسلامی آن را از نو بسازد. از این رو، امام برای تحقق این هدف، و در پاسخ به دعوت کوفیان مکه را به قصد کربلا ترک کرد؛ در حال که زنان و اهلیت خود را همراه داشت. امام برای احیای فریضه امر به معروف و احیای دوباره سنت رسول خدا تا پای جان به پیش رفت. او خود و جوانان بنی هاشم را قربانی کرد تا اسلام زنده بماند.

۳ دستاوردهای انقلاب

اگر رسول خدا برای هدایت جامعه انسانی ارزشهای اسلامی را تبلیغ و برقرار ساخت، دستاورد انقلاب امام حسین را می توان در احیای دوباره این ارزشها تحلیل کرد که توسط حاکمان جاهل اموی در شرف نابودی بود. شاید به همین خاطر عاشورا را نه به عنوان یک حرکت عادی و احساسی بلکه به عنوان یک مکتب، یک دانشگاه و یک اندیشه ارزیابی می کنند که در آن، تمام ارزشهای انسانی در حد اعلی وجود دارد. شاید به همین خاطر است که عاشورا هر روز بهتر از دیروز در بین جوامع انسانی مطرح می شود؛ شاید به همین دلیل است که جهان اسلام در ایام عاشورا و محرم از درون متحول می شوند و از نظر عاطفی و عقلانی خود را برای استقبال از آن آماده می کنند. در دنیا انقلابات زیادی اتفاق افتاده است، اما پس از مدتی خاموش شده و از اذهان رفته اند. اما عاشورا به عنوان یک پدیده فرازمانی و فرامکانی همیشه درخشان بوده و خاموش شدنی نیست.



FARS

امام حسین (ع) و واقعه عاشورا

در نگاه علمای اهل سنت!



اگر دین جدم
جز با ریخته شدن خون من پا برجاست نمی ماند
پس شمشیرها مرا دریابید...

۲۹



محمد ضیاء حسینی
عضو هیئت علمی
و
آمر فرهنگی - تربیتی
شعبه غزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)

رویدادهای حادثه کربلا از زبان ابومخنف اکتفا نمی کند، بلکه به داستان اسارت خانواده حسین بن علی و رویدادهای کوفه و عزاداری مردم در مجالس عیدالله زیاد و سپس شام می پردازد. پس از طبری این شیوه توسط سایر تاریخ نگاران اهل سنت پی گیری شد. گاهی قصه گویان در کنار حرم حسین بن علی آمده، عزاها و مصایب او را به زبان داستان می گفتند.^۳

صالح ابن احمد حنبل

صالح ابن احمد حنبل می گوید به پدرم گفتم بعضی ها می گویند که یزید را دوست دارند، گفت فرزندم! آیا کسی که به خدا و قیامت ایمان دارد، می تواند یزید را دوست داشته باشد؟^۴

ابن تیمیه

ابن تیمیه فقیه و متکلم مسلمین دوره حمله مغول در گفتگو با فرمانده سپاه مغول هنگامی که پس از نبرد دمشق آمده بود گفته است «هر کس حسین بن علی را کشته یا در قتل وی همکاری داشته یا به قتل او راضی بوده، لعنت خدا و فرشتگان

حسین بن علی نوه پیامبر گرامی اسلام، نه تنها در بین شیعیان جایگاه خاص و امام مسلمین است، بلکه به نقل از دانشمندان و محدثان مذهب اهل سنت نیز به صفات مختلف یاد شده است، احمد بن حنبل در روایتی از پیامبر اسلام، حسین بن علی را آقای جوانان بهشت معرفی می کند. علاءالدین متقی هندی در کنز العمال حسین بن علی را زمینه ساز دوستی با خدا و پیامبرش معرفی کرده است و جایگاه جاودانش را در بهشت دانسته است. ابن صباغ مالکی از راویان و دانشمندان مذهب اهل سنت روایت کرده است هنگامی که حسین بن علی به نماز می ایستاد رنگش زرد می شد. ابن تیمیه فقیه و متکلم مسلمان قاتلین حسین بن علی را لعنت کرده است. ابن خلدون از حسین بن علی به عنوان صحابی مجتهد یاد کرده و او را شایسته رهبری برای قیام علیه یزید شمرده است. با وجود این که عده خواسته و یا نا خواسته امام حسین و واقعه محرم الحرام را به مذهب و یا گروه خاص اختصاص می دهند، ضرورت ایجاب می کند تا برخی از دیدگاه های پیشوایان و علمای اهل سنت در این خصوص به بررسی گرفته شود.

پیشوایان و علمای اهل سنت

احمد بن حنبل

احمد بن حنبل در المسند آورده است، حسین بن علی نیاش پیامبر خدا، پدرش علی خلیفه مسلمین و مادرش فاطمه است. در روایاتی که از محمد پیامبر اسلام روایت شده آمده «حسن بن علی و حسین بن علی به عنوان سید جوانان اهل بهشت و فاطمه زهرا سیده زنان بهشت معرفی شده اند»^۱

علاءالدین متقی هندی

علاءالدین متقی هندی در کنز العمال آورده است: حسن بن علی و حسین بن علی زمینه ساز دوستی خدا و پیامبرش معرفی شده اند و جایگاه جاودانی شان در بهشت برین خواهد بود، پس دشمنی با آنها زمینه دشمنی خدا و رسول را فراهم می کند و انسان را به سوی زندگی همیشگی جهنم می کشاند.^۲

محمد بن جریر طبری

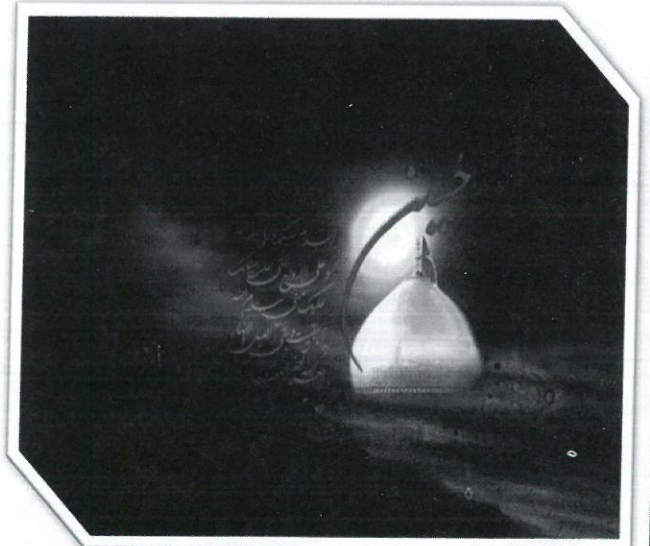
محمد بن جریر طبری از یکی از گزارشگران معروف به نام لوط بن یحیی معروف به ابومخنف ازدی رویداد کربلا را نقل کرده است. طبری تنها به نقل

و انسانها براو باد! خداوند نه عذاب را از آنها دور می‌نماید و نه عوض قبول می‌کند. خداوند حسین بن علی را به وسیله شهادت عزت بخشید و سرفراز نمود و کسانی که او را کشتند یا کمک کردند یا راضی بودند رسوا ساخت. حسین بن علی در میان پیشگامان شهادت الگو است زیرا او و برادرش سرور جوانان اهل بهشت هستند، آنها زمانی پرورش یافتند که اسلام دارای عزت و شرف بود، لذا آن زحمات و رنج‌هایی که خانواده آنها در راه هجرت و جهاد و تحمل آزار و اذیت کفار متحمل شدند، به آنها نرسید. بنابراین، خداوند به وسیله شهادت کرامت آنها را تکمیل گردانید و به درجات آنها افزود، قتل او مصیبت بسیار بزرگی است و خداوند دستور فرموده که به هنگام مصیبت صبر پیشه کنید و آیه «انا لله و انا الیه راجعون» بخوانید.^۵

ابن خلدون

ابن خلدون در کتابش می‌نویسد: «نمی‌توان گفت یزید هم در کشتن حسین بن علی اجتهاد کرد پس بی‌تقصیر است، چون صحابه‌ای که با حسین در قیام شرکت نکرده بودند، هرگز اجازه قتل حضرت را نداده بودند. این یزید بود که با حسین بن علی جنگید. این عمل یزید، یکی از اعمالی است که فسق بر او تاکید کرده، تایید می‌کند و حسین در این واقعه شهید و در نزد خدا مأجور است و عمل او بر حق و از روی اجتهاد است.

ابن خلدون حسین بن علی را از جمله صحابی مجتهدی می‌داند که شایستگی بالایی برای رهبری قیام علیه یزید را دارا بوده‌است. او در این زمینه می‌نویسد: «اما درباره شایستگی حسین بن علی همچنان که وی گمان کرد درست بود بلکه بیش از آن هم شایستگی داشت. یزید پسر معاویه خود را به عنوان خلیفه مسلمین قلمداد کرد و در صدد بر آمد که مخالفین خود از جمله حسین بن علی را که عمده ترین مخالف برای خود می‌پنداشت، به بیعت وادارد. با این هدف،



از والی مدینه ولید بن عتبه با جدیت تمام خواست تا از حسین بن علی بیعت بگیرد.^۶

توفیق ابوعلم

توفیق ابوعلم، از علمای معروف اهل سنت مصر، در تحلیل نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) می‌نویسد: «امام حسین (ع) قصد کربلا کرد تا از یک سو دست به قیام بزند و از سوی دیگر از بیعت با یزید خودداری کند. هرچند برای او روشن بود که این قیام و امتناع از بیعت با یزید منجر به قتل او خواهد شد؛ زیرا اگر او با یزید بیعت می‌کرد یزید در صدد به وجود آوردن تغییرات اساسی در دین اسلام بر می‌آمد و بدعت‌های زیادی را بنا می‌نهاد. به همین دلیل است که گفته‌اند حسین خود و خانواده و فرزندان را فدای جدش کرد و ارکان حکومت بنی امیه هم جز با قتل او متزلزل نمی‌شد... بنابراین حسین برای طلب دنیا و مقام و... قیام نکرد؛ بلکه می‌خواست احکام خدا را به اجرا درآورد».

خالد محمد خالد

خالد محمد خالد، از علمای اهل سنت مصر، قیام امام حسین را صرفاً برای حفظ دین اسلام معرفی کرده، می‌نویسد: «امام حسین (ع) برای حفظ دین دست به فداکاری زد. از آن جا که اسلام پایان بخش و در یک کلمه عصاره همه ادیان است، لذا حفظ آن هم از اهم کارهایی است که مؤمنان باید بدان اهتمام بورزند. تلاش‌های صادقانه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و ائمه اطهار (ع) و اولیای بزرگوار همه و همه برای حفظ این دین بوده‌است. بنابراین موضوع قیام عاشورا نیز حفظ دین بود؛ چرا که در آن زمان نیاز زیادی به حفظ دین احساس می‌شد... پس امام (ع) برای انجام دادن امور عاطفی یا حتی کمک به دیگران فداکاری نکرد؛ بلکه هدف اصلی او فداکاری برای حفظ دین خدا بود».

محمدعلی جناح

محمدعلی جناح، رهبر فقید پاکستان، می‌گوید «هیچ نمونه‌ی از شجاعت، بهتر از آنچه امام حسین نشان داد در عالم پیدا نمی‌شود. به عقیده من تمام مسلمین باید از شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربانی کرد، پیروی نمایند».

عبدالرحمن شرقاوی

عبدالرحمان شرقاوی نویسنده مصری می‌نویسد: «حسین (ع) شهید راه دین و آزادی است. نه تنها شیعیان باید به نام حسین ببالند، بلکه تمام آزاد مردان دنیا باید به این نام شریف افتخار کنند».

العَبیدی

العَبیدی مفتی موصل می‌گوید: «فاجعه کربلا در تاریخ بشر نادره‌ای است، هم چنان که مسبین آن نیز نادره‌اند... حسین بن علی (ع) سنت دفاع از حق مظلوم و مصلح عموم را بنا بر فرمان خداوند در قرآن و وظیفه خویش دید و در انجام دادن آن تسامحی نورزید.

قطع رحمی از فسادی که یزید مرتکب آن شده، بالاتر است؟! ^۸

آلوسی بعد از نقل آن سخنان می گوید: «در لعن یزید توقف نیست چون اهل کبائر و دارای اوصاف خبیثه بود و بر مردم مدینه ظلم و تعدی کرد و حسین (ع) را کشت و به اهل بیت اهانت کرد.» ^۹

دکتر طه حسین

دکتر طه حسین نویسنده و ناقد معاصر اهل سنت معتقد است «از آنجا که حسین از یک سو، مسئول حفظ دین و از سوی دیگر، آزاده و قهرمان است، هرگز در قبال بیعت خواهی یزید، سرتسلیم فرود نخواهد آورد. پس برای رسیدن به هدف خود، باید به هر کار مشروعی دست می زد. بنابراین، برای احتراز و دوری از امر بیعت، به کوفه روی آورد و شهادت را بر بیعت با یزید که به نوعی تایید ستم های او بود، ترجیح داد.» ^{۱۰}

شیخ عبدالله علائی

شیخ عبدالله علائی، دانشمند و نویسنده اهل سنت با تحلیل اوضاع زمان یزید، سکوت را بر هیچ دیندار و آزاده ای جایز نمی داند. وی قیام حسین (ع) خواست همه مسلمانان بود است، این قیام انعکاس و طنین گسترده ای به جای گذاشت و تا آنجا پیش رفت که تخت سلطنت امویان را به لرزه در آورد و سرانجام به نابودی کشاند. ^(۱۱)

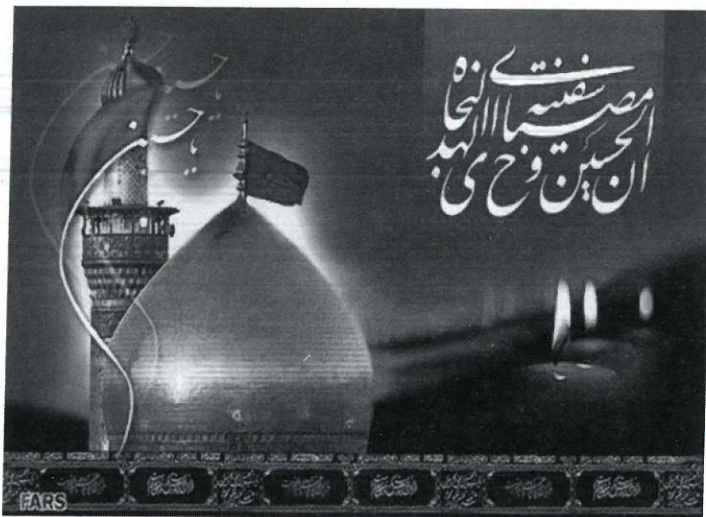
همچنین می گوید «هرکس در زندگی، دو روز دارد: روز زنده شدن و روز مرگ؛ ولی تو ای حسین! تنها یک روز داشتی. روز زنده شدن و حیات، زیرا تو هرگز نمردی، تو جان شیرین خود را بر سر عقیده پاک و هدف بزرگ و آرمان مقدس خویش نهادی، به همین دلیل تا حق و حقیقت و اسلام در جهان زنده است، تو هم زنده ای.» ^(۱۲)

اشعار در سوگ امام (ع)

در این بخش به اشعار که در مدح امام حسین (ع) از زبان برخی از شعرای اهل سنت سروده شده است اشاره می شود:

امام شافعی

امام شافعی یکی از پیشوایان اهل سنت علاقه و ارادت بسیاری به اهل بیت (ع) دارد، در باره واقعه عاشورا، اشعار زیبایی سروده است که ترجمه برخی ابیات آن را می آوریم: «این حادثه از حوادثی است که خواب مرا ربوده و موی مرا سپید کرده است / دل و دیده مرا به خود مشغول ساخته و مرا اندوهگین کرده است و اشک چشم، جاری و خواب از آن پریده است / دنیا از این حادثه خاندان پیامبر (ص) متزلزل شده و قامت کوه ها از آن خواب ذوب شده است / آیا



هستی خود را در چنین قربانگاه بزرگی فدا کرد و بدین سبب نزد پروردگار «سرور شهیدان» محسوب شد و در تاریخ پیشوای اصلاح طلبان به شمار رفت. او به آنچه خواسته بود رسید و بلکه به برتر از آن کامیاب گردید.»

سید قطب

سید قطب می نویسد: «ثمره نهضت حسین (ع) پیروزی بود یا شکست؟ در دایره و مقیاس کوچک ثمره این حرکت جز شکست چیزی نبود، ولی در عالم واقع حرکتی پرفروغ و در مقیاس بزرگ و وسیع پیروزی بود. هیچ شهیدی در سراسر زمین مانند حسین (ع) نیست که احساسات و قلب ها را قبضه کند و نسل ها را به غیرت و فداکاری بکشاند. چه بسیار از کسانی که اگر هزار سال هم می زیستند امکان نداشت عقیده و دعوتشان را گسترش دهند. ولی حسین (ع) عقیده و دعوتش را با شهادتش به کرسی نشاند. هیچ خطابه ای نتوانست قلب ها را به سوی خود سوق دهد و میلیون ها نفر را به سوی اعمال بزرگ بکشاند، مگر خطبه آخر حسین (ع) که با خون خود آن را امضا کرد و برای همیشه موجب حرکت و تحول مردم در خط طولانی تاریخ گردید.»

ابوالحسن اشعری

ابوالحسن اشعری، پیشوای مکتب اشاعره، می گوید «چون ستمگری یزید از حد گذشت، امام حسین (ع) با یاران خود علیه بیداد او قیام کرد و در کربلا به شهادت رسید.» ^۷

علامه آلوسی

علامه آلوسی، مفتی اهل سنت عراق در «تفسیر روح المعانی» ذیل آیه شریفه «فهل عسیتم ان تولیتم... ان تفسدوا فی الارض و تقطعوا ارحامکم اولئک الذین لعنهم الله...» (محمد/۲۶) از احمد بن حنبل نقل می کند که: پسرش از وی در باره لعن یزید سؤال کرده، او جواب گفت: «کیف لایلعن من لعنه الله فی کتابه، چگونه لعن نشود کسی که خدا او را در کتابش لعنت کرده است؟! عبدالله پسر احمد بن حنبل پرسید: من کتاب خدا را خواندم ولی لعن یزید را ندیدم؟ احمد بن حنبل در پاسخ، آیه شریفه «فهل عسیتم...» را خواند و آنگاه گفت: «ای فساد و قطیعه اشد مما فعله یزید؛ چه فساد و

کسی هست که از من به حسین پیامی برساند، اگرچه دل ها آن را ناخوش دارند؟! / حسین کشته ی است بدون جرم و گناه که پیراهن او به خونش رنگین شده، عجب از ما مردم آن است که از یک طرف، به آل پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم درود می فرستیم و از سوی دیگر، فرزندان او را به قتل می رسانیم و اذیت می کنیم! / اگر گناه من دوستی اهل بیت پیامبر است، از این گناه هرگز توبه نخواهم کرد. اهل بیت پیامبر در روز محشر، شفیعان من هستند و اگر نسبت به آنان بغضی داشته باشم، گناه نابخشودنی کرده ام.»^{۱۳}

اقبال لاهوری

اقبال لاهوری قیام امام حسین (ع) و یارانش را حفظ آزادگی و برخوردار ساختن دیگران از آزادی در سایه تعبد الهی را می داند: خون آن سر، جلوه خیرالامم / چون سحاب قبله باران در قدم بر زمین کربلا بارید و رفت / لاله در ویرانه ها کارید و رفت تا قیامت قطع استبداد کرد / موج خون او چمن ایجاد کرد بهر حق در خاک و خون غلطیده است / پس بنای «لا اله» گردیده است مدعایش سلطنت بودی اگر / خود نکردی با چنین سامان سفر دشمنان چون ریگ صحرا، لا تعد / دوستان او به یزدان هم عدد تیغ بهر عزت دین است و بس / مقصد او حفظ آیین است و بس خون او تفسیر این اسرار کرد / ملت خوابیده را بیدار کرد نقش «الا الله» بر صحرا نوشت / سطر عنوان نجات ما نوشت رمز قرآن از حسین آموختیم / ز آتش او شعله ها افروختیم ای صبا! ای پیک دور افتادگان! / اشک ما بر خاک پاک او رسان^{۱۴}

عطار نیشابوری

عطار نیشابوری، در مصیبت نامه خود در باره امام حسین (ع) سروده است:

قـرۀ العین امام مجتبی (ع) / شاهد زهرا، شهید کربلا کی کنند این کافران با این همه / کو محمد؟ کو علی؟ کو فاطمه؟ صد هزاران جان پاک انبیا / صف زده بینم به خاک کربلا در تموز کربلا تشنه جگر / سر بریدندش، چه باشد زین بتر؟ با جگر گوشه پیغمبر این کنند / وانگهی دعوی داد و دین کنند کفر آید، هر که این را دین شمرد / قطع باد از بن زبانی کاین شمرد

شیخ طالبانی کرکوی

شیخ طالبانی کرکوی، از شاعران مشهور پارسی گوی کرد عراق، در تمجید از امام حسین (ع) چنین می سراید:
لافت از عشق حسین است و سرت بر گردن است
عشق بازی، سر به میدان وفا افکندن است
گر هواخواه حسینی، ترک سر کن چون حسین
شرط این میدان به خون خویش بازی کرده است
سنیم، سنی ولیکن حب آل مصطفی
دین و آیین من و آباء و اجداد من است

شیعه و سنی ندانم، دوستم با هر که او

دوست باشد، دشمنم آن را که با او دشمن است^{۱۶}

جلال الدین مولانان محمد بلخی

جلال الدین مولوی نیز در «دیوان شمس» اشارات متعددی به واقعه کربلا دارد:

کجائید ای شهیدان خدائی / بلاجویان دشت کربلائی
کجائید ای سبک روحان عاشق / پرنده تر ز مرغان هوائی
در آن بحرید کین عالم کف اوست / زمانی پیش دارید آشنائی
کف دریاست صورت های عالم / ز کف بگذر اگر اهل صفائی^{۱۷}

برآمد

در یک نگاه کلی به دیدگاه های علمای اهل سنت، به موارد زیاد از گفته های بر می خوریم که امام حسین را وصف کرده و واقعه عاشورا را یک حادثه غمبار در تاریخ آن زمان بیان کرده اند و کاریزید ابن معاویه را یک عمل ظلم و جفا در حق نواده رسول خدا دانسته اند.

لذا واقعه غمبار و خونین عاشورای سال ۶۱ هجری، مخصوص مذهب شیعه نمی باشد، این حادثه تمام مسلمین را در سوک سلاله پاک رسول خدا نشانده و عمل یزید را در محرم الحرام سال ۶۱ هجری ظلم آشکار در حق خانواده رسول خدا دانسته اند، که در این نوشته برخی از گفته های علمای اهل سنت را یاد آور شدیم.

پی نوشت ها:

۱. ابن حنبل، احمد، مسند، ج ۵، ص ۳۹۱، بیروت، دارالاماره.
۲. متقی هندی، علاء الدین، «کنز العمال»، ج ۱۲، ص ۱۲۰، بیروت، موسسه الرساله، ۱۴۰۹ ه.ق.
۳. تاریخ طبری، ج ۵، ص ۴۶۵ مرکز تعلیمات اسلامی واشنگتن.
۴. المرتضی (رض) انتشارات، فاروق اعظم.
به نقل از دانش نامه ویکی پدیا.
۵. همان
۶. ابن خلدون، عبدالرحمن، «تاریخ ابن خلدون»، ج ۳، ص ۱۸-۲۲، لبنان، انتشارات اعلمی، ۱۳۹۱ ه و طبری، محمد، «تاریخ طبری»، ج ۴، بیروت، ۱۸۷۹ م، ص ۲۳۷. به نقل از دانش نامه ویکی پدیا.
۷. مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلحین، ص ۴۵.
۸. مجله بصائر، ش ۲۸، به نقل از «مقتل الحسین»، ص ۳۰.
۹. زندگی امام حسین (ع)، سیدهاشم رسولی محلاتی، ص ۱۵۲.
۱۰. علی و فرزندان، ترجمه محمدعلی شیرازی، ص ۴۵۶.
۱۱. به نقل از ترجمه «زیارت عاشورا»، علی کاظمی.
۱۲. نامه دانشوران ناصری، ج ۹، ص ۲۹۸.
۱۳. کلیات اشعار فارسی اقبال لاهوری، به تصحیح احمد سروش، ص ۷۴ و ۷۵.
۱۴. اشک خون، ص ۲۸، به نقل از «امامان اهل بیت (ع) در گفتار اهل سنت».
۱۵. دیوان شیخ رضا طالبانی، ص ۱۱۲.
۱۶. کلیات دیوان شمس، ص ۱۰۱۷.
۱۷. دانشنامه آزاد ویکی پدیا، امام حسین از دیدگاه اهل سنت.

انگیزه ها و نیازها در قیام امام حسین (ع)

شهرت و جلب توجه؛

۵- خود شکوفائی؛ یعنی تلاش و کوشش انسان در پی به ثمر رساندن استعداد خود؛^۱

براساس این تئوری با ارضاء یکی از آن‌ها، نیازهای دیگر شدت می‌گیرد تا این که نوبت به آخرین نیاز یعنی خود شکوفائی برسد.

«آلدرفر» پس از مطالعات بر روی نظریه سلسله مراتب نیازها، نیازهای انسان را به سه دسته تقسیم کرده است که به نظریه آی - آر - جی (I_R_G) معروف است و به موارد زیر تاکید می‌ورزد:

۱- هستی یا وجود؛ - نیازهای فیزیولوژیکی و امنیتی؛

۲- داشتن ارتباط؛ - نیازهای اجتماعی و احترام؛

۳- رشد؛ - نیازهای خود شکوفائی؛^۲

«مک کلند» نظریه نیازهای سه گانه را مطرح و برای انسان نیازهای سه گانه زیر را بر شمرده است:

۱- نیاز به کسب موفقیت؛ - آنان کسانی هستند که به نفس پیشرفت و پیروزی می‌اندیشند؛

۲- نیاز به کسب قدرت؛ - میل به اثرگذاری در دیگران، میل به اعمال نفوذ و کنترل سایر افراد؛

۳- نیاز به ایجاد ارتباط با دیگران؛ - میل به این که دیگران انسان را دوست بدارند و او را بپذیرند؛^۳

در این میان نظریه‌های دیگری مانند نظریه بهداشت - انگیزش و از همه مهم تر نظریه تلفیقی نیز می‌باشد که تاکید بر ارتباط مستقیم فرد و رفتار وی دارد.

آنچه که از این نظریه‌ها به دست می‌آید انگیزه‌های مادی است و چیزی به نام انگیزه‌های الهی به چشم نمی‌خورد. با اینکه انسان دارای دو بعد مهم جسمانی و روحانی و معنوی است. زیرا؛ اگر نیازها و انگیزه‌های آدمی را تنبع و استقرء نمائیم به طور کلی می‌توان سه سطح انگیزه‌های مادی؛ انگیزه‌های معنوی و الهی و انگیزه‌های تلفیقی بر شمرد. زیرا؛ تئوری‌های نام برده تنها نیازهای مادی را مورد توجه قرار داده است و معمولاً خواست‌ها و نیازهای را شامل می‌شود که با ارضای آن‌ها نیاز فرد تأمین می‌گردد و بر خود محوری افراد استوار است. با این که انگیزه‌های معنوی نشأت گرفته از ایمان به مبدأ و معاد است که محور آن‌ها وجود مقدس پروردگار می‌باشد. در این نوع انگیزه‌ها، نیازهای فطری و گرایش‌های اصیل انسانی به معبود و محبوب حقیقی، قوی‌ترین عامل بروز و ظهور رفتارهای شایسته و پسندیده است. در این جاست که انسان برای تأمین این نوع نیازها

محمد اسحاق مهدوی

عضو هیئت علمی

و معاونت اداری - مالی

شعبه غزنی

پوهنتون خاتم النبیین (ص)



چکیده

انسان موجودی پیچیده و نا شناخته‌ای است که شناخت آن بستگی به مکتبی دارد که انسان را چگونه معرفی می‌کند. از نظر اسلام، انسان موجودی وابسته و نیازمند به خالق و پروردگار هستی معرفی شده است، به گونه‌ای که فقر و احتیاج سراسر وجودش را احاطه کرده است و برای ادامه‌ای حیات خویش ناگزیر از برآورده ساختن نیازهای خود می‌باشد: «یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و لله هو الغنی الحمید»^۱ تنها اوست که غنی بالذات بوده و همه‌ای موجودات و از جمله انسان به او نیاز داشته باشد و این مسئله می‌تواند نقطه آغازین یک حرکت قرار گیرد. قیام امام حسین (ع) یک حرکت عظیمی در تاریخ اسلام و بشریت است که در آن نیازها و انگیزه‌های وجود دارد که در شکل‌گیری این حرکت عظیم نقش اساسی را ایفا نموده است. در این نوشتار با توجه به نظریه‌های انگیزشی، سعی شده است انگیزه‌ها و نیازها در قیام امام حسین (ع) به طور فشرده و مختصر تبیین گردد.

واژگان کلیدی: انگیزه، نیاز، قیام امام حسین (ع)

نظریه‌های انگیزشی

در مدیریت نظریه‌های مختلف پیرامون انگیزش وجود دارد که هر یک نیازها و انگیزه‌های انسان را بر شمرده‌اند. در این میان نظریه سلسله مراتب نیازهای ابراهام مازلو یکی از مهمترین نظریه‌هاست که دارای موارد زیر می‌باشد:

۱- نیازهای فیزیولوژیکی؛ شامل گرسنگی، تشنگی، ...؛

۲- ایمنی؛ شامل امنیت، محفوظ ماندن در برابر خطرات فیزیکی و عاطفی؛

۳- اجتماعی؛ شامل عاطفه، تعلق خاطر و دوستی؛

۴- احترام؛ شامل حرمت نفس، خودمختاری، پیشرفت، پایگاه، مقام،

خواست‌های مادی‌اش را به آسانی قربانی می‌کند. در این میان می‌توان به انگیزه‌های تلفیقی که متشکل از انگیزه‌های مادی و معنوی است، نیز اشاره نمود و انگیزه‌های مادی که در طول انگیزه‌های الهی و معنوی قرار می‌گیرد، می‌تواند کسب ارزش کرده و صبغه الهی به خود گیرد.^۱

انگیزه‌ها در قیام امام حسین (ع)

چنانچه اشاره شد، انگیزش و نیازها چرایی رفتار انسان‌ها را تداعی می‌کند. امام حسین (ع) در حرکت خویش از مدینه تا کربلا رفتارهای متعددی داشته است که همه آن‌ها منجر به نهضت عاشورا در کربلا گردید. بنابراین؛ می‌توان در نهضت و قیام امام حسین (ع) نیازهای فوق را تطبیق داده رفتار امام را با این نیازها و انگیزه‌ها بررسی نمود.

۱. سلسله مراتب نیازها در نهضت عاشورا

نهضت امام حسین (ع) که با خود داری از بیعت با یزید آغاز گردید، در مقایسه به نیازهای سلسله مراتبی مازلو هیچگاه مطابقت نمی‌کند. زیرا؛ امام (ع) با رفتار اعتراض آمیز خویش اولین مرحله از نیازهای سلسله مراتب (نیازهای فیزیولوژیکی) را از دست داد. وی عملاً خانه و مسکن خویش را رها و به سمت مکه حرکت نمود.

نیازهای ایمنی امام در صورتی تأمین می‌گشت که با یزید بیعت می‌کرد و یزید او را مجبور به کشتن و از بین بردن نمی‌ساخت، ولی امام (ع) برعکس این نیاز، امنیت جانی و امنیت عاطفی خویش را به مخاطره انداخت. و همین‌طور نیازهای اجتماعی و احترام خویش را نیز در ظاهر از دست داد.

بنابراین؛ نیازهای سلسله مراتبی مازلو در مورد نهضت عاشورا مطابقت نمی‌کند. زیرا؛ نیازهای سلسله مراتبی مازلو از بعد مادیت مورد توجه قرار گرفته است، در حالی که اگر از بعد معنوی و الهی بنگریم یکایک آن معنا پیدا می‌کند. تأمین نیازهای مادی و ایمنی، اجتماعی، تعلق و احترام و خود شکوفائی امام در دوری و بیعت نکردن با یزید معنا و مفهوم می‌یابد. زیرا؛ از نگاه امام حسین (ع) «خود شکوفایی» زمانی محقق خواهد شد که ظلم از دامن جهان اسلام و امت رسول خدا (ص) رخت بریند و عدالت و ترحم جایگزین آن شود. رفتار امام (ع) زمانی می‌تواند توجیه پذیر باشد که انگیزه وی را الهی و معنوی بنگریم، که در این صورت قربانی ساختن انگیزه‌های مادی سبب رفتارهای خاص حتی کشته شدن در راه خدا می‌شود.

بدون تردید؛ در دیدار مروان با امام در مورد بیعت، بر یکی از نیازهای مهم که تأمین امنیت جانی و مالی باشد، تأکید می‌شود، ولی امام (ع) نیازهای خویش را در مخالفت با یزید و عدم بیعت می‌داند. مروان به امام می‌گوید: من به تو پیشنهاد می‌کنم که با یزید بیعت نمایی که خیر دنیا و آخرت تو در آن است. امام در جواب می‌گوید: «وعلی الاسلام السلام اذ قد بليت الامه براع مثل یزید».^۱

از آن جایی که امام (ع) انگیزه‌های الهی داشت و شکست و پیروزی را در این دنیا نمی‌دید، بلکه شکست و پیروزی را در تحقق اهداف و عدم تحقق آن می‌دانست، می‌توان گفت: نهضت امام حسین (ع) با انگیزه‌های موفقیت طلبی عجین شده است. در موفقیت امام و یارانش همین بس که دین مبین اسلام دوباره حیات مجدد خویش را باز یافت. احیای دین و ارزش‌های اسلامی در آن زمان چالشی‌ترین کار بود که امام حسین با انگیزه توفیق طلبی به خوبی به پایان رساند.

نهضت عاشورا در رابطه با کسب قدرت معنا و مفهوم پیدا نمی‌کند، زیرا؛ امام حسین (ع) در مقابل قدرت استبدادی یزید قیام نمود و تلاشش برای بدست آوردن حاکمیت اسلام راستین بوده است. در نتیجه؛ نهضت عاشورا از دیدگاه نیازهای سه گانه مک کلند و مازلو، بدون در نظر داشت انگیزه‌های الهی قابل توجیه نمی‌باشد و تنها با انگیزه‌های الهی توجیه پذیر است.

۲. بهداشت روانی در نهضت عاشورا

گرچه این نظریه انگیزشی صرفاً با رویکرد سازمانی ارائه شده است ولی می‌توان آن را در نهضت عاشورا پیاده و تطبیق کرد. اگر محیط یک کارگر را همان محل کارش بدانیم که رضایت از محیط در موفقیت او تأثیر به سزایی خواهد گذاشت، در نهضت امام حسین (ع) می‌توان محیط اجتماعی را انگیزه و عامل بهداشت روانی بدانیم، زیرا امام (ع) در محیطی زندگی می‌کرد که: ۱- دستگاه حکومتی فاسد؛ ۲- عصبان به جای اطاعت از فرمان الهی؛ ۳- روتق گرفتن جاهلیت؛ ۴- شیوع فحشا و منکرات به طور آشکار و واضح تحقق یافته بود؛

امام (ع) به عنوان یک رهبر الهی که مسئولیت و هدایت مسلمانان را به عهده داشت، می‌تواند چنین محیطی برایش رضایت‌مند باشد



یاخیر؟ بدون تردید؛ پاسخ منفی است و قطعاً امام (ع) در مقابل محیطی که آرامش را سلب و وحدت دینی و برادری را بر هم زده بود واکنش نشان می دهد.

امام حسین (ع) در خطبه‌ها و سخنان خویش به این مسئله اشاره نموده است: «یزیدٌ رجل فاسق فاجرٌ شارب الخمر قاتل النفس المحترمه، معنن بالفسق و الفجور...»^۱ صفات و ویژگی‌های یزید را چنین بیان می کند: ۱- فسق و فجور؛ ۲- شراب‌خواری؛ ۳- کشتن انسان‌های بی گناه؛ ۴- تجاهر به گناه و معصیت؛ و در نهایت می فرماید: «او مثلی لا یباع مثل یزید؛ و حسین (ع) که از خاندان نبوت و رسالت می باشد هرگز با شخص مانند یزید بیعت نمی کند». یعنی این دو قابل جمع نیست. فلذا امام با توجه به این که محیط آلوده شده بود دست به قیام زد و با خون خویش محیط ناسالم را از بین برد و اسلام، حیات دوباره گرفت.

۳. انگیزه الهی در نهضت عاشورا

اگر نهضت عاشورا را با معیارهای الهی و انگیزه‌های الهی بسنجیم، نهضت عاشورا رنگ الهی گرفته و در تمامی مراحل آن خدا محوری دارد. زیرا انگیزه الهی و معنوی نشأت گرفته از ایمان به مبدأ و معاد است که محور آن دو خداوند تبارک و تعالی است. بنابراین عوامل نهضت عاشورا را که در ابتدای این نوشتار برشماردیم، می توان به عنوان انگیزه‌های الهی بیان داشته و انگیزه‌های مادی نیز اگر در کار باشد، تلفیقی از انگیزه‌های الهی و مادی است که انگیزه‌های مادی در طول انگیزه‌های الهی قرار دارد.

۳/۱. بیعت نکردن با یزید

امام حسین (ع) به دلیل انگیزه الهی و خدایی با یزید بیعت نکرد، زیرا؛ امام حسین (ع) بدنبال رضایت الهی است و رضایت الهی قطعاً در بیعت نکردن با یزید است. همان گونه که امام حسین (ع) اوصاف یزید را برشمرده و تأکید می کند که حسین با یزید هرگز بیعت نخواهد کرد.

حال این پرسش مطرح می شود در صورتی که امام حسین (ع) با یزید بیعت نکند چه می شد؟ طبیعی است که یزید امام حسین (ع) را می کشت تا مانع اصلی را از سرراه بردارد. از طرف دیگر امام حسین (ع) می دانست که باید کشته شود اما از کشته شدنش نتیجه بگیرد به طوری که رضایت الهی در آن باشد. برنامه‌ریزی و سازماندهی این نهضت به گونه‌ای شکل می گیرد که امام (ع) در روز عاشورا با یاران اندک در مقابل دشمن بی شمار بجنگد و هرگز تن به ذلت و خواری ندهد: «هیئات منّا الذلّه».



در نتیجه امام در این که با یزید بیعت نمی کند و شبانه از مدینه با زن و بچه و یارانش خارج می شوند، پیام می دهد که من رضایت الهی را در مخالفت با یزید می بینم و برای این که یزید و عمال وی بر امام دست نیابد، به سمت مکه، خانه امن الهی رهسپار می شود. پس می توانیم بیعت نکردن امام (ع) را با یزید با انگیزه الهی توجیه نمود و حرکت انقلابی او را الهی دانست.

۳/۲. در خواست مردم کوفه

همان طوری که در تاریخ آمده است، در حدود دوازده هزار نامه از سوی مردم کوفه در مدینه برای امام حسین (ع) مواصلت می کند، امام در مقابل این درخواست‌های مکرر پاسخ مثبت می دهد. یکی از عوامل نهضت عاشورا همین نامه‌های ارسالی مردم کوفه یاد شده است. اگر مردم کوفه از امام در خواست نمی کردند شاید امام راه دیگر یا سکونت در مکه را اختیار می کرد! اما در خواست‌های مکرر مردم کوفه انگیزه حرکت امام به سوی کوفه گردید که سرانجام آن، نهضت عاشورا گردید.^۱ باید توجه کنیم که امام با خروج، پرچم مخالفت با یزید و مبارزه حق طلبانه خویش را بر افراشت. امام (ع) در هر کجا که می رفت در مبارزه خویش با یزید یا هر کس که مثل یزید می بود ادامه می داد. به همین دلیل؛ امام (ع) در پاسخ به درخواست‌های مردم کوفه خداوند را در نظر داشته و با توجه به مسئولیت خطیرش پاسخ مثبت داد، هر چند امام می دانست که مردم کوفه بی وفایند، اما عدم پاسخ از سوی امام (ع) با مسئولیت رهبری امت اسلامی سازگاری نداشت. لذا امام با رضایت الهی، سفیران خویش را برای مهیاسازی مردم به کوفه می فرستد و خود بدنبال آن حرکت می کند.

پاسخ دادن امام به مردم کوفه با هیچ یک از نیازهای مادی سازگاری ندارد، زیرا امام می دانست که مردم کوفه وفادار نیستند. امام (ع) رضایت الهی را در آن می بیند که برای براندازی حکومت استبدادی یزید نیاز به نیروی لازم دارد، اینک که خود مردم کوفه برای مبارزه با یزید در خواست یاری از امام نموده اند باید به سمت کوفه حرکت نماید. از سوی دیگر همین نامه‌ها و درخواست‌ها بهترین دلیل و حجتی بود که امام در اولین برخورد با کوفیان ارائه داد.

امام (ع) در مقابل لشکر هزار نفری «حر» چنین احتجاج کرد: «اما بعدای مردم کوفه! پس برستی اگر شما پروای خدا را داشته باشید و حق را بشناسید و به اهلش واگذارید خدا از شما بسیار خشنود می گردد و ما اهل بیت سزاوارتریم به ولایت از کسانی که بدون هیچ شایستگی، با ادعای حکومت به زور و ستمگری بر شما چیره شده اند. اگر فرمانروایی ما را خوش ندارید و می خواهید نسبت به حق ما نا آگاه بمانید و اکنون اندیشه شما غیر از آن است که در نامه های تان نوشته اید و فرستادگان شما به من رسانده اند، بگوئید تا از نزد شما بروم.»

۳/۳. امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از اساسی ترین انگیزه امام حسین (ع) در نهضت عاشورا به حساب می آید. مسئله امر به معروف و نهی از منکر یکی از مسائل مهم و اساسی اسلام است و این مسئله مهم با هیچ چیزی جز انگیزه الهی و معنوی قابل ارزیابی نیست. زیرا در امر به معروف و نهی از منکر باید خدا را در مد نظر گرفت و یکی از اعمال عبادی مسلمانان به شمار می رود و چه بهتر که امام (ع) در آن روزگاران عبادت الهی را با انگیزه الهی تحقق بخشد. زیرا؛ ظلم، استبداد، فسق و فجور حاکم اسلامی و... مسائلی از این قبیل می تواند توجیه کننده امر به معروف و نهی از منکر باشد.

امام حسین (ع) در وصیت نامه اش فرمود که من به خاطر امر به معروف و نهی از منکر خروج کرده ام. می خواهم سنت رسول خدا و سیره پدرم علی (ع) زنده شود، در این راستا می فرماید: «اگر دین محمد ﷺ جز با کشته شدن من برپا نمی شود پس از شمشیرها بیایید جان حسین را بگیرید.» کنار نهادن مسئله مهم امر به معروف و نهی از منکر برابر با ذلت و خواری است. بهمین دلیل امام حسین (ع) فریاد می زند: «الا و ان الدعی یابن الدعی قد رکز بین اثنتین بین المسلة والذلة هیهات منا الذلة» بدانید که زنا زاده پسر زنا زاده حسین را بین شمشیر و ذلت قرار داده است و حسین (ع) هرگز ذلت را نمی پذیرد.

۳/۴. اطاعت از خدا و ادای تکلیف

آنچه که در نهضت عاشورا بسیار پر رنگ است، «اطاعت خداوند» است. امام (ع) در زمان خویش بر اساس تکالیف و ادای تکالیف الهی، باید جهاد می کرد و امت اسلامی را از کژی ها و انحراف نجات می داد. این مطلب در سخنان امام حسین (ع) موج می زند. امام حسین (ع) در وصیت نامه معروف خود به محمد بن حنفیه، علت قیام خویش را اصلاح امور امت اسلامی و امر به معروف و نهی از منکر و زنده کردن سیره جدش حضرت محمد (ص) و پدرش حضرت علی (ع) می داند: «انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی محمد ﷺ» اُريد أن أمر بالمعروف و نهی عن المنکر و اسیر بسیره جدی و ابی علی بن ابی طالب (ع)...^۱ همانا من برای اصلاح امت جدم رسول خدا (ص) خارج شدم و امر به معروف و نهی از منکر می کنم و راه و

روش جدم و پدرم علی بن ابی طالب (ع) را ادامه می دهم.

جمع بندی

در این نوشتار به یکی از مسائل مهم انگیزشی تحت عنوان «انگیزه ها و نیازها در قیام امام حسین (ع)» پرداخته شد. زیرا؛ تمامی رفتارهای انسانی ناشی از یک نیاز یا یک انگیزه شکل می گیرد. نهضت و قیام امام حسین (ع) یکی از وقایع بزرگ جهان اسلام است که در تاریخ بشریت رخ داده است. این اتفاق بدون علل و عوامل و انگیزه های خاص نمی تواند، رخ دهد. به همین دلیل در ابتدا به نظریه های انگیزشی رایج در موضوعات مدیریت و روان شناسی اشاره و سپس انگیزه ها و نیازها در قیام امام حسین (ع) پرداخته شد. بدون تردید نهضت امام حسین (ع) با هیچ یک از انگیزه های مدیریتی قابل تحلیل نیست، زیرا نهضت امام حسین صرفاً یک نهضت الهی است و فقط با انگیزه های الهی قابل تجزیه و تحلیل است. زیرا؛ در قیام امام حسین (ع) مهم ترین انگیزه رضایت خداوند سبحان است که در مسائل مانند عدم بیعت با یزید، جواب مثبت به دعوت مردم کوفه، ادای تکلیف و اطاعت از امر خداوند و توجه به مسئله مهم امر به معروف و نهی از منکر بروز و ظهور می یابد. این ایثار و فداکاری سبب گردید تا نام و یاد امام حسین (ع) در تار و پود تاریخ آزادگان پر افتخار باقی بماند. پس امام حسین (ع) با ریختن خون خود توانست درخت تنومند اسلام را حیات مجدد بخشد و امروز به عنوان الگوی آزادگان قرار گیرد و تمامی شیعیان و برادران اهل سنت در ایام عاشورا و محرم سوگوار می کنند.

پی نوشت

۱. مدیریت در اسلام، عباس سفیعی، ... زیر نظر دکتر الوانی، ص ۱۴۷، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، قم: ویراست دوم ۱۳۸۴.
۲. رابینز، استفین، مدیریت رفتار سازمانی، ج ۱، ص ۳۱۶-۳۱۷، ترجمه پارسائیان و اعرابی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی ۱۳۷۴.
۳. مدیریت در اسلام، زیر نظر دکتر الوانی، ص ۱۵۰، پشین.
۴. مدیریت رفتار سازمانی، ص ۳۲۸-۳۳۱، پشین.
۵. مدیریت در اسلام، زیر نظر دکتر الوانی، ص ۱۵۶-۱۵۲، پشین.
۶. آیت الله صافی، لطف الله، پرنوی از عظمت حسین (ع) ص ۳۳۳-۳۳۵، قم: دفتر تبلیغات اسلامی ۱۳۷۶.
۷. طبری، ج ۵، ص ۴۲، پشین.
۸. پیشوائی، مهدی، سیره پیشوایان ص ۱۶۹، مؤسسه تحقیقاتی امام صادق (ع)، قم: چاپ پنجم ۱۳۷۶.

الگوگیری نهضت‌های آزادی‌بخش از عاشورا!

محمد عارف صداقت، استاد در شعبه غزنی یوهنتون خاتم النبیین (ص)

چکیده

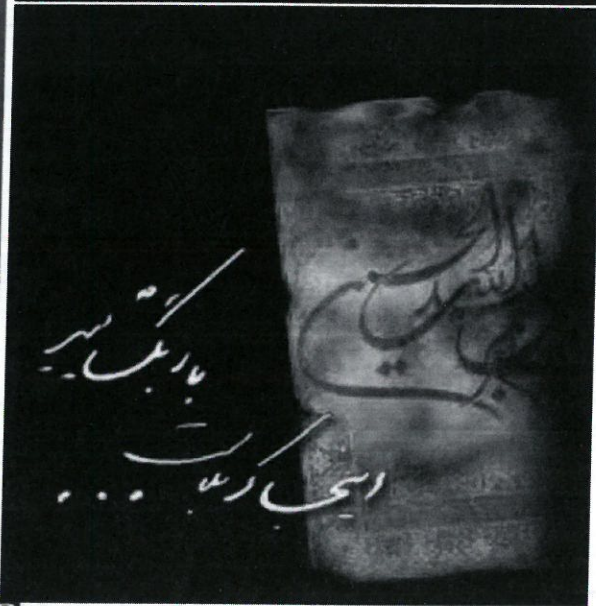
در این مقاله به بررسی الگوگیری نهضت‌های معاصر از قیام مقدس عاشورا پرداخته‌ایم هر دگرگونی نیاز به الگو دارد، همان گونه که در طول تاریخ انسان‌ها و نهضت‌های فراوانی شکل گرفته و الگوی خویش را قیام مقدس امام حسین در کربلا معرفی کرده‌اند، در همه اوضاع و شرایط این الگوی مقدس می‌تواند راه‌گشا باشد، در این مقاله برخی از مهم‌ترین نهضت‌هایی آزادی‌بخش در جهان معرفی گردیده است که خود را وابسته به نهضت مقدس عاشورا و الگو گرفته از آن دانسته‌اند و در این مقاله به اختصار به برخی از این نهضت‌ها پرداخته‌ایم که عبارتند از: ۱. نهضت گاندی که توانست ملت هند را پس از سال‌ها از زیر سیطره استعمار پیر (انگلیس) نجات بخشد وی انقلابش را ارمغانی می‌داند که از نهضت عاشورا به او رسیده است. ۲. نهضت آزادی‌بخش پاکستان که محمد علی جناح رهبر آن نهضت، قیام عاشورا را از بهترین شجاعت‌ها و سرمشق‌ها برای مسلمانان می‌داند. و نیز علامه اقبال آزاد اندیش پاکستانی قیام عاشورا را بیدارگر ملت خوابیده مسلمان به حساب می‌آورد و در مثنوی بلندش امام حسین و قیامش را به خوبی معرفی می‌نماید. ۳. نهضت سید جمال بیدارگر شرق و پیشگام نهضت‌های اسلامی در میان مسلمانان، قیام امام حسین را سبب بقا و استمرار اسلام ناب محمدی می‌داند، و خود نیز با الگوگیری از این نهضت به قیام خویش تا پایان عمر ادامه داد و خستگی را در خود راه نداد. از این پس نیز عاشورا برای آزادگان الگو خواهد بود.

کلید واژه: الگو، الگوگیری، قیام عاشورا، نهضت‌های آزادی‌بخش.

مقدمه

النبي ﷺ: «و الذي بعثني بالحق نبيا، إن الحسين بن علي في السماوات، أعظم مما هو في الأرض و اسمه مكتوب عن يمين العرش: «إن الحسين مصباح الهدى وسفينة النجاة.»^۱ پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به آن کس که مرا به حق برانگیخته است، حسین بن علی در آسمان‌ها برتر از زمین است و نامش در سمت راست عرش نوشته است: «حسین چراغ هدایت و کشتی نجات است.»

انقلاب امام حسین از ماندگارترین انقلاب‌هایی است که می‌تواند هم برای مسلمانان الگو و سرمشق باشد، هم برای همه انسان‌های آزاده روی زمین به خصوص در شرایط و اوضاع زمان ما. قیام مقدس عاشورا از آن جهت که سلسله دارش معصوم است برای



مسلمانان راه و رسم زندگی اسلامی را می‌آموزد و از آن جهت که دین اسلام آیین فطرت است، برای غیر مسلمانان آیین آزاد زیستن را می‌آموزد، زیرا قیام کربلا یکی از مهم‌ترین الگوها است که یک مکتب آثار و پیام دارد و به راستی که کربلا «دانش‌سرای مکتب اولاد آدم است» و هر گام و هر لحظه قیام کربلا درس‌ها و آثار فراوان دارد و تا آنگاه که نسل آدم وجود داشته باشد، این پیام و درس راه‌گشای انسان‌های ره‌گم کرده خواهد بود. به دلیل اینکه امام حسین ﷺ مکتبی را بنیان نهاد که انسان‌ها را به سوی انسانی و آزاد زیستن، نجات، تربیت، اخلاق و... فرا می‌خواند، مکتب سرخ اباعبدالله ﷺ و قیام حیات‌بخش عاشورا یکی از بهترین سرمشق‌ها برای همگان است که هر کس در این راه قدم بگذارد و الگوی خویش را قیام عاشورا قرار دهد، همواره آزاد، توأم با ارزش و اخلاق خواهد زیست زیرا آرمان اباعبدالله ﷺ بلند و خدایی بوده و مکتبش بر محور ارزش‌ها پدید آمده است و هر مکتبی که بنیانش بر ارزش‌ها استوار باشد، همواره شاگردانی تربیت خواهد کرد که سرآمد روزگار باشند و هرگز زیر بار ستم نروند، چنانکه انسان‌های زیادی از مکتب کربلا الگو گرفته و با چراغ پر فروغی که امام حسین ﷺ روشن کرده است، راه نجات خویش را یافته‌اند؛ زیرا آن حضرت ﷺ - به فرموده پیامبر ﷺ - چراغ راه گمشدگان و کشتی نجات دور افتادگان از ساحل است، و

دست حیرت زدگان را می‌گیرد و نجات می‌بخشد و به بهترین وجه راه را بر آنان می‌نمایاند. از این رو با شناختن و شناساندن گوشه‌ای از این قیام مقدس، روحیه تازه در جان‌های خواب رفته می‌دمد.

در این مقاله تلاش کرده‌ایم تا الگوگیری نهضت‌های آزادی‌بخش معاصر از قیام مقدس کربلا را بررسی نماییم و تا آنجا که در توان بود به بررسی نمونه‌هایی از این گونه نهضت‌ها پرداخته‌ایم امید است همواره انسان‌های آزاده از این الگوی آزادی، انسانی و مقدس بهره‌برند.

در آمد

ملت‌ها تمایل ذاتی به آزادی دارند، ولی گاهی این تمایل سرکوب می‌شود و انسان در حال رکود به سر می‌برد و بیدار ساختن چنین ملتی مصداق تربیت است همان‌گونه که شهید مطهری فرموده است: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت در آوردن و پروردن. و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است.»^۱

امام حسین هدف از قیامش را اصلاح و تربیت امت جدش بیان فرمود^۱ و چون این قیام خالصانه و برای خدا بود به زودی نتیجه داد و تا امروز نیز نتیجه می‌دهد، بدون شک در عصر ما قیام سرخ عاشورا بر زندگی انسان‌های آزاده تاثیر شگرفی داشته است تا آنجا که امروزه بسیاری از قیام‌ها متأثر از قیام مقدس کربلا است. قیام عاشورا تکرار درس آزاد زیستن و آموزش حرفه آدم بودن است که پیامبر^ص به ارمغان آورده بود، عاشورا رنگ خون دارد،



که رنگ عصیان است در برابر طغیان. عاشورا خشم مقدس است در برابر بیداد، و پیروزی است در برابر جهل، در عاشورا تقابل دو جریان است که منطق یکی خون و عشق و منطق دیگری زره زور، تزویر، فریب و نیرنگ و سرکشی در برابر داد و عدل است، یکی از سلاله ابراهیم و طغیانش در برابر بت و بت‌گری و دیگری از سلاله نمرود و طغیانش بر ضد ارزش‌ها، خدا و توحید بود، عاشورا با این منطق به وجود آمد و آثار فراوان داشت که از مهم‌ترین آثار مکتب تربیتی کربلا این است که انسان‌ها را بیدار ساخت و عاشورا و کربلایی پدید آورد که در همه جا تحقق پذیر خواهد بود: «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا و کل شهر محرم» پیام عاشورا این است که در هر جا کسی مردم را به ذلت و بردگی بکشاند باید به پاخاست و خود را نجات داد، از این رو بسیاری از انقلاب‌ها، آثار و نتیجه قیام خونین عاشورا است، زیرا: «نهضت امام حسین^ع فوق العاده با عظمت و مقدس بود؛ چون هدف آن فردی نبود، بلکه کلی، نوعی و انسانی و همراه با درک و بینش قوی بود.»^۱

هر قیام و انقلابی که بیش‌تر رنگ حسینی داشته باشد موفق‌تر خواهد بود؛ چند نمونه را مختصر و فشرده در ذیل یاد می‌کنیم.

۱ نهضت گاندی

گاندی کسی است که ملت هند را از زیر یوغ استعمار پیر انگلیس نجات بخشید و میلیون‌ها انسان را از اسارت آزاد کرد و استقلال را برای‌شان به ارمغان آورد و اگر گاندی نبود، شاید سال‌های متمادی هند زیر سیطره استعمار انگلیس به سر می‌برد و برده وار به زندگی سخت و طاقت فرسای‌شان ادامه می‌دادند در حالی که انگلیس همه سرمایه‌شان را به غارت می‌برد و آنان را از باسواد شدن و دانش دور نگه می‌داشت ولی گاندی قیام کرد و به همه این زبونی‌ها پایان بخشید، مهم‌ترین الهام بخش و الگوی او قیام مقدس عاشورا بوده است چنانکه گاندی الگوی انقلابش را قیام مقدس کربلا می‌داند و به شاگردی مکتب سرخ امام حسین^ع می‌نازد، او می‌گوید: «من برای مردم هند چیز تازه‌ای نیاوردم، فقط نتیجه‌ای که از مطالعات و تحقیقات در باره تاریخ زندگی قهرمانان کربلا به دست آورده بودم، ارمغان ملت هند کردم، اگر بخواهیم هند را نجات دهیم، واجب است همه ما راهی را بپیماییم که حسین بن علی^ع پیمود.»^۱

راهی که امام حسین پیمود، مبارزه در برابر بهره‌کشان بود که خود را حامی مردم و اسلام قلمداد می‌کردند همان‌گونه که استعمار انگلیس نیز خود را حامی ملت هند قلمداد می‌کرد. امام حسین^ع قیام کرد و امت اسلام را نجات داد مردان آزاده فراوان تربیت کرد و گاندی از او پیروی کرد برای ملت هند آزادی را به ارمغان آورد. گاندی در سخن دیگرش می‌گوید: «من زندگی امام حسین آن شهید بزرگ اسلام را به‌دقت خوانده‌ام و توجه کافی

به صفحات کربلا نموده‌ام و بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین پیروی کند.^۱

۲. نهضت آزادی بخش پاکستان

یکی از کسانی که در کشور پاکستان احترام بسیار دارد، محمد علی جناح است که رهبری استقلال پاکستان را بر عهده داشته است «محمد علی جناح برای پاکستانی‌ها قائد اعظم یا «رهبر بزرگ» است. او و کیلی تحصیل‌کرده بریتانیا بود و هنگامی که شبه قاره هند خواستار استقلال از سلطه این کشور شد، او رهبری مسلمانان را در مبارزه برای تشکیل کشوری مسلمان به عهده گرفت.»^۱

وی نیز این در باره قیام عاشورا چنین می‌گوید: «هیچ نمونه‌ای از شجاعت، بهتر از آنکه امام حسین ؑ از لحاظ فداکاری و تهور، نشان داد، در عالم پیدا نمی‌شود، به عقیده من تمام مسلمانان باید از سرمشق این شهیدی که خود را در سرزمین عراق قربان کرد، پیروی نمایند.»^۱

نظر علامه اقبال لاهوری

علامه اقبال یکی دیگر از آزاداندیشان پاکستان، همه مسلمانان را وام‌دار مکتب عاشورا می‌داند و مثنوی بلندی را در این خصوص می‌سراید که تحت عنوان «در معنی حریت اسلامی و سر حادثه کربلا» در دیوان اشعارش وجود دارد.

علامه اقبال لاهوری این آزاد اندیش پاکستانی، در این مثنوی بلند، نبرد امام حسین را نبرد عارفانه و عاشقانه می‌شمارد که در میان عقل و عشق دعوا و نزاع است در منظر اهل عرفان عشق همه کاره است و عقل کور و کر است که استدلالش عصای چوبین بیش نیست به تعبیر مولانا بلخی:

پای استدلالیان چوبین بود

حافظ نیز در تعبیراتش عشق را همه کاره می‌داند نه عقل را:

در ازل پرتو حسنت ز تجلی دم زد

جلوه‌ای کرد رخس دیدملک عشق‌نداشت

عقل می‌خواست کز آن شعله چراغ افروزد

همان گونه که علامه طباطبایی در ذیل بیت اول می‌فرماید:

«محبوب! گوشه و پرتوی از حسن و جمال خود را در ازل به مظاهر

خلقی مادی و مجرد عرضه داشتی و تمام آنان را عاشق و فریفته

خویش ساختی!»^۱ علامه اقبال نیز قیام عاشورا را جلوه عشق و نبرد

امام حسین را در آغاز نبرد میان عقل و عشق می‌داند زیرا اگر امام به

دستور عقل حرکت می‌کرد، عقل چنین اجازه نمی‌داد که با هفتاد

دو تن دوستانش که به تعبیر علامه اقبال با یزدان هم عدد بودند، در

برابر سیل جمعیت قد علم کند. این کار عشق است که ناممکن را

ممکن می‌سازد زیرا «عقل در پیچاک اسباب و علل» می‌پیچد در

حالی که «عشق چوگان باز میدان عمل» است. سخن زیبایی علامه اقبال که امام حسین را خوب شناخته است می‌فرماید: «موسی و فرعون و شبیر و یزید» همان گونه که موسی را در برابر فرعون قرار می‌دهد، امام حسین را در برابر یزید علم می‌کند یعنی اینکه امام حسین ؑ کار موسایی می‌کند و یزید کار فرعون‌نی. از این رو در ادامه می‌سراید: «زنده حق از قوت شبیری است.»

و در جواب این سؤال و شبهه که آیا امام حسین برای رسیدن به قدرت قیام کرد یا برای احیای مکتب جدش رسول خدا؛ چنین پاسخ می‌دهد:

«مدعایش سلطنت بودی اگر

همان گونه که چارلز دیکنس می‌گوید: «اگر منظور امام حسین

جنگ در راه خواسته‌های دنیایی خود بود من نمی‌فهمم چرا

خواهران و زنان و اطفالش به همراه او بودند پس عقل حکم می‌نماید

که او فقط به خاطر اسلام فداکاری خویش را انجام داد.»^۱

علامه اقبال نیز می‌گوید: اگر او در پی رسیدن به حکومت بود، با

چنین سامان به سفر نمی‌پرداخت (زنان و کودکان را با خود

نمی‌برد!) و بالاخره می‌سراید:

«ما سوا الله را مسلمان بنده نیست

«خون او تفسیر این اسرار کرد

تا بدانجا این رابطه و درس گرفتن‌ها اوج می‌گیرد که علامه اعلام

می‌دارد:

«رمز قرآن از حسین آموختیم

امام حسین انقلابی را که به‌پا کرده بود، همچنان ادامه دارد و و

همچنان دل‌ها را به تب و تاب و می‌دارد و به حرکت سوق می‌دهد:

«تا ما از زخمه‌اش لرزان هنوز

اگر او نبود و قیامش به وجود نیامده بود، ایمان در سینه‌ها نیز مرده

بود. و در آخرین سخن وفاداری خویش را اعلام می‌دارد و رابطه

عاطفی علامه با امام حسین آنقدر تنگ می‌گردد که دست به دامن

صبا می‌شود و خطاب می‌کند:

«ای صبا ای پیک دور افتادگان

ما نیز هم‌نوا با اقبال این زمزمه را به صبا می‌سپاریم تا به بارگاه عشق

برساند.

۳. نهضت سید جمال الدین افغانی

سید جمال‌الدین مصلح و بیدار گر جهان اسلام است که استاد

مطهری در باره‌اش فرموده است: «بدون تردید سلسله جنبان

نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر، سید جمال‌الدین اسد آبادی

معروف به افغانی است. او بود که بیدار سازی را در کشورهای

اسلامی آغاز کرد، دردهای اجتماعی مسلمین را با واقع بینی خاصی

بازگو نمود، راه اصلاح و چاره جویی را نشان داد.»^۱

او پیشگام نهضت‌های اسلامی است و نخستین حرکات انقلابی در جهان اسلام به او می‌رسد یکی از نویسندگان عرب می‌نویسد: «جمال‌الدین الافغانی هو رائد الحركة الإصلاحیة، و باعث نهضة الاسلامیة»^۱

و حتی نهضت تنباکو نیز با پیشنهاد او شکل می‌گیرد، وی در نامه‌ای خطاب به میرزای شیرازی می‌نویسد: «این سخن حق است که تو قافله سالار گروه بر حق (شیعه) و یگانه روح و جانی هستی که در تن تمام آن‌ها دمیده شده‌ای؛ به طوری که هیچ‌کس از ایشان جز به اتکای تو پایداری ندارد، و به هیچ‌کس غیر از تو (این‌طور متفقا) روی تمایل نشان نمی‌دهند؛ پس اگر قیام کنی همه یک‌جا و به یک حرکت به جنبش آیند، و نهضت نمایند و سخنان‌شان بر همه چیره گردد! و اگر به جای بنشین و سکوت پیشه کنی، بی‌گمان «تمام افراد همین ملت غیور» خود را در پس پرده‌های ترس و زبونی محبوس کنند و سست‌ترین منطق‌ها شعار آنان گردد.»^۱

سید جمال‌الدین را که همه سلسله دار جنبش‌های آزادی بخش اسلامی می‌دانند، خود در مورد امام حسین جمله زیبایی دارد وی می‌گوید: اسلام به دست پیامبر پایه‌گذاری گردید ولی بقا و استمرار آن با قیام حسین تامین شد، «الاسلام، محمدی الحدوث و حسینی البقاء و الاستمرار»^۱

اگر حسین قیام نمی‌کرد اسلام استمرار نمی‌یافت که این مضمون سخن بلند امام حسین است که فرمود اگر امت به سرپرستی همانند یزید مبتلا شوند، باید با اسلام خدا حافظی کرد و دیگر از اسلام چیزی باقی نخواهد ماند^۱ سید جمال‌الدین با همین درک، خویش را وقف جهان اسلام کرد او از امام حسین علیه السلام آموخته بود که اگر بخواهد اسلام باقی باشد، باید زن، فرزند و همه چیز را در راه اسلام داد، او بدین جهت بدون مطرح کردن مذهب و کشور، خود را برای جهان اسلام وقف و قربانی کرد وی از اول نه زنی انتخاب نمود و نه تشکیل خانواده داد و حسین وار به اصلاح امت پیامبر با این شعار و درک از حسین آغاز نمود و ملت‌ها را بیدار کرد. این‌ها نمونه و مشتق از خروار بود و اگر تمام آنانی که از مکتب عاشورا الگو گرفته‌اند جمع کنیم، «مثنوی هفتاد من کاغذ شود.»

نتیجه

از بررسی انجام شده به این نتیجه دست می‌یابیم که هر

حرکتی نیاز به الگو دارد تا از آن تاثیر بپذیرد، قیام مقدس عاشورا به دلیل هدف والا و مقدسش توانست برای مسلمان و غیر مسلمان الگو باشد و بر حرکات آزادی‌بخش تاثیر بگذارد، این قیام مقدس چون یک قیام انسانی و اسلامی بود، بر جان‌های انسان‌ها تاثیر می‌گذارد و همواره به عنوان یک روش مطلوب مطرح خواهد بود و همان‌گونه که نامه امام علی در سازمان ملل به عنوان یک روش برخورد انسانی و بهترین معیار کرامت انسان شناخته شده است، عمل کرد امام حسین علیه السلام در روز عاشورا نیز اگر بر جهان عرضه شود، بهترین الگو و درس خواهد بود ولی متأسفانه دشمنان با کینه‌ای که از اسلام دارند همواره تبلیغات نادرست انجام می‌دهند و حوادث عاشورا را تحریف می‌کنند.

پی‌نوشت‌ها

۱. بحرانی، سید هاشم، *مدینه المعجزه*، تحقیق: عزت‌الله مولایی همدانی، مؤسسه معارف اسلامی، ۱۴۱۳ق، اول، ج ۴، ص ۵۲.
۲. مطهری، مرتضی، *تعلیم و تربیت در اسلام*، انتشارات صدرا، تهران، ۱۳۷۳، بیست و سوم، ص ۹۵.
۳. گروه حدیث پژوهشکده باقر العلوم علیه السلام موسوعه کلمات الامام الحسین علیه السلام ، انتشارات اسوه، ۱۴۲۵ق، اول، ص ۳۵۴.
۴. اسماعیلی، محسن، *حرم اهل بیت* علیهم السلام خاستگاه انقلاب اسلامی، انتشارات زائر، قم، ۱۳۸۴، اول، ص ۲۳۰.
۵. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، *درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت*، انتشارات فراهانی، تهران، ۱۳۸۱، ص ۴۵۱.
۶. گودوین، ویلیام، پاکستان، م. فاطمه شاداب، انتشارات ققنوس، تهران، ۱۳۸۳، اول، ص ۴۳.
۷. محمدی اشتیاردی، محمد، *امام حسین علیه السلام آفتاب تابان ولایت*، ص ۳۱۰.
۸. مولوی بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد، *مثنوی معنوی*، تصحیح: محمد علی مصباح، نشر اقبال، تهران، ۱۳۷۴، اول، ص ۹۶.
۹. حافظ شیرازی، خواجه شمس‌الدین محمد، *دیوان حافظ*، تصحیح: سید محمد راستگو، نشر خرم، قم، ۱۳۷۵، اول، ص ۱۶۸.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین، *جمال آفتاب و آفتاب هر نظر شرحی بر دیوان حافظ*، تدوین: علی سعادت پرور، شرکت انتشارات احیای کتاب، تهران، ۱۳۸۵، پنجم، ج ۳، ص ۴۹۵.
۱۱. هاشمی نژاد، سید عبدالکریم، *درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت*، ص ۴۵۲.
۱۲. حنفی، حسن، *جمال‌الدین الافغانی*، دار قباء للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۸م، اول، ص ۱۱.
۱۳. ناصری داوودی، عبدالعزیز، *کربلا از دیدگاه اهل سنت*، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ۱۳۸۵، اول، ص ۳۲۲.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، *بحار الأنوار*، مؤسسه الوفاء، بیروت، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۳۲۶.



اهدای خون در ماه محرم!



خانعلی محمدی
(MPH)
معاونت دانشکده طب
شعبه غزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)



نوزادان مبتلا به زردی ناشی از ناسازگاری خون مادر و جنین و... جان خود را ازدست می دهند. در افغانستان انگیزه های افراد اهداکننده متفاوت است و اکثراً با انگیزه های معنوی کمک به هموعان مراجعه می نمایند. حس بشردوستی انگیزه اصلی اهدای خون است و انگیزه های بیرونی مانند گرفتن پاداش و فروختن خون کمتر مطرح است. متأسفانه با توجه به چند دهه جنگ در کشور و مشکلات بعد از آن و عدم توجه دقیق دولت در دهه اخیر در این عرصه آنچه باید و شاید کار موثر انجام نشده است. از نظر سازمان WHO باید حداقل ۲٪ اهدا کننده خون در کشور وجود داشته باشد...

همه افراد می توانند شرایط اهدای خون را داشته باشند منجمله

افرادی که سن بین ۱۷ الی ۶۵ سال دارند، وزن حداقل ۵۰ کیلو گرام، دارا بودن شرایط مناسب جسمی و روحی، نرمال بودن علائم حیاتی مانند فشار خون، نبض و غیره...، مبتلا نبودن به کم خونی و بیماری های خونی، نداشتن بیماری های خاص، نداشتن اعتیاد به مواد مخدر، مصرف داروهای خاص، وضع حمل نداشتن.

توصیه های قبل و بعد از اهدای خون

موارد زیر بهتر است انجام شود، نوشیدن مایعات (آب میوه، آب و غیره...)، خوردن صبحانه فراموش نشود، غذای سرشار از آهن استفاده شود (سبزیجات، میوه جات، گوشت و تخم مرغ)، نداشتن استرس و اضطراب، قبل از

اهمیت اهدای خون

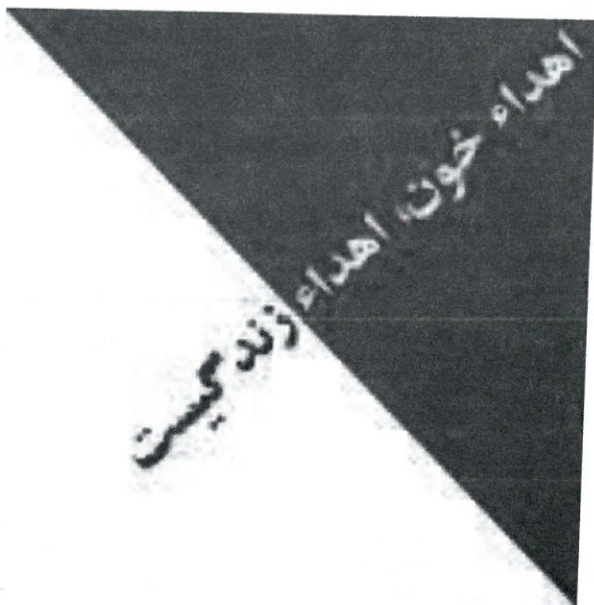
امروزه اهدای خون یک امر حیاتی جهت تامین مریضان است که تداوی آن صرفاً از طریق خون و فرآورده های خون امکان پذیر است. خوشبختانه در ماه محرم در اکثر کشورهای اسلامی از جمله افغانستان اهدای خون انجام می شود.

ماه محرم که برای مسلمانان از جایگاه ویژه ای در امر ایثار و گذشت برخوردار است، اهدا خون را چندین برابر افزایش می دهد، در نتیجه در این مقاله از نظر علم طبابت سعی شده تا نکات مفیدی در این زمینه بیان شود. در حال حاضر علی رغم تلاش پیگیر محققان جایگزین مناسب برای خون و فرآورده های آن جهت رفع مشکل مریضان وجود ندارد لذا اگر اهدای خون صورت نگیرد روزانه هزاران نفر که نیاز به خون دارند و مصرف کنندگان خون هستند از جمله: مریضانی که بیماری خونی دارند (تالاسمی، هموفیلی و سرطان های خونی)، بیماران دیالیزی (نارسائی کلیه)، قربانیان حوادث (مجروحین)، کم خونی های مزمن، بیمارانی که نیازمند عمل جراحی های بزرگ اند (قلب، گرده، سزارین و غیره)، سوختگی های شدید، پیوند اعضا،

- انجمن بانک های خون (A.A.B.B) انجام می گیرد.

ترویج اهدای خون در افغانستان : راهکار:

۱. شفاف سازی اثرات اهدای خون برای جامعه و ذکر جزئیات چگونگی تاثیر اهدای خون بر اهداکننده
۲. آگاهی جامعه به خصوص جوانان در مورد اهدای خون افزایش یابد و تبلیغ هرچه گسترده از طریق رسانه های جمعی (مدیا) در جهت یادآوری اذهان مردم انجام شود.
۳. تجربه اهداکننده گان از اهدای خون برای جامعه بازگو شود.
۴. حمایت و همکاری لازم برای نهاد های خودجوش در این راستا فعالیت می نمایند صودت گیرد.



اهدای خون فرد و بعد از آن نباید بلافاصله بعد از اهدای خون از جای خود بلند شود، احتیاطاً چند ساعت بعد از اهدای خون درایو نکند، احتیاطاً چند ساعت بعد از اهدای خون کار سنگین انجام ندهد.

اثرات فیزیکی، روانی و اجتماعی بر اهداکننده

- اثرات مثبت:
 - ✓ احساس رضایت از کمک به دیگران
 - ✓ احساس بهتر نسبت به قبل (شادابی و آرامش)
 - ✓ افزایش قدرت کاری
 - ✓ کاهش فشار عصبی و استرس
 - ✓ بهبود وضعیت جسمانی: کاهش سردرد، کاهش خون دماغ، کاهش دردهای عضلانی و علایم حسی اندام ها، بهبود دانه های جوانی (جوش صورت)، روشن شدن رنگ جلد و غیره.
 - اثرات منفی: (این علایم موقت و گذرا است)
 - ✓ سرگیجه
 - ✓ ضعف و خواب آلودگی
 - ✓ درد و سوزش در ناحیه خونگیری
 - فواید اهدای خون:
 - ✓ نجات زندگی افراد و کسب رضایت الهی (بهترین هدیه)
 - ✓ آگاهی از سلامت خود فرد (با انجام غربالگری)
 - ✓ اثرات روانی، اجتماعی و فیزیکی مثبت
- چه مقدار و در چه فواصل زمانی باید اهدای خون نمود؟
- ۱۰٪ از حجم خون را می توان اهدا نمود که تقریباً ۵۰۰ میلی لیتر می شود.
- (حجم خون در افراد بالغ ۴,۵ الی ۵,۵ لیتر است)
- می توان به طور منظم ۳ الی ۴ بار در سال اهدای خون نمود.
- (البته به فواصل ۳ الی ۴ ماه)
- کنترل و نظارت جمع آوری و انتقال خون و فرآورده های خون توسط:
- سازمان دارو و غذا (F.D.A)

باز خوانی آرمان های قیام عاشورا!



محمدعلی رضوی
استاد
و
معاونت دانشکده
فقه و حقوق
شعبه غـزنی
پوهنتون خاتم النبیین (ص)

شاید همین روحیه و آرمان بود که باعث شد شیعیان به هیچ نظام سیاسی به عنوان نظام کامل دل نبندند و به دنبال آن باشند که حسین (ع) میخواست و آنرا بجویند که او در پی آن بود. از آنجا که این حرکت از پشتوانه عمیق ارزشی و انسان گرایانه و آرمانخواهانه برخوردار بود، سیره سالار شهیدان برای همه پیروان راستین او، مکتب راهنمای زندگی شد. در این جا به برخی از آرمانهای این مکتب اصلاحی، که از زبان و عمل امام(ع)، در جریان حادثه کربلا استفاده می شود، اشاره می کنیم:

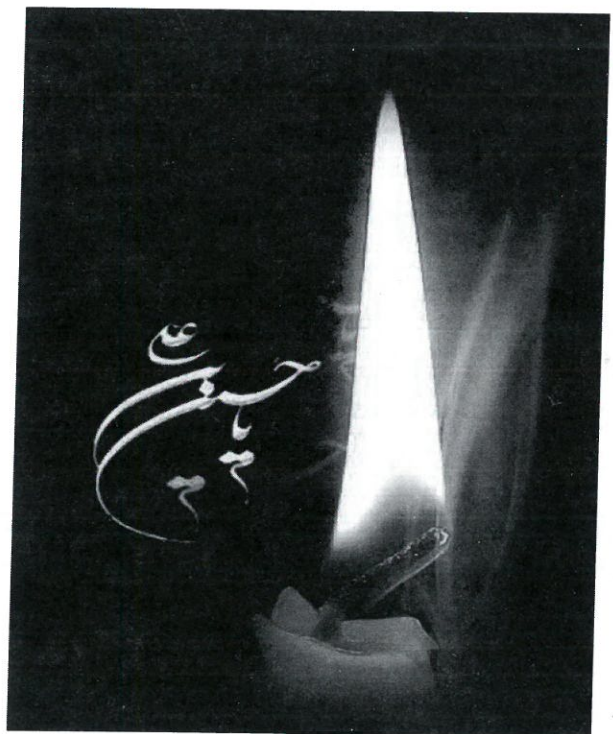
«آرمان اول، نفی سلطه جابرانه و نامشروع: در مکتب حسین حاکمی که صلاحیتهای لازم را نداشته باشد و بدون رضایت مردم به زور و ستم بخواهد بر مردم حکومت کند نامشروع است. ابا عبد الله (الحسین ع) نظام فاسد و ستمگر یزید را نامشروع می دانست و از هر فرصتی برای افشای چهره ننگین او برای افکار عمومی استفاده می کرد. ایشان در مکه، خطاب به علما اسلام، دلایل محکومیت و ویژگی های این نظام فاسد را اینگونه تبیین می کند: «ستمگرانی رابه جای خود نشاندهاید که با شبهه کشور را اداره می کنند و در راه شهوت و کماجویی گام می نهند... به هوسرانی، رسوائی ها به بار می آورند. سیرت اشرا را پیش می گیرند و بر خدا دلیری می کنند، در هر شهری سخنرانی بر فراز منبر دارند و همه مملکت را قبضه کرده اند. دستشان همه جا باز است. مردم چون برده در برابرشان نیروی دفاع از خود ندارند. برخی جبار و سرکش و برخی بر ناتوانان سختگیر هستند. خدا و قیامت را نمی شناسند. شگفتا چگونه شگفت زده نباشم که سرزمین اسلام در قبضه کسانی است که یا خائن و ستمگر، یا باجگیر و نابکار و یا حکمران بی رحم و بی انصاف است.» ایشان در نامه ای به مردم بصره

یکی از تفاوت های مهمی که یک جنبش سیاسی و اجتماعی بادیگر انواع و گونه های حرکت اجتماعی می تواند داشته باشد، همان داشتن آرمان اصلاحی است، همین نکته است که سبب می شود تا جنبش های اجتماعی چه در صورت پیروزی سیاسی و تکیه زدن بر قدرت و چه در صورت شکست یک تلاش سیاسی از حرکت باز نایستاده و همواره رو به پیش در حرکت باشند؛ زیرا تا همان آرمان پویا متریقی و ایده آل وجود دارد، همواره تلاش برای رسیدن به آن آرمان و ایده آل وجود دارد و شکست در جبهه نظامی اگر بتواند ساختار نظامی و حتی سیاسی جنبش را هم متلاشی کند، باز هم نمی تواند اصل حرکت را متوقف کند؛ زیرا آرمانی که جنبش برای رسیدن به آن تشکیل گردیده، از دریچه ذهن فرماندهان جنبش فراتر رفته و حتی در متن توده های اجتماعی نفوذ کرده است.

حرکت سیاسی _ اجتماعی سال ۶۱ هجری که توسط حسین بن علی (ع) فرماندهی شد، یکی از بارز ترین حرکت های مردمی و آرمان گرایانه ای است که با وجود ابعاد اندک آن از گستره زمانها مکانها فراتر رفته و تداوم آن در اعماق تاریخ بشریت برای همه انسانها حرکت آفرین و روشن بخش گردید.

بنا بر این حادثه عاشورا یک جریان جامع اصلاحی است و حسین(ع) بیش از هر چیز یک مصلح بزرگ بود که قصدش اصلاح به معنای گسترده و در سطح کلان جامعه بود که تنها گوشه ای از آن تشکیل حکومت بود. این نگاه از تابلوی کربلا فلسفه جامعی می خواند که ابعاد سیاسی، حماسی، معنوی و اجتماعی تنها ابعادی از آن هستند. امام همان گونه که خود فرمود « من الگو و مقتدای شما هستم»، راهنما و الگوی همه انسانها در همه شرایط زمانی و مکانی وارث همه انبیاست. عاشورا هم نقطه اوج این حرکت است. تفسیرهایی دیگری که از جریان عاشورا صورت گرفته است، تحت تأثیر شرایط زمانی و مکانی خاص انجام شده است و تحلیل ها غالباً تک عاملی است. برخی سیاسی، برخی غیرسیاسی، برخی تاریخی و برخی فراتاریخی، برخی عاطفی و برخی عقلانی. در حالی که این حادثه عظیم تاریخی ظرفیت تحلیل جامعی دارد و نباید آن را در ابعاد خاص محصور کرد. حادثه عاشورا ناخودآگاه یک مکتب اصلاحی نانوخته در عمق جان شیعیان است، به طوری که بر اساس آن، حداقل در ذهن، آنچه در کربلا نفی شد را نفی کردند و آنچه در آن اثبات شد، را آرمان گرفتند و سعی نمودند آن را معیار و محک اصلاح همه زندگی خویش سازند.

می نویسند: «سنت و قانون اسلامی از بین رفته است و سنت‌های قومی و شخصی مناسب با منافع عده‌ای خاص، جای آن را گرفته و احیا شده است.» حضرت ضمن این‌که خود را با صلاحیت‌ترین منتقد حکومت معرفی می‌کند، خطاب به لشکر حر دلایل نامشروع بودن حکومت بنی امیه را اینگونه تشریح می‌کند: «ای مردم، این حاکمان به اطاعت شیطان در آمده و اطاعت رحمان را رها ساخته‌اند تباہی و فساد آورده و حدود الهی را تعطیل کرده‌اند. غنایم را به خود اختصاص داده‌اند و حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام ساخته‌اند.» «من در اولویت یاری خدا، عزت بخشی به شریعت الهی و جهاد در راه خدا هستم تا کلمهٔ الله فراتر از همه قرار گیرد.» دیدگاه عمومی کوفه نسبت به حکومت یزید، با آنچه حضرت تشخیص می‌داد هماهنگ بود؛ لذا آنان در نامه خود به امام حسین(ع) نوشته بودند: «ستایش خدا را که دشمن جبار و سرسخت تو را نابود کرد؛ دشمنی که بر این امت یورش برد تا خلافت را به ناحق گرفت و اموال آنرا غصب کرد و بدون رضایت آنان بر آنها حکومت کرد. نیکانشان را کشت و اشرارشان را به جا نهاد و مال خدا را دستخوش جباران و توانگران امت ساخت.» این نگرش در اذهان یاران صدیق امام نیز وجود داشت. «زهیر بن قین»، سیاستمداری که سابقه تمایل به عثمان داشت اما در جریان کربلا به یاری‌ابی عبد الله برخاسته بود، با توجه به گذشته حکومت بنی امیه، چشم‌انداز حکومت یزید را در سخنانش با لشکر ابن زیاد اینگونه ترسیم می‌کند: «در ایام سلطه آنان جز بد نخواهید دید. چشمانتان را میل می‌کنند. دست‌ها و اعضایتان را می‌برند و بر تنه‌های خرما بالا می‌برند. پارسایان و قاریان شما امثال حجر بن عدی و یارانش و هانی بن عروه و نظایر او رامی‌کنند.»



در هر صورت حکومت یزید که نماینده و تجلی باورها و مطالبات مردم نیست و می‌خواهد به وسیله زر و زور و تزویر برای خود بیعت بگیرد، نه صلاحیت مدیریت رهبری سیاسی جامعه را دارد و نه منطبق با آرمان‌های جامعه‌ی اسلامی است. حکومت چنین کسی جز فلاکت، بدبختی، ظلم و بی‌عدالتی، نژادپرستی و حق ستیزی چه ارمغانی به بار می‌آورد؟ به قول امام، اگر جامعه‌گرفتار رهبری چون یزید شود فاتحه آیین عدل خوانده است، انا لله و انا الیه راجعون و علی الاسلام السلام .

آرمان دوم، ضرورت حکومت صالحان: در مکتب حسین نفی سلطه جابرانه به خاطر باور به مشروعیت حاکم صالحی است که پشتوانه مردمی دارد. شیعه نسبت به رهبری همواره حساس بوده و آن را با صلاح و فساد جامعه هم‌دوش می‌دانسته است. جامعه ایمانی نمی‌تواند سرنوشت خویش را به دست افراد نالایق، بی‌صلاحیت و بی‌ایمان دهد. طبیعی است که در صحنه عمل سیاسی نیز رای و خواست طبیعی مردم به کسانی که برای باورها و مقبولات مردم، ارزشی قابل نیستند تعلق نمی‌گیرد و چنین نظامی را مشروع نمی‌دانند. نفی حکومت امثال یزید به دنبال خود، اثبات امامتی را دارد که سیدالشهداء(ع) مصداق بارز آن است و دعوت مردم برای بیعت با او شرط مردمی آن را تضمین می‌کند. امام در پاسخ به دعوت مردم کوفه ویژگی‌های رهبری را چنین معرفی می‌کند: «به جان خودم، امام جز آن نیست که به کتاب خدا عمل کند و به عدالت و قسط برخیزد و ملتزم به راه و روش حق باشد و خود را فدایی خدا بداند.» نه فدای قدرت و ثروت و طبقه و جریان خاص. کسی که مسؤولیت مدیریت جامعه دینی را دارد باید پایبند به لوازم چنین نظامی باشد . حق جویان، منتظر مرگ معاویه بودند تا با مرد شایسته‌ای چون حسین(ع) بیعت کنند. امام نیز می‌فرمود: تنها کسی که صلاحیت برقراری نظام عادلانه را دارد ما هستیم: «ما اهل بیت محمد (ص)، بر داشتن حکومت نسبت به این کسانی که مدعی حکومت هستند و با ظلم و جور حکم می‌رانند و حقی نسبت به آن ندارند، اولی هستیم.» در این زمان «من نسبت به دیگران، بر حکومت احق هستم.» حضرت در نامه‌ای به مردم بصره پس از تأکید بر حقانیت خویش آنان را دعوت می‌کند که به او بپیوندند: «شما را به کتاب خدا و سنت پیامبر او دعوت می‌کنم. امویان سنت را میرانده‌اند و بدعت را احیا کرده‌اند . اگر گفتارم را بشنوید و دستور مرا اطاعت کنید، شما را به راه رشاد هدایت خواهم کرد.» واقعه کربلا، در واقع آخرین تلاش امام شیعه بود تا بار دیگر حکومت را به جایگاه اصلیش برگرداند.

آرمان سوم حساسیت مذهبی و سیاسی: در مکتب حسین بی توجهی به سرنوشت خویش و عملکرد نظام سیاسی حاکم نه مقبول است و نه مطلوب مردم به ویژه آگاهان آنها همانگونه که مسئول رفتار خویشند مسئول نظام حاکمی هستند که در آن زندگی می‌کنند. در

حقیقت آنچه در جامعه می‌گذرد، برآیند میزان آگاهی و مسئولیت پذیری مردم آن جامعه است. حسین(ع) به انسان مسلمان آموخت که باید نسبت به سرنوشت اجتماعی خود حساسیت نشان دهد. مشارکت و نظارت سیاسی نه تنها حق هر انسانی است، بلکه تکلیف اوست. نقد مستمر عملکرد نظام سیاسی تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر و آزادی اعمال این حق، تضمین کننده سلامت جامعه و نظام اسلامی است. فشارهای سیاسی در جهت منع مشارکت مردم و جلوگیری از اظهار نظر آزادانه، حرام و مخالف وجوب اصل امر به معروف و نهی از منکر است که حق و تکلیف مسلم هر انسان مسلمان است. مهم‌ترین انگیزه قیام امام حسین(ع) انجام همین وظیفه بود. ایشان سعی در دمیدن روح حساسیت نسبت به ارزشها و مسئولیت پذیری در جان امت اسلامی داشت لذا از قول رسول خدا (ص) می‌فرمایند: «هر کس که حکومت ظلمی را ببیند که حرام خدا را حلال کرده، پیمان شکنی می‌کند. مخالف سنت رسول الله است و با بندگان خدا به گناه و دشمنی بر خورد نماید و اقدامی عملی یا سخنی در مخالفت با آن نگوید، حق خداست که او را با همان ظالمین در یک جا محشور سازد».

معروف و منکر امام بر خلاف آنچه برخی تصور می‌کنند، صرفاً نفی و اثبات سطحی و جزئی امور نیست؛ بلکه امور کلانی است که در پناه خود، امور سطحی و جزئی را نیز اصلاح می‌کند. معروف و منکر امام همان بود که ایشان در عمل نشان داد و مبارزات سیاسی خویش را در همان راستا جهت داد. حضرت در کلام خود مصادیق امر به معروف و نهی از منکر را دقیقاً امور کلان حکومتی و سیاسی اعلام می‌کنند و در ضمن بیان اهمیت انتقاد و نظارت عمومی نسبت به حکومت می‌فرمایند: «خداوند وجوب امر به معروف و نهی از منکر را در اولویت قرار داد، چون می‌دانست بقیه وظایف در پناه آن انجام خواهد شد. امر به معروف و نهی از منکر، به اسلام دعوت می‌کند. حقوق ستم‌دیدگان را باز می‌ستاند، با ستمگر می‌ستیزد، بیت‌المال را به تساوی تقسیم می‌کند و مالیات‌ها را از آنجا که باید می‌گیرد و در جایگاه خود صرف می‌کند».

سید الشهداء که از عدم حساسیت سیاسی علما و مردم نسبت به حکومت یزید ناراحت بود، در اجتماع حج ضمن سرزنش علما که بیشترین بار مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر را به عهده دارند انتقاد، می‌کند. حضرت خطاب به آنان می‌فرماید چرا شیوه علمای یهود را در پیش گرفته‌اند. علما در مقابل بهره‌مندی‌شان از جامعه برای نقد حاکمیت مسئولیت اصلی را دارند. حضرت اداره جامعه را کاری علمی می‌داند و متعلق به عالمان، لذا می‌فرماید: اگر شما اندیشمندان وظیفه خود را در این مورد انجام می‌دادید، حکومت را از شما نمی‌ربودند: «مصیبت شما از همه مردم بیشتر است؛ چون شما بر مسند

علم تکیه زده‌اید. ای کاش گوش شنوا داشتید. جریان امور و احکام باید به دست دانشمندان دیندار باشد. آنها بر حلال و حرام خداوند امین هستند. این موقعیت را از شما ربودند. این عقب نشینی نتیجه جدا شدن شما از حق و اختلاف در سنت آشکار پیامبر(ص) بود. اگر شما در مقابل آزار و اذیتها مقاومت می‌کردید و از بذل جان و مال دریغ نداشتید، الان جریان امور الهی در دست شما بود و کارها تحت نظر شما انجام می‌گرفت.» حضرت عامل اصلی ترک مسئولیت امر به معروف و نهی از منکر از ناحیه علما را «ترس از مرگ» و دنیا طلبی آنان می‌داند».

امام در جایی دیگر رسالت مردم را به یادشان می‌آورد و می‌فرماید: «آیامی بینید به حق عمل نمی‌شود و از باطل دوری نمی‌گردد؟ با این شرایط انسان آرزوی مرگ می‌کند.» ایشان تمام نهضت خویش را خلاصه در انجام همین تعهد و مسئولیت می‌بیند.

آرمان چهارم، ضرورت اصلاحات: اصل مهم دیگر مکتب عاشورا، اصل اصلاحات و ارزش جویی در مقابل حاکمیت نفسانیت، باند بازی و فسادگرایی قدرت مداران است. هدف حساسیت مذهبی سیاسی مردم باید اصلاح جامعه باشد نه افساد آن. آنچه حسین(ع) با نهضت خویش می‌خواست آن را اثبات کند، مطلق خوبی‌ها و زیبایی‌هایی بود که اسلام بر تحقق آن سفارش می‌کرد. سید الشهداء در مناجاتی که با خدا دارد، شیوه و سنت مطلوب خویش را اینگونه مطرح می‌کند: «خدایا تو می‌دانی که من شیفته خوبی‌ها و دشمن بدی‌ها هستم... از تو درخواست می‌کنم به من همان عطا کنی که تو و رسول تو به آن راضی هستید.» امام در انتهای سخن خود با علما، اتهام ماجراجویی، قدرت طلبی و ثروت طلبی را که معمولاً انگیزه مخالفت با حکومت‌ها تلقی می‌شد، از خود دفع می‌نماید: «خدایا تو خود می‌دانی که آنچه به دست ما انجام گرفت، نه به طمع سلطنت و مقام بود و نه طلب ثروت و مال».

امام اهداف اصلاحی خود را در قالب دعایی دیگر اینگونه بیان می‌کند: «خدایا ما خواستیم تا نشانه‌های راه دینت را بنماییم و در بلاد تو اصلاح انجام دهیم تا از این طریق بندگان مظلوم تو آسایش و امنیت ببینند و آسوده خاطر به واجبات تو عمل کنند و احکام و سنن تو را به اجرا گذارند».

آرمان پنجم، ضرورت عزت نفس: یکی دیگر از اصول مهم مکتب عاشورا، حرمت نهادن به کرامت، شخصیت و عزت انسان است. تحقیر و به هیچ شمردن شخصیت انسان‌ها از مهم‌ترین منکرات سیاسی و اجتماعی است. اجبار انسان‌ها در پذیرش یک نظام نامشروع و ناشایست چیزی به جز تحقیر انسان و نادیده گرفتن حق تعیین سرنوشت آنان و نفی کرامت آنها نیست. امام می‌فرمود: «انسان پست فرزند پست، مرا بین مرگ یا ذلت مخیر کرده است. چه دور است از



خواهند داشت.» ولی این بار هیچکس نرفت. مسؤولیت امام این بود که به انتخاب مردم احترام گذارد و مسؤولیت امت نیز آن بود که سمبل عزت را تنها نگذارد. گویی این پژواک کلام حسین (ع) به همه مردم در طول تاریخ است که می‌گوید: «هرکس راه حق من را پذیرفت، پذیرفت ولی هر کس نپذیرفت، من صبر می‌کنم و خدا راقاضی قرار می‌دهم که بین ما و او حکم نماید.»

■ آرمان ششم، ضرورت آزادگی: اگر چه آزادگی در کاربرد آن عصر به معنای آزادی از هوای نفس بود و با آزادی سیاسی به معنای امروز فاصله داشت، ولی جنبه اجتماعی و سیاسی آزادگی نیز کم نیست. آزادگی چنان مهم است که امام حسین (ع) آن را ولو اینکه از سر دینداری نباشد می‌ستاید چون اولین قدم برای دینداری آزادگی است. امام به هنگام حمله لشکر ابن سعد به خیمه‌های خویش می‌فرماید: وای بر شما، اگر دین ندارید و از قیامت نمی‌ترسید، لااقل در دنیا آزاده باشید و به مردانگی اجداد خود برگردید. امام آزادگی حر را می‌ستاید و به انتخاب عاقلانه و خداجویانه حر آفرین می‌گوید و می‌فرماید: همانگونه که مادرت تو را حر نام نهاد، آزاده‌ای و ان شاء الله در دنیا و آخرت آزاده خواهی بود.

آزادگان اندکند چون آزادگی دشوار است. مردم فطرتاً عدالت طلب هستند و حقیقت را دوست می‌دارند و تا هنگامی که خطری دنیای آنان را تهدید نمی‌کند در کنار آن هستند و از آن پشتیبانی می‌کنند ولی هرگاه دنیای مردم به دست نظام سلطه تأمین شود اغلب مردم در کنار سلطه‌گران قرار می‌گیرند. بنابراین از عموم مردم که ایمان قوی ندارند نباید انتظار داشت که قهرمان و آزاده باشند و همه چیز خود را فدای حق و حقیقت و دین کنند. به قول امام در تعارض دنیا و ارزش‌ها، غالب مردم بندگان دنیا هستند و «دین» فقط بر زبان آنها جاری است؛ تا

ما، پذیرش ذلت. خدا، رسول خدا، مؤمنین و دامن‌های پاک و عزت انسانی از پذیرش ذلت، اطاعت و پیروی از افراد لئیم و پست ابا دارد. من با همین خاندان کم و با وجود درندگی دشمن و عقب نشینی یاران دوست آماده کارزارم.» حضرت فرار از مقابل تهاجم دشمن را نیز همچون تسلیم، ذلت‌بار می‌داند و می‌فرماید: «نه. به خدا قسم مانند ذلیلان تسلیم نمی‌شوم و مانند بردگان بر بیعت کردن نمی‌نهم.» عزت و کرامت انسانی برای حسین (ع) چنان اهمیت دارد که مرگ را بر پذیرش ذلت ترجیح می‌دهد و می‌فرماید: «من مرگ را سعادت و زندگی با ظالمین را ننگ می‌دانم.» امام در پاسخ به توصیه یکی از یاران خویش برای بیعت با یزید به منظور جلوگیری از کشته شدن می‌فرماید: «به خدا قسم هیچگاه زیر بار ذلت بیعت نخواهم رفت. مرگ بر این ذلت ترجیح دارد.» مرگ سرخ برای کسانی نامطلوب است که آن را نابودی تلقی می‌کنند و یا از عواقب گناهان خود می‌ترسند. امام این مضمون را بارها در صحنه کربلا تکرار می‌کند که برای مؤمن شکست و نابودی معنا ندارد. مثلاً در پاسخ فرزندق می‌فرماید: اگر تقدیر به دلخواه ما رقم خورد، شکر خدا می‌کنیم ولی اگر قضا مانع شد، برای کسی که نیت پاک و اندیشه پرهیزگارانه دارد اهمیت ندارد. بر همین اساس حضرت تا آخرین لحظه بر این اصل پایداری فرمود و خون خویش را برای آبیاری جوانه‌های این ارزش فدا نمود. عده‌ای عزت را فقط برای خود می‌پسندند و هنگامی که به موقعیتی دست می‌یابند، دوست ندارند این روحیه فراگیر شود ولی حضرت این تحقیر را نه برای خود، بلکه برای هیچکس نمی‌پسندد. ایشان حتی راهی که انتخاب کرده و آن را نیز حق می‌داند، به دیگران تحمیل نمی‌کند و یاران خود را تحت فشار قرار نمی‌دهد تا او را همراهی کنند. او حتی خانواده و پیروان خویش را در کربلا آزاد می‌گذارد تا در صورت تمایل صحنه کربلا را ترک کنند. اصولاً امام نمی‌خواهد کسی به کاری وادار شود که نسبت به آن آگاهی کافی ندارد و از سرانجام آن بی‌اطلاع است. سید الشهداء دوبار از یاران خویش درخواست کرد که در صورت تمایل باز گردند. بار اول زمانی بود که خبر کشته شدن مسلم بن عقیل وهانی بن عروه^۱ رسید و عده‌ای از همراهان که فکر می‌کردند بر سر سفره آماده و بی‌خطر حکومت می‌روند، و اینک مأیوس شده بودند پس از آنکه حضرت از آنان خواست اگر می‌خواهند برگردند، پراکنده شدند. بار دوم شب عاشورا بود که جز خاندان امام و اصحاب باوفای او کسی باقی نمانده بود. با این حال حضرت فرمود: «من اصحابی با وفاتر و بهتر از شما و خاندانی نیکوتر و خوش بیوندتر از خاندانم نمی‌شناسم. شما می‌دانید فردا چه خواهد شد. بیعت خود را از دوش شما برداشتم. از تاریکی شب بهره‌گیرید و به مناطق و شهرها و محل‌های خود برگردید تا خداوند فرجی فرماید. این قوم مرا می‌خواهند. اگر به من دست یافتند دست از شما بر

هنگامی که معیشت آنها با دین تأمین شود، در کنار دین هستند و هنگامی که گرفتاری پیش آید دینداران واقعی اندک خواهند بود. در فضای آزاد مردم نیازی به ریاکاری ندارند و آنگونه که دوست دارند و بافطرت حق جویانه‌شان هماهنگ است عمل می‌کنند و شرایط برای آزادی آنان فراهم است. اما در صورتی که خطر و زور و گرفتاری پیش آمد، برای تأمین دنیای خود ممکن است دست به شمشیر و سلاح برند و حتی علیه همه مقدسات و ارزش‌ها بشورند، هر چند قلباً آن کار را دوست نداشته باشند. آیا کوفیان و عمر سعد از ابتدا می‌خواستند بر حقیقت تیغ کشند؟

هنگامی که امام از فرزدق شاعر از اوضاع عراق و وضع مردم آنجا پرسید، وی گفت: از فرد خبره و آگاهی سؤال کردی. قلب‌های مردم با تو ولی شمشیرهای آنها علیه توست. مردم کوفه تنها مردمی بودند که حاضر به همکاری با امام حسین(ع) شدند. آنها مولا علی(ع) و امام حسن(ع) را نیز در شرایطی که دیگران حاضر به این کار نبودند یاری کردند.

آرمان هفتم، ضرورت پرورش دینی: حکومت صالح، انسان صالح و حکومت فاسد، انسان فاسد تربیت می‌کند. دین از نظام سیاسی می‌خواهد که امکانات لازم برای پرورش اخلاقی و معنوی افراد جامعه به وجود آورد، به گونه‌ای که هر چه می‌گذرد شرایط ارتباط آزاد انسان و خدا بیشتر فراهم گردد و گرایش به اخلاق و انسانیت روز به روز افزایش یابد. انسان دوستی، فداکاری و ایثار، آخرت طلبی و خداجویی محصول نظام صالح دینی است که در صحنه کربلا به خوبی تجلی داشت. حرکات و سکنات امام و یاران او عینیت اخلاق و معنویت بود.

آینده هر حکومتی تا حدودی از رفتار داعیان و به وجود آورندگان آن حکومت قابل پیش‌بینی است. رفتار امام حسین(ع) و یاران او نشانگر ارزشهایی بود که آنان در صدد تحقق آن بودند. امام در ملاقات با لشکر دشمن به یاران خود می‌فرماید: لشکر دشمن و حتی حیوانات آنها را سیراب سازید. زهیر بن قین به امام پیشنهاد می‌کند تا لشکر عمر بن سعد نرسیده است با لشکر حریج‌نگیم چون در این حالت، احتمال پیروزی زیاد است ولی امام می‌فرماید: آنان با ما جنگ ندارند بنابراین من شروع کننده جنگ نخواهم بود. مسلم بن عقیل با وجودی که شرایط کشتن ابن زیاد را فراهم می‌بیند حاضر به ترور و قتل ناجوانمردانه او نمی‌شود و در توجیه اقدام خویش می‌گوید. پیامبر(ص) فرمود: ایمان مانع کشتن ناجوانمردانه و ترور است. نافع بن هلال از جانب دشمن، اجازه می‌یابد تا به تنهایی آب بنوشد، ولی می‌گوید: تا حسین(ع) و یاران او آب ننوشند، من نخواهم نوشید. مسلم بن عوسجه با اینکه آخرین لحظات زندگی را سپری می‌کند تنها وصیتش به حبیب بن مظاهر، تنها نگذاشتن حسین بن علی است.

جامعه فاسد بقای خویش را در کنار ارزش‌ها نمی‌بیند، چنین نظامی منافق‌پرور، متملق دوست و سفته‌پرور است و اصلاح طلبی، آزادی، نظارت و فعالیت آزاد و خیرخواهان را بر نمی‌تابد؛ خشونت، زور، سب و سرزنش مخالفین روش غالب در آن است. حمایت فاسد با ریا و فریب، مقدسین و قشریون را می‌فریبد و با رها کردن بیت‌المال در دست صاحبان نفوذ از آنان در جهت توجیه و تحکیم نظام حاکم بهره می‌برد. بر همین اساس، روان‌شناسی جامعه اموی قابل پیش‌بینی است. برآیند چنین روان‌شناسی در روز عاشورا متجلی است. صبح عاشورا، هنگامی که آتش را در پشت خیمه‌های حسین(ع) می‌بیند به فرزند و تربیت یافته پیامبر می‌گوید: یا حسین! آیا می‌خواهی زودتر از قیامت به آتش جهنم بروی. «محمد بن اشعث» به تمسخر خطاب به امام می‌گوید: چه نسبتی بین تو و محمد(ص) وجود دارد؟ چگونه می‌شود مسلمانی به اینجا برسد که پس از کشتن فرزند پیامبر(ص) خود بر جنازه او داوطلبانه اسب بتازد؟ این چگونه نظام دینی است که امیر آن بر منبر رود و بگوید: سپاس خدایی را سزااست که حق و طرفداران آن را پیروز کرد و امیر مؤمنان یزید و یاران او را یاری نمود و دروغگو یسر دروغگو و طرفداران آن را به قتل رسانید.

بنابراین حرکت ابا عبد الله الحسین(ع) یک حرکت اصلاحی انسان‌ساز بود که همواره خود را در پهنه تاریخ اسلام جلوه‌گر می‌سازد تا روزی که این نام شنیده می‌شود، این مکتب و اصول آن حیات و جریان دارد. عاشورا آئینه‌ای تمام‌نمای حرکت انسان به سوی آزادی و آزادی بود و سرزمین کربلا الهام بخش انسان به سوی کمال و خدا خواهی است. به امید روزی که جامعه ما با الهام از جنبش عاشورا اصلاح اجتماعی و آرمانگرایی دینی را فرا راه برنامه هایش قرار داده و از این حرکت انسان ساز الگو گیرد.

منابع و مأخذ:

1. جنبش اجتماعی عاملی جمعی است که در فرایند تغییر اجتماعی مداخله می‌کند. جنبش‌ها زمینه‌ای برای کنش فراهم می‌آورند که افراد را به یکدیگر پیوند می‌دهد. جنبش‌ها نه صرفاً «واسطه‌ی» تغییر اجتماعی اند، و نه بیان خنثی و بی‌طرفانه‌ی روندهای اجتماعی؛ بل که عاملانی هستند که فعالانه، و با هدف تأثیرگذاری، در سیر رخدادها دخالت می‌نمایند. ویژگی‌های عاملان را نباید با قائل شدن شکل‌سازمانی خاص برای آن‌ها مشخص و محدود ساخت. مفهوم «عامل» نباید حاکی از وجود همگنی و یکدستی گرفته شود. بلکه باید در مجموع، در درون یک جنبش اجتماعی، در انتظار تعدد و تنوع گرایش‌ها، سازمان‌ها و شکل‌های مداخله باشیم. مهم‌تر اینکه جنبش‌های اجتماعی در درون یک سازمان نمی‌گنجد و همواره گسترده‌تر از سازمانی اند که نمایندگی‌شان می‌کند.

فلسفه قیام امام حسین علیه السلام!

سید امان الله تابش

مسئول

عمومی امور محصلان

شعبه غزنی

پوهنتون خاتم النبیین (ص)



شده و چنین فرموده: لاتزال امتی بخیر ما آمووا بالمعروف و نهوعن المنکر و تعاونوا علی البر فاذا لم يفعلوا ذلك نزعنا منهم البرکات و سلط بعضهم علی بعض، و لم یکن لهم ناصر فی الارض و لافی السماء؛ امت من همواره در خیر خواهد بود، تا زمانی که در میان آنها امر به معروف و نهی از منکر و همکاری در کارهای نیک برقرار باشد. هرگاه این اصل ترک شود، برکات الهی از آنان سلب و بعضی بر بعضی دیگر تسلط می‌یابند و در نهایت، در آسمان و زمین یآوری نخواهند داشت. در این حدیث شریف بین انجام امر به معروف و خیر رابطه مستقیم برقرار شده چنان که بین ترک امر به معروف و فقدان توسعه چنین است. زیرا، ترک این فریضه الهی موجب می‌شود ارزش‌ها تبدیل به امور ضد ارزش شود و در نهایت، فساد در ابعاد مختلف خود در جامعه گسترش یابد.

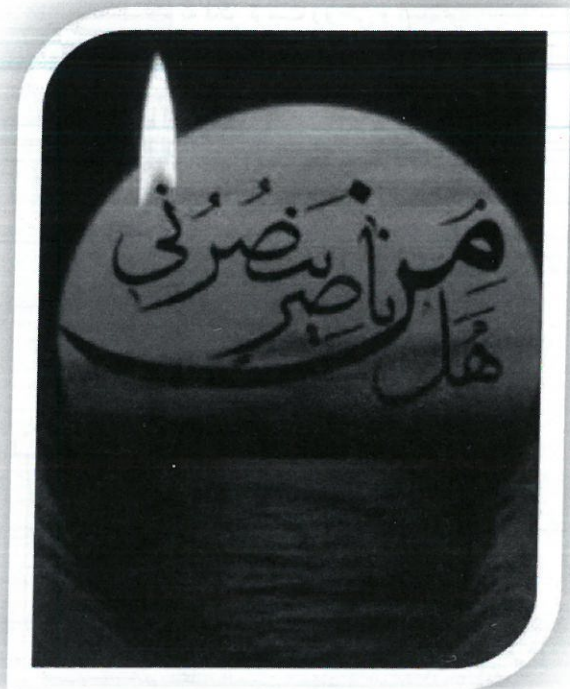
به طور خلاصه می‌توان آثار و رابطه این اصل شرعی را با پیشرفت و تحول اجتماعی چنین تحلیل کرد که: امر به معروف با امنیت راه‌ها، حلال شدن تجارت و مکاسب، تامین حقوق افراد جامعه، با آبادانی زمین، انتقام‌گیری از دشمنان، ثبات جامعه رابطه مستقیم دارد. چنان که ترک آن، زمینه را برای جابه‌جایی منزلت اجتماعی و موقعیت‌ها و سلطه ناهالان فراهم می‌سازد. بنابراین، ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای دینی در پرتو اصل امر به معروف می‌تواند زنده بماند. اگر با ترک امر به معروف، ارزش‌های دینی را از جامعه‌ی بگیرند، آن جامعه در واقع مُرده است. بدلیل اهمیت و جایگاه اصل امر به معروف، امام حسین علیه السلام این مسئله را در درجه اول در دستور کار خود قرار داد و از همین رو، در وصیت نامه اش به محمد بن حنفیه اعلان فرمود: «قیام من بر مبنای تمایلات نفسانی نیست، من به منظور طغیان و فساد

معمولا قیام‌ها و نهضت‌های آزادیبخش در تاریخ بشر از پشتوانه فکری و انگیزه قوی، نیرومند و منطقی برخوردار بوده است. نمی‌توان در تاریخ موردی را یافت که یک انقلاب بزرگ فاقد یک هدف متعالی و انسانی باشد. در این میان، قیام و نهضت آزادیبخش امام حسین نیز دارای انگیزه‌ها و اهداف کلان بوده؛ تا جایی که می‌توان گفت رمز ماندگاری قیام و نهضت عاشورا نیز انگیزه‌ها و اهدافی بوده که امام حسین را در تاریخ جاودانه ساخته است. شاید این سؤال ذهن یک انسان کنجکاو را مشغول کند که چرا با وجود شناخت امام از مردم و قدرت بنی‌امیه، مانند امام حسن با حکومت کنار نیامد و بر خلاف رویه برادرش دست به یک انقلاب خونین زد؟ نوشتار حاضر تلاش می‌کند در پاسخ به سوال فوق، نمونه‌های از انگیزه‌ها و عوامل انقلاب امام حسین را مورد بررسی قرار بدهد.

عوامل و انگیزه‌های انقلاب امام حسین

۱- امر به معروف و نهی از منکر

در نگاه اسلامی، اصل امر به معروف ضامن همه اصلاحات اخلاقی و اجتماعی است. شهید مطهری می‌نویسد: دایره اصل امر به معروف و نهی از منکر گسترده‌تر از آن است که ما در ذهن داریم. امر به معروف محدود به حوزه عبادیات نیست بلکه عملاً ضامن اصلاحات اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌باشد (شهید مصهری، مجموعه آثار، ج ۲۰، ص ۱۹۶). امر به معروف از واجبات بسیار مهم اسلام است تا جایی که قوام شریعت و برپایی همه واجبات به آن دانسته شده است. بنابراین، برای ایجاد دگرگونی اجتماعی نباید تمام توان و امکانات صرف تبلیغ زبانی شود؛ بلکه باید از زبان عمل هم استفاده گردد؛ چرا که زبان عمل از زبان گفتاری مؤثرتر است. تاکید اسلام آن است که دگرگونی باید از خودسازی در فرد آغاز گردد. بعد از آنکه این دگرگونی در اندیشه و رفتار افراد به وجود آمد، رفتار اجتماعی هم سامان خواهد یافت؛ چرا که جامعه از افراد تشکیل می‌شود. اگر امر به معروف در جامعه به صورت درست اجرا شود و افراد جامعه به وظایف خود به طور جمعی و گروهی به خوبی عمل کنند، بدون تردید، دگرگونی مثبت اجتماعی در همه حوزه‌های اقتصادی، سیاسی، اخلاقی و فرهنگی اتفاق خواهد افتاد. در حدیث نبوی، رابطه وثیقی بین امر به معروف و تحولات مثبت اجتماعی برقرار



ب - حریت :

حریت و آزادی یکی از دستاوردهای اسلام برای جامعه انسانی و بشری است. در منابع دینی، به موارد زیادی مواجه می شویم که رهبران دینی ما به آزادی و آزادی تاکید نموده اند. تا جایی که مردم را مخاطب قرار داده که اگر مسلمان نیستید لاقلاً آزاد باشید. اما در دستگاه غاصبانه حکومت امویها، آزادی و آزادی را از مردم سلب کرده و به جای آن، بردگی و فرهنگ چابوسی را در جامعه نهادینه ساخته بود. تاجایی که سفره قتل و شمشیر یگانه روش برخورد حاکم با مردم بود. حکومت بدون رسیدگی به حق و حقیقت سفره قتل را در میان مردم گسترده بود و توسط جلاد مردم بیگناه را به قتل می رساند. چنانکه حجاج بن یوسف تقفی یکی از حکام زمان عبدالملک می گفت : از غذا و طعام وقتی لذت می برم که انسانی را بینم در خون خود دست و پا می زند و من مشغول طعام باشم در چنین محیطی هیچ کس را قدرت و جرئت آن نبود که به نحوه کردار و رفتار ناشایست حکام انتقاد نماید و یا به دفاع از حقوق از دست رفته خود پردازد. امام حسین علیه السلام قیام کرد تا به انسانهای زیر بار ظلم و ستم بیاموزد که چگونه می توانند به حقوق خود برسند و حریت و آزادی از دست رفته را باز یابند، و تاریخ گویای این مطلب است که هنوز چند ماهی از شهادت حسین علیه السلام بیش نگذشته بود که قیام ها یکی پس از دیگری شروع شد تا حکومت اموی را ریشه کن نمود. آری مردم با شهادت حسین علیه السلام درس آزادی و آزادی را از دانشگاه خون و شهادت کربلا آموختند و برای بدست آوردن حریت پیا خاستند.

ج - اخلاق اسلامی و انسانی :

تباهی و ستم خروج نمی کنم بلکه انگیزه ام اصلاح امت جدم رسول خدا است و مقصود و منظورم امر به معروف و نهی از منکر است^۱ اما در دوره بنی امیه اصل امر به معروف به کلی تعطیل گردیده و به منکر تبدیل شده بود. امام حسین فرمود: دستگاه غاصبانه یزید حرام خدا را حلال و حلال خدا را حرام کرده و لذا من قیام کردم تا اصلاحات را به وجود آورم. یعنی بنی امیه این دو رکن بزرگ و مهم اسلامی را متزلزل ساخته بودند که نه تنها امر به معروف و نهی از منکر متروک گشته بود بلکه معروف منکر و منکر معروف تلقی می شد و امام حسین علیه السلام در این مسیر مکرر به این حقیقت اشاره فرمود که اولین بار در سخنرانی حضرت در مسیر راه کربلا و برخورد با لشکر حربین یزید ریاحی و سپاهیان فرمود: « مگر نمی بینید که به حق عمل نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود مؤمن باید برای اجرا این مهم مشتاق دیدار پروردگارش باشد. »^۲ و لذا حسین علیه السلام به میدان جهاد قدم نهاد تا این اساس و پایه مهم اسلامی را استوار سازد و اسلام محکم و مستحکم بماند.

۲- زنده کردن ارزشهای اسلامی

حکومت اموی نهایت تلاش می نمود که ارزشهای اسلامی را که کرامت انسانها بدان بستگی دارد محو و نابود ساخته و ضد ارزشها را که در جاهلیت بدان افتخار می کردند و ارج می نهادند جایگزین ارزشهای اسلامی نماید! از جمله ارزشهایی که اسلام روی آن زیاد سرمایه گذاری کرده و حکومت بنی امیه با تمام قدرت در محو و اضمحلال آن ایستادگی می کرد امور ذیل است:

الف - وحدت اسلامی :

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله برای ایجاد وحدت و برادری اسلامی سعی و کوشش وافی مبذول می فرمود ولی معاویه از طرق مختلف مخصوصاً از طریق احیای تعصبات قبیله ای و وادار کردن شعرای قبایل بر قبیله رقیب و خانواده های آنان وحدت اسلامی را ریشه کن می کرد تا جائیکه به دستور یزید یکی از شعرای زمان بنی امیه وظیفه پیدا میکند تا انصار و مردمی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را در مدینه جای داده و حمایت کرده بودند، مورد هجو قرار بدهد. از سوی دیگر، اختلافاتی را بین اعراب اصیل و موالی به وجود آوردند که عرب کتابهایی در انتقاد بر موالی یعنی اقوامی که از ایران و سایر کشورهای غیر عربی در عراق و کشورهای عربی زندگی می کردند تصنیف و تالیف کردند و بر عکس موالی کتابهایی علیه اعراب نوشتند که این حرکت برخلاف مقررات و موازین اسلامی بوده و وحدت اسلامی را مختل می کرد.

از زمان رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله هیچ یک از خلفاء همانند علی علیه السلام به فکر تربیت روحی و اخلاقی جامعه نبودند اما آنقدر مشکلات برای حضرت علی علیه السلام ایجاد کردند که نتوانست راهی را برای تنویر افکار عمومی و اخلاق اسلامی و هدایت روحی جامعه که در پیش گرفته بود، به مقصد برساند. و در زمان حکومت اموی نه تنها در مسیر تربیت جامعه قدمی برنداشتند بلکه می کوشیدند تا جامعه را به فساد بکشانند زیرا حکومت‌های فاسد با جامعه صالحه نمی توانند کنار بیایند چرا که مردم صالح و شایسته همواره مخالف حکومت های ضد خدایی هستند از این رو کوشیدند تا مردم را همانند خود بسازند و لذا مردم در این دوران بحکم ((النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ)) نه تنها پای بند به صلاح نبودند بلکه ترسی هم از ارتکاب فساد در آنها نبود و مظاهر فساد اخلاق از قبیل دروغ، نقض عهد، لهو و لعب در همه جا به چشم می خورد، چنانکه رئیس حکومت اموی معاویه بن ابی سفیان پس از پیمان با حضرت حسن بن علی علیه السلام اظهار داشت که به هیچ یک از شرایطی که در قرارداد به نفع حسن بن علی قرار داده عمل نخواهد کرد و حاکم کوفه نیز به امانی که به مسلم بن عقیل داده بود وفا نکرد.

مردم کوفه که با همین سیره نشو و نما کرده بودند به سادگی پشت پا به همه وعده هایی که به حسین علیه السلام داده بودند زدند و منکر همه نامه های خود شدند و چه ننگی بالاتر از این که فرزند پیغمبر و سید جوانان اهل بهشت را برای قبول مسئولیت پیشوایی خود دعوت نمایند و اصرار ورزند که اگر نیایی در پیشگاه خدا با تو احتجاج خواهیم کرد و چون دعوت آنان را پذیرفت در مقابلش صف آرائی نموده و خونش را بریزند.

امام حسین علیه السلام در روز عاشورا خطاب به مردم کوفه فرمود: ای شیث بن ربیع و ای حجار بن ابجر و ای قیس بن اشعث و ای زید بن حارث آیا شما به من نوشتید که میوه های ما رسیده و باغات ما سرسبز است اگر بسوی ما بیایی بر سپاه مجهزی وارد خواهی شد؟ این تیره بختان با کمال وقاحت و بدون هیچ شرم و حیا گفتند: ما چنین نامه هائی ننوشتیم! امام متعجبانه فرمود: آری به خدا قسم نوشتید و لذا تن به شهادت داد تا اخلاق اسلامی و انسانی را که در جامعه آن روز مرده بود زنده کند. بلی جایی شکی نیست که اگر قیام امام حسین علیه السلام نمی بود، امروز دین اسلام نبود. اگر قیام امام حسین علیه السلام نمی بود و اسلام را در قله های بلند دنیوی قرار نمی داد امروزه اینقدر مخالفت ها و جنگ و جدل علیه محو دین اسلام نمی بود. کفار از ابتدا تا انتها در صدد حذف این دین از سطح جهان می باشند. لذا جا دارد که همه مسلمین جهان به ویژه مردم شریف افغانستان اعم از پیر و جوان در راستای پایداری و

ثبات دین مقدس اسلام قدم های نیک و بجا بردارند. تا باشد که روح مولا امام حسین^(ع) از همه ما خرسند و خوشنود گردد. در واقع برای ما مسلمانان نه تنها ماه محرم الحرام بلکه هر شب و روز محرم است. چرا که دین مقدس اسلام برای ما و شما وظایف و دستورات الهی را قرار داده است که باید برای تک تک آن دستورات عمل شود. در غیر آن صورت اگر ما و شما به اعمال روزمره خود توجه نداشته باشیم و به هزاران فسق و فساد دیگر دست بزنیم و هیچگونه توجهی به دستورات آنحضرت نداشته باشیم، تنها در روز عاشورا و ماه محرم الحرام با زنجیر به سر و صورت خود بزنیم و گریه و ناله کنیم هیچ سودی ندارد.

- منابع
- ۱- حیات الحسین ج ۲ ص ۲۶۴ و ج ۳، ص ۹۸.
 - ۲- بلاغۃ الحسین ص ۶۴ و ص ۲۵.
 - ۳- نفس المهموم ص ۱۹۱.
 - ۴ آنچه در کربلا گذشت، آیت الله محمد علی عالمی





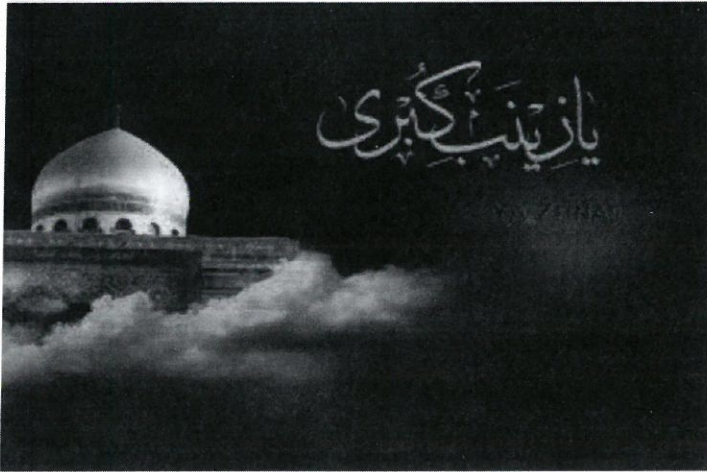
کمال الدین

"عظیمی"

دانشجوی دانشکده

فقه و حقوق

نقش حضرت زینب در ماندگاری عاشورا!



است. تا جایی که گفته شده: زینب مگو تمامت صبر خدا بگو. زینب سلام الله علیها دارای ویژگیهای منحصر به فردی است که می تواند برای زنان مسلمان نمونه باشد که می توان به نمونه های از این ویژگیها در زیر اشاره کرد.

ویژگیهای حضرت زینب

۱ بهرمندی از علم و معرفت: زینب زنی نبود که از علم و معرفت بی بهره باشد بلکه بالاترین علم ها، و برترین معرفت هادر دست او بود و ما اگر نقش حضرت زینب را در حماسه کربلا به سرپرستی از یتیمان برادرش خلاصه کنیم و تمام؛ به درستی نمی توانیم شخصیت اش را درک کنیم. به زینب کبری «عقیله بنی هاشم» می گفتند یعنی سیاستمدار خاندان. بعد از آنکه امام حسین را کشتند، خفقانی بود که نمی شد از اهلیت حدیثی صادر شود چون امام سجاد(ع) تحت کنترل بود؛ زینب کبری روایات را می گرفت و نقل می کرد. تنها یک زن صبوری نبود که فقط صبر کند؛ بلکه یک دانشمند بود.

از دیدگاه مکتب اسلام زنان در همه جوامع بشری قادر اند که در سهم خود تلاش کنند در پیشرفت های علمی، اجتماعی و سازندگی سهم بگیرند و اراده این جهان را به عهده بگیرند از این جهت میان مرد و زن تفاوتی نیست.

۲ زینب در مقایسه با زنان برگزیده قرآن: در قرآن زن فرعون به عنوان نمادی کامل ایمان معرفی گردیده است که به درستی نمونه ایمان است. وقتی همین زن مورد شکنجه قرار می گیرد یکی از دعاهایش نجات از

تاریخ کربلا و فرهنگ عاشورا از دیدگاه های متفاوت و زاویه های متنوعی مورد بررسی، تجزیه و تحلیل قرار گرفته و از هر جهتی که مورد ارزیابی واقع شده در سها و عبرتهای فراوان و آموزه های بی بدیل داشته است.

از جنبه تاریخی و تحلیل جامعه شناختی و نقش خواص در اصلاح و افساد جامعه انسانی، جریان کربلا یک نمونه بی نظیر می باشد که از شفافیت فوق العاده برخوردار بوده و قابل فهم برای همگان است.

تأثیرگذاری حادثه کربلا در روند تاریخ اسلام و تعمیق فرهنگ قرآنی از جهات مختلف قابل تأمل و عبرت آموزی می باشد که اگر تحقیقی گسترده در این زمینه انجام گیرد نتایج مفیدی برای جامعه دینی در پی خواهد داشت.

از جمله سؤالی که کمتر به آن پرداخته شده این است که: چرا تاریخ کربلا زنده مانده است؟ و فرهنگ عاشورا پویا تر و شاداب تر، پیوسته در حال گسترش است؟ در جوهره نهضت امام حسین(ع) چه جاذبه های وجود دارد که بعد از گذشت سالهای متمادی هیچ خمودگی و روختی در این فرهنگ احساس نمی شود؟ و رشد و بالندگی آن قابل درک و لمس است؟

تأمل در جاذبه های فرهنگ عاشورا که موجب بقا و استمرار و شکوه و بالندگی آن شده است همچون دستیابی به گنج باارزشی است که می توان با بهرمندی از آن در انتقال این فرهنگ به نسل جوان امروز، تحولی شگرف و جهشی فوق العاده ایجاد کرد.

یکی از رمزهای ماندگاری این حماسه پرشکوه وجود با عظمت حضرت زینب(س) می باشد. از نگاه حضرت زینب(س) کربلا، زیباترین تابلوی است که در عالم بشریت ترسیم شده و برترین حقایق، در محسوس ترین شکل به آن نقش بسته و دوردست ترین افقها در آن به وضوح نشان داده شده

را که مثل تار عنکبوت برپای یک انسان رهرو است از خود دور کنند؛ تا بتوانند راه متعالی را بروند. نهادهای عریض و طویل بین المللی امروز، حقوق بشر، طبیعی و حقوق زن هم زمانی می توانند این شعارهای به ظاهر زیبا را عملی نمایند که در راستای رشد گوهراسانی زن و مرد که یک مسأله ارزشی است گام برداشته و زن را یک موجودی که می تواند برای اصلاح جامعه یا پرورش انسان های والا مؤثر باشد نگاه کنند تا معلوم شود که زن کیست و آزادی او چگونه است؟ لذا گفته: اگر زینب نبود!

سرنی در نینوا می ماند اگر زینب نبود / کربلا در کربلا می ماند اگر زینب نبود

حضرت زینب به عنوان یک زن نمونه، آفریننده زیباترین صحنه ها در حماسه عاشورا است. و کلیدی ترین نقش ها را بعد از شهادت حضرت امام حسین (ع) و یاران پاکبخته اش برعهده گرفت و در تبلیغ پیام عاشورا بزرگترین موفقیتها را نصیب خود ساخت و در یک کلمه زیبا درخشید و جز زیبایی چیزی ندید.

دست ظالمانی است که او را مورد شکنجه قرار داده است رو به دربار خدای متعال فریاد می زند خدایا مرا از دست این ظالمان نجات بده! و ضرب الله مثلا للذین آمنوا امراة فرعون اذ قالت رب ابن لی عندک بیتا فی الجنة ونجینی من فرعون وعمله (سوره تحریم آیه ۱۱) یعنی خداوند برای مؤمنان به همسر فرعون مثال زده است. در آن هنگام که گفت پروردگارا! خانه ای برای من نزد خودت در بهشت بساز و مرا از فرعون و کار او نجات بده»

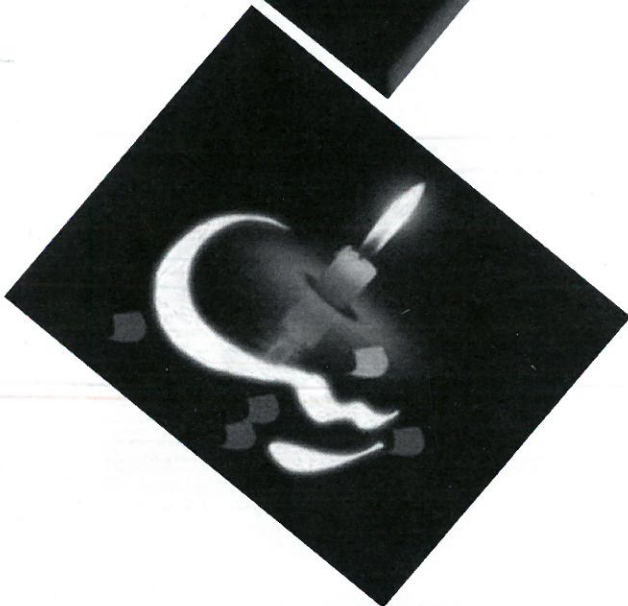
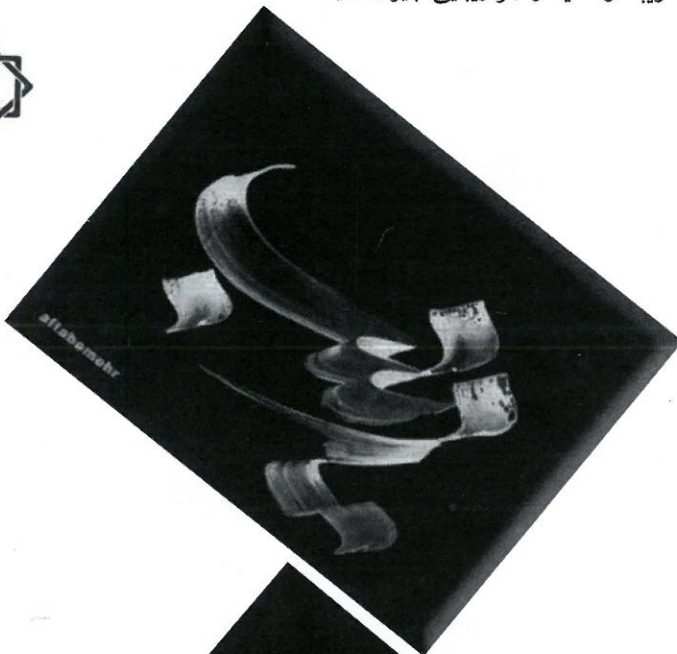
اما زینب کبری (س) به قدری دیدش وسیع است که وقتی دید حسین شهید شده است دستش را زیر بدن امام حسین (ع) کرد و بدن مطهرش را کمی بلند کرد و فرمود «ربنا تقبل منا هذا القلیل» این جمله خیلی مهم است. خدایا این کم را از ما بپذیر! وقتی ابن زیاد به زینب کبری گفت در کربلا چه شد؟ در جواب فرمودند: «ما رأیت الا جمیلاً» (لهوف صفحه ۱۴۹). یعنی در کربلا فقط زیبایی دیدم! ببینید؛ وقتی زن مسلمان برمی گردد به فطرت و اصل خود چه معجزه عظیمی درست می کند! الگوگیری از مکتب زینب (س)

زن مسلمان برای انجام تمام وظایف مهمی که یک زن می تواند انجام دهد؛ باید از حضرت زینب (س) تعلیم بگیرد. طهارت و تقوی که بزرگترین معنویت یک زن است؛ اهمیت دادن به ارزشهای اصیل بیش از هر چیز دیگری در زندگی، توجه به علم و معرفت، انجام فعالیت های سیاسی و امداد رسانی به انسان ها و کیفیت دادن به محیط خانه و خانواده از ویژگی های مهم حضرت زینب (س) محسوب می شود. زن مسلمان از درون خانواده تا درون جامعه، و تا مسایل علمی و سیاسی و ارزشهای اخلاقی می تواند به زندگی آن حضرت تأسی جوید.

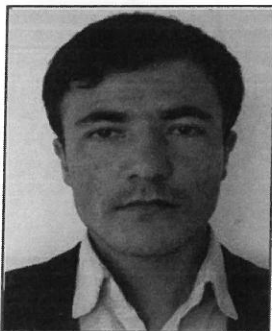
خویشتن داری و دوری از تجملات:

زنی مسلمانی که الگویش فاطمه زهرا یا زینب کبری (س) است در مقابل تجملات خویشتن دار است. اگر زن به فکر تجملات و خوشگذرانی ها و هوس های زودگذر و تسلیم شدن به احساسات بی بنیاد و بی ریشه باشد، نمی تواند راهی را برود که حضرت زینب (س) رفته است. آرمان گرایی در اسلام و گرایش به سمت قله ها، اوج ها و آرمان ها یک چیز قطعی و حتمی است؛ زن مثل مرد و مثل همه خلائق باید در این سمت حرکت کند.

و از طرفی هم زنان امروز باید بدانند که الگوهای غربی و غیر اسلامی نمی توانند با خلقت زنانه او، با احساسات و عواطف به ودیعت نهاده الهی در وجود او همخوانی و هماهنگی داشته باشد و باید این وابستگی ها



ثانیه های سرخ



سید نظیم سیرت

دانشجوی

دانشکده فقه و حقوق

شعبه غزنی

است. عرق دریشانی ام می نشیند ضمیرم آشفته می شود به دنبال حسین می دوم و صدایش می ززم آه! حسین می رود تنهای تنها و قلب من و خیمه نیشان در گسترش یک غم می تپد.

کودکان گریه و زاری میکند. رقیه بابا می خواند. خورشید میگیرید. فرات شرمندگی می کند. حسین می رود تا در سلوک عشق جاودانه شود. حسین خورشید را وضو میگیرد و می رود جام از شربت گوارای شهادت می نوشد و می رود. ابرهای غم، چهره آسمان را تیره و تار میکند. زمین در تنی

داغ می سوزد. بوی نجیب بهشت، کربلا را متبرک ساخته است. قطره های متبرک خون لحظه های عطشناک را در جریده تاریخ ثبت میکند. شهید عشق متولد می شود. دیوانه وار بر سر و سینه می ززم و حسین گویان به سوی خیمه ها می روم. رقیه باخاطره سبز بابا حرف می زند. زینب جامه به تن می درد. دلهای کوفیان سیاه شده و بوی تعفن خیانت از نفس های شان پراکنده است. خیمه های نور، در شعله بی غیرتی می سوزد.

عاشورا به اندازه تمام لحظه های محرم سرخ است و مظلوم! زینب در پهنه خیال با سر حسین غرق نجوا است و حسین هم غرق در جوی خون و آهنگ غمناک شیون و افغان مرثیه عاشورا شده است. مرثیه جاودانه، حسین قیافه قیام نور خاموش است.

دیگر چشمه معرفتی جاری نیست. صدای تپش سرخ لحظه های غم زده در سرزمین کربلا پیچیده است و آهنگ سوگوارانه سنج روزگار هم در خون دست و پا می زند. بوی خون و دود و آتش، کربلا را مدهوش کرده است. تاب ماندن ندارم. برمی گردم. تحمل دیدن سرنورانی حسین با آن چشم های نافذ و پر نورش را ندارم. تحمل دیدن اسیران کربلا و ناله وزاری رقیه در خرابه های شام را ندارم. بر سینه می ززم اشک می ریزم. جمعیت درهاله از غم موج می خورد. تشنه ام، عاشقم، عطشناکم، به عشق حسین، به فاتح سرزمین های قلوب، به خورشیدی که شب تارش شکست به کسی که شهامت یک قیام درنگاه طوفانی اومی درخشد. عاشقم به حسین؛ به نخلهای سبز عبودیت. به سرزمین همیشه سرخ و جاودانه کربلا.

خورشید، نور می گیرد. آهنگ سنج غمگین، در لحظه های گنج منتشر شده است صدای تپش سرخ شهادت، هم عزاداران را عاشقانه بر سینه می کوبند. مرثیه می خوانند. طوفانی می شوند. می گریند. تشنه می شوند. تشنه به عشق حسین و عطشناک ازدوری کربلا نجوا می کنند. یاحسین یاحسین " گهواره مزین شده " می بینم به پارچه سرخ و سبز و می شنوم صدای خفیف علی اصغر را دلم مرا بر زمین می نهد و از دهلیز یک رویا سبز اوج می گیرند تا کربلا. حسین و یارانش در مسجد ایمان نماز صفا می گذارند. چشمه مظلومیت از جغرافیای مظلومیت کربلا می جوشد. التهایی در سینه و فلق پیدا است. زمین در تنی داغ می سوزد و آسمان هم. خورشید با اندوه در سرمای شرم می تابد. خیمه ها را از دور می بینم که درهاله نور شناورند.

نخل های سبز عبودیت سر به آستان غم دارند. گویی روزگار ثانیه ها را وزن می کند. ثانیه های سرخ به خون نشسته را. نزدیکتری شوم، حسین کودک رخشان علی(ع) دلبد مادرش فاطمه زهرا، وجد بزرگوارش محمد مصطفی(ص) جگر گوشه زینب، و بابای رقیه مظلوم و ستم دیده، گویی در همسایگی آفتاب خانه دارد پاره از نور است. تبسم آسمانی اش لبریز از لحظه وصال است.

زینب آه می کشد. روح های لطیف یاران، اوج گرفته اند تا بهشت. حسین تنهاست. کیست بی یاور و تنها تر از حسین! علی اصغر در تب تشنگی ذوب می شود. علی اکبر به بهشت رسیده است. در تصویر چشمان رقیه مظلومیت می گیرد زینب در آینه تنهایی سوگواری میکند.

خون؛ تن پوش قامت عباس شده است. مشک آب باتیرهای چرکین جهل و بی ایمانی سوراخ شده است. حسین چهره نورانی اش را با اشک فراق عباس پاک می کند و جلا میدهد. عباس هم چون ققنوس، قله رفیع شهادت رافتح می کند. فرات شرمندگی می کند و بی تاب است. زمین در عطش تشنگی حسین می سوزد و فرشتگان در صفحه آسمان کربلا حیران اند. در ضمیر عطشناک حسین بزمی بریاست. بزمی از رسیدن به معبود؛ دردی سترگ در قلب کوچک رقیه سبزی می شود و جان می گیرد. خاری بر کف پایش می نشیند با بار اصدامی زند و فرشتگان نحیف اشک تحملش را می شکنند. در این زمان مشت از خون علی اصغر در سرخی عاشقانه پرواز میکند. سر بر زمین می نهم و سوزناک اشک می ریزم. حسین را صدای ززم! حسین مطلع غزل سوم شعبان و مقطع غزل عاشورا، پروانه روح زینب، آسمان شمع عشق، حسین راطواف می کند. حرفهایش را در سینه پنهان می کند و پوته بغضش را در گلومی کارد. میوه دلش را آرام آرام از شمع عشق به برادری چند در مردمک چشمان حسین تصویر بهشت رامی بیند. زمین وزمان داغ

نماینده مردم، همراه با مردم!

گزارش از سفر دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان ورئیس پوهنتون خاتم النبیین^(ص)، در شهر غزنی و ولسوالی های مالستان، جاغوری و قره باغ محرم سال ۱۳۹۱
آمریت فرهنگی - تربیتی

تلاش نماییم.

در این سفر پنج روزه نماینده منتخب و دلسوز مردم غزنی را استاد فصاحت آمر فرهنگی و تربیتی شعبه مرکز، استاد زکی کریمی معاون اجرایی دانشکده علوم سیاسی شعبه مرکز، دگروال علوی همکار پارلمانی وزیر دفاع ملی؛ استاد خادم حسین حبیبی رئیس شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین^(ص)؛ استاد رمضانعلی رحیمی معاون علمی و تدریسی سابق شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین^(ص)؛ استاد محمد جواد محدثی رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی شعبه غزنی، سید براتعلی نقوی رئیس دانشکده اقتصاد و مدیریت، حاج محمد رحیمی آمر تحقیقات علمی، یوسف رضائی مسئول برنامه ریزی و توسعه، استاد توسلی کادر علمی دانشکده طب معالجوی، استاد جمعه علی نظری یکی از استادان دانشکده فقه و حقوق شعبه غزنی همراهی می کردند.

برای دیدار از مردم ولسوالی های مالستان، جاغوری، قره باغ روز چهارشنبه ۱۳۹۱/۹/۱ دکتر سجادی و هیئت همراه شهر غزنی را به مقصد میر آدینه مرکز ولسوالی مالستان با دو فروند بالگرد نیروهای هوایی وزارت دفاع ترک نمودند.



صبح روز چهارشنبه تاریخ ۱۳۹۱/۹/۱ دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان و رئیس پوهنتون خاتم النبیین^(ص) با مسئولین، اساتید و دانشجویان پوهنتون خاتم النبیین^(ص) شعبه غزنی و برخی از مسئولین محلی ولایت غزنی در مقر این پوهنتون دیدن نمود.

هدف از سفر ریاست پوهنتون خاتم النبیین^(ص) در غزنی، دیدار با مردم ولسوالی های مالستان، جاغوری، قره باغ، مسئولین، اساتید و دانشجویان پوهنتون خاتم النبیین^(ص) شعبه غزنی و برخی از مقامات ادارات محلی غزنی بوده است.

در محفل که به همین مناسبت در ساختمان دانشکده طب پوهنتون خاتم النبیین غزنی برگزار شده بود، نماینده منتخب مردم غزنی در پارلمان گفت: امروز قدرت در جهان از آن کشورهای است که دارای نیروهای متخصص و تحصیل کرده می باشد، به اساس همین نیاز ما شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین^(ص) را در این ولایت فعال نمودیم، اما دانشجویان باید بدانند که تنها تحصیل و درس برای ترقی، پیشرفت زندگی شما کافی نیست، بلکه در کنار فراگیری تحصیل، تربیت اسلامی نیز باید باشد، هدف شما درس در رشته های طب، انجینیری، حقوق، علوم سیاسی، اقتصاد و مدیریت تنها نباشد، بلکه در کنار تحصیل در رشته های مختلف، تربیت اسلامی نیز باشد، این موضوع را هم اساتید این پوهنتون جدی بگیرند، هم دانشجویان در کنار درس و تحصیل به عنوان هدف اصلی برای ترقی و رشد زندگی آینده شان در نظر بگیرند.

رئیس پوهنتون خاتم النبیین^(ص) به مناسبت ایام محرم و عاشورا گفت امام حسین^(ع) حلقه مشترک و نقطه وصل بین مذاهب اسلامی بوده است، بناء ما هم باید تلاش کنیم تا زندگی و سرگذشت امام حسین را به عنوان الگوه در زندگی خود پیاده کنیم و برای رسیدن به وحدت ملی در کشور که امروز یکی از نیازهای مبرم جامعه ماست



ولسوالی مالستان باز دید به عمل آورد. وی با معاون ولسوالی و برخی از سران اداری آنجا به شور و مشورت پرداخته و هدایات لازم را دادند و سپس ساختمان ولسوالی را به مقصد شرکت در مراسم عزاداری مردم قول آدم ترک نمودند.

مراسم عزاداری مردم قول آدم: داکتر سجادی پس از بازدید از ولسوالی مالستان در جمع عزاداران مردم قول آدم که ساعتها در انتظار ورود داکتر بودند حضور پیدا کرد. داکتر سجادی در این مراسم ضمن تجلیل از روز عاشورا به تحلیل مسائل روز کشور و جامعه جهانی پرداخته و به مردم شریف مالستان اطمینان دادند که بعد از سال ۲۰۱۴ هیچ اتفاق ناگواری برای مردم کشور ما رخ نخواهد داد، چون قوت های ناتوازمان موجودیت تروریسم از کشور ما خارج نخواهد شد و اگرهم بشوند، ملت و نیروهای نظامی کشور ما این توانایی را دارند که در برابر مخالفین دولت ایستادگی نمایند.

لیسه جمبود: نماینده محترم غزنی در پارلمان رأس ساعت ۹ صبح روز پنجشنبه قول آدم را به مقصد شینه ده مالستان ترک نمود. در مسیر راه تعدادی زیادی از مدیران، معلمان، و دانش آموزان لیسسه جمبود مالستان به استقبال استاد آمده، ضمن خوش آمد گویی به ایشان و هیئت همراه ابتدا سر معلم لیسسه از داکتر سجادی بخاطر ارتقاء مکتبش از متوسطه به لیسسه و دیگر کمکهای ایشان تقدیر و تشکر نموده و خواستهای جدیدش را

نماینده منتخب مردم همراه با اساتید و مسئولین موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین^(ص) کابل و غزنی، با استقبال پر شور مردم متدین و میهمان نواز مالستان و بویژه معاون ولسوالی مالستان قومندان امنیه و پرسونل قومندانی مالستان، مدیران لیسسه ها، دانشجویان و علما و فرزندان آن خطه که در لیسسه میرآدینه منتظر ورود نماینده شان بودند قرار گرفتند.

دکتر سجادی در لیسسه عالی میرآدینه مالستان در جمع مشتاقان به ایراد سخن پرداخته و از استقبال کم نظیر علما، معلمان، متعلمین و مردم آن سر زمین بخاطر زحمات و همکاری های شان تقدیر و تشکر نموده و برای مردم خوب و زحمتکش مالستان آرزوی توفیق نمودند. در این مراسم، داکتر سجادی در مورد نقش عاشورا در بیداری اسلامی، این حادثه را در عین دردناکی آن، آن را به عنوان یکی از حوادث کم نظیر خواند که در جهان مشابه اش اتفاق نیفتاده است. در ادامه تاکید نمود که عظمت عاشورا با خودش است تا جایی که فرهنگ عاشورا در دل و اعماق وجود انسانها ریشه دوانده و ماندگار گردیده است به طور که هر روز دامنه و گستره آن گسترش بیشتری در میان بشر پیدا می کند. لذا تاکید نمود که تمام مسلمانان باید با الگوگیری از حضرت امام حسین رفتار و اعمال اجتماعی شان را طوری برنامه ریزی نمایند که ماندگاری بیشتری داشته باشد.

پس از اتمام مراسم داکتر سجادی و هیئت همراه از ساختمان

مطرح ساخت. که در پایان داکتر سجادی نیز از مدیر، معلمان و دانش آموزان آن لیسه تقدیر و تشکر به عمل آورده و سخنرانی مبسوطی در مورد جایگاه علم و تربیت در رشد و توسعه جوامع ایراد نموده و معلمان و مدیران لیسه را به تلاش بیشتر در امر آموزش و تربیت و دانش آموزان را به فراگیری علم و تربیت تشویق نمودند.

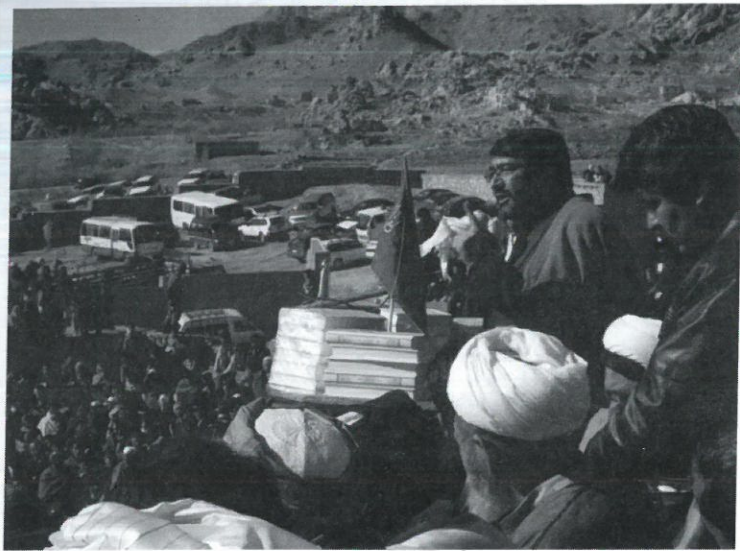
بازار شینه ده مالستان (پنجشنبه ۱۳۹۱/۹/۲): بازار شینه ده که دومین مرکز تجمع مردم مالستان می باشد، ساعت ده صبح میزبان نماینده منتخب مردم و هیئت همراه بود، در این بازار مردم خوب، متدین و مهمان نواز شینه ده از داکتر سجادی و هیئت همراه استقبال گرم به عمل آوردند. در این مراسم باشکوه که مناطق مختلف مالستان گرد آمده بودند، مراسم ابتدا با تلاوت قرآن کریم آغاز گردید و سپس با نوحه سرایی هایی از سوی مداحان اهل بیت و سینه زنی ادامه یافت و در نهایت، داکتر سجادی نماینده محبوب شان در مورد فلسفه قیام امام حسین و نقش آن در بیداری امت اسلامی سخن گفت و خاطر نشان ساخت که الگوی زنده و عملی جامعه امروز و فردای ما باید امام حسین باشد. که اگر ارزشهای اسلامی مورد بی مهری و بی اعتنائی واقع شود ما با الگوگیری از امام خود باید در راستای احیای دوباره آن تلاش کنیم. در بخش دیگر از سخنان خود گفت: امروز که فرهنگ اسلامی ما توسط رسانه های جمعی بیگانه از هرسو مورد حملات فزاینده قرار گرفته، تنها الگوی ما در مبارزه منطقی و صحیح قیام عاشوراست و بس.

منطقه پشی و شیرداغ: پس از طی مسافتی حدود چهار ساعت در هوای بسیار سرد زمستانی همراه با اولین برف پائیزی، از مسیر پریچ و خم کوتل های صعب العبور، در جمع با صفا و میهمان نواز مردم شیرداغ حضور بهم رسانید. این در حالی بود که تعدادی زیادی از علما، متفدین و بزرگان منطقه ساعتها چشم انتظار ورود



وکیل محبوب شان بودند. داکتر سجادی و اساتید موسسه پس از حضور در اجتماع با شکوه مردم شیرداغ مورد استقبال گرم قرار گرفتند و سپس در مراسم که به مناسبت عاشورا و محرم برقرار کرده بودند شرکت نموده تا بتواند درد دل های مردم آن سامان را از نزدیک شنیده و به سوالات و خواسته های شان پاسخ گوید. از این رو، پس از مرثیه سرایی استاد محدثی به ایراد سخن پرداختند. داکتر سجادی در این مراسم با تاکید بر این که امام حسین منشا تحول بزرگ و پایدار در تاریخ اسلام محسوب می شود، گفت: امروز باید تمام امت اسلامی امام حسین را سرمشق و الگوی زندگی خویش قرار بدهد. امام حسین در سال شصت و یک هجری توانست بزرگترین قدرت دوران خود را به زانو در آورد و زمینه را برای استقرار نظم جدید که بر اندیشه های اسلامی استوار باشد، برقرار سازد. وی در ادامه تاکید نمود که امام برای دفاع از اسلام و اندیشه های اسلامی تا پای جان پیش رفت، یعنی خود و یاران خود را قربانی کرد تا دین اسلام زنده بماند. داکتر سجادی به این مردم اطمینان داد که نمایندگان شان در ولسی جرگه همیشه این آمادگی را دارد که در خدمت شما باشد. تا آنجا که آنها توان دارند، در جهت رفع مشکلات و گرفتاری های شما خواهد کوشید. هدف از سفر من نیز این است که بفهمم مشکل شما چیست تا در صورت امکان بتوانم در جهت حل آن قدمی بردارم. منطقه دادی: مردم دادی که مدت ها در انتظار نماینده دوست داشتنی شان بودند، داکتر سجادی در پاسخ به ارادت این مردم، صبح روز جمعه (۱۳۹۱/۹/۳) در جمع بزرگان، موسفیدان و علمای عظام این منطقه حضور یافت.

داکتر سجادی پس از استماع سخنان آقای بهشتی طلبه جوان که به نمایندگی از مردم مشکلات و تقاضاهای مردم را مطرح نمودند از ایشان و مردم متدین و علما و متفدین حاضر در محفل صمیمانه تشکر کرده و برای رفع گرفتاری های آنان اعلام آمادگی نمود. مسجد جامع پشی: داکتر سجادی پس از دیدار با مردم دادی، در



مسجد جامع منطقه پشی که در بازار آن منطقه واقع شده بود رفت، این در حالی بود که تمامی مردم پشی اعم از زن و مرد و خورد و کلان حضور بهم رسانیده بودند تا وکیل محبوب شان را استقبال نموده و دردل های آنان را از نزدیک بشنود. در این محفل با شکوه استاد کریمی یکی از علمای منطقه در جایگاه استقرار یافته و به داکتر سجادی و هیئت همراه خیر مقدم گفته و خواسته ها و مطالبات و نیز مشکلات منطقه خود را با داکتر در میان گذاشت. پس از آن داکتر سجادی ضمن تقدیر و تشکر از همکاری و ایفای نقش قانونی ملت متدین مسلمان بخصوص منطقه پشی در مورد اوضاع جاری کشور و مشکلات فرا روی ملت و دولت افغانستان به تحلیل و بررسی نشسته و سخنان عالمانه و اندیشمندانه ای را ایراد کردند. داکتر سجادی طی سخنانی، عاشورا را به عنوان یک مکتب و اندیشه مطرح کرد و تاکید کرد که ما باید انقلاب امام حسین را الگوی زندگی خود قرار دهیم و تنها در این صورت است که می توانیم زندگی موفقیتی داشته باشیم.

المیتوی جاغوری:

بعد از ساعتها سفر و با عبور از راههای صعب العبور وطنی مسافت زیاد، ساعت ۶ بعد از ظهر وارد المیتو جاغوری شدیم. داکتر سجادی با ورود در این منطقه، در شب تاسوعای حسینی مورد استقبال گرم و صمیمانه علما، بزرگان و جوانان عزیز مواجه شد که از سراسر منطقه المیتو نمایندگانی برای دیدار با نماینده شان جمع شده بودند. در این محفل نیز پس از مراسم عزاداری، داکتر سجادی در محل سخنرانی استقرار یافته و به تحلیل و بررسی قیام عاشورا و نقش آن در زندگی مسلمانان امروز نشسته و فرهنگ عاشورا را الگوی تمام نمای فرهنگ اسلامی معرفی نموده و با تکیه بر آن اوضاع جاری کشور را به تحلیل گرفت. وی در این مراسم تاکید نمود که باید در همه زمانها و در تمام ابعاد زندگی حرکت و قیام امام حسین را الگوی خویش قرار دهیم.

سنگماشه: در صبحگاه تاسوعای حسینی شنبه: ۱۳۹۱/۹/۴ کاروان ما جهت شرکت در محفل بزرگ و باشکوه سنگماشه که در مجتمع دینی فرهنگی رسول اکرم، برگزار شده بود عازم شدیم. در حالی که دسته های بزرگ سینه زنی از اطراف بازار یکی پس از دیگری به

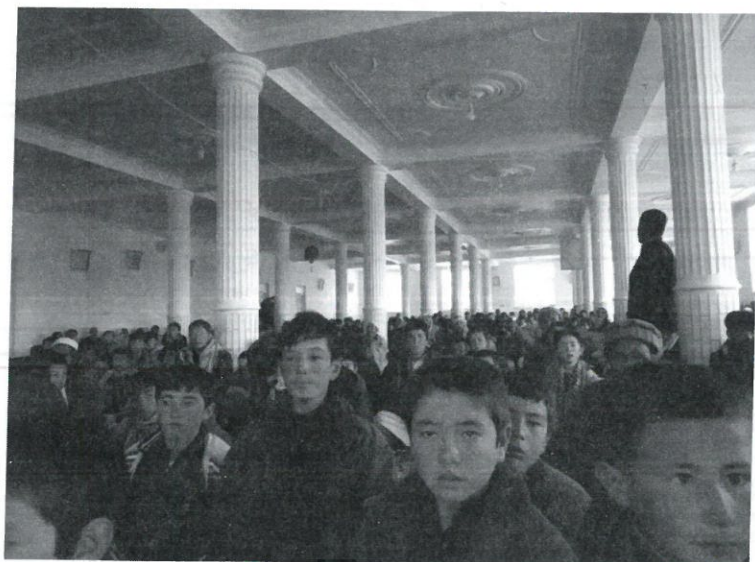


حاضران می پیوستند و موجی از احساسات و محبت مردم را نسبت به امام حسین نمایش می داد، اجتماع با شکوهی از مردم آماده سخنرانی نماینده خود بودند. سپس مجری برنامه مقدم داکتر سجادی و هیئت همراه را خیر مقدم گفته و از ایشان جهت ایراد سخنرانی دعوت نمودند.

ریاست محترم موسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) که جهت شرکت در مراسم عزای شهدای کربلا و بازدید از موکلین شان در خطه جاغوری قدم گذاشته بودند. در محفل با شکوه سخنان مبسوطی راجع به قیام شهدای کربلا و اوضاع جاری کشور به سمع حاضرین رسانده و از فعالیت های شان در طول دو دوره وکالت در پارلمان یاد نمودند و جهت حل مشکلات مردم و منطقه جاغوری اعلام آمادگی کردند. داکتر سجادی در این مراسم باشکوه تاکید نمود که مسلمانان و به خصوص شیعیان باید به خود ببالند که رهبرانی همچون امام حسین دارند که می تواند الگوی مناسبی برای زندگی شان باشد. وی عاشورا را به عنوان یک فرهنگ، یک اندیشه و یک مکتب و یک آرمان توصیف کرد که باید مردم از آن درس بیاموزند.



بازار غجور: داکتر سجادی با هیئت همراه پس از سنگماشه راهی غجور شد تا به درد دلها و احساسات این مردم پاسخ گفته باشد. در این سفر نیز استقبال گرم از سوی عزداران و توده های مردم از وکیل منتخب شان در پارلمان صورت گرفت، در محفل عزا داری پس از مرثیه سرایی و سینه زنی، مجری ضمن بیان مشکلات مردم خطه جاغوری از جمله ولایت نشدن جاغوری، پخته نشدن سرک قرباغ - جاغوری، و... از جناب داکتر سجادی غرض ایراد سخنرانی و استقرار در جایگاه دعوت به عمل آوردند. نماینده پارلمان و عضو کمیسیون روابط بین الملل نیز در این محفل به تحلیل مجاهدات و قیام عاشورا نشست و نیز در مورد اوضاع جاری کشور به تحلیل و بررسی پرداخت. وی خاطر نشان نمود که جاغوری مهد پرورش علم و آگاهی و مردم جاغوری میراث دار بزرگان بسیار و دارای سابقه درخشان و شهرت است. سپس عاشورا را به عنوان یک حرکت پایدار و با برنامه دانسته که همیشه ماندگار خواهد ماند و مردم باید از این نهضت الگو گیری نمایند. حجه الاسلام سعادت از علمای دینی منطقه به نمایندگی از اشتراک کنندگان محفل ضمن طرح مشکلات مردم



جاغوری از جمله ولایت نشدن جاغوری، پخته کاری نشدن سرک قرباغ - جاغوری، نا امن بودن مسیر جاغوری به غزنی بخصوص در دشت قرباغ و نیز نبود یک مرکز برای تحصیلات پوهنتونی، از داکتر سجادی خواست که ضمن رسانیدن پیام مردم به وکلای غزنی، شعبه ای از مؤسسه تحصیلات عالی خاتم النبیین (ص) را در مرکز جاغوری ایجاد نماید و مردم نیز یک صدا سخنان ایشان را تأیید کردند. داکتر سجادی به این مردم وعده داد که شعبه ای از پوهنتون را در جاغوری فعال می کند.

قرباغ: در صبحگاه روز عاشورای حسینی (یکشنبه: ۱۳۹۱/۹/۵) داکتر سجادی وهیئت همراه راهی ولسوالی قرباغ، منطقه تمکی شد. در قریه تمکی (زادگاه داکتر سجادی) ابتدا در قریه قول تمکی رفته، سپس به سمت مسجد محل که مردمان زیاد اعم از زن و مرد به انتظار نشسته بودند، حرکت کرده و در آن مسجد با استقبال گرم ملا امام، بزرگان و محصلان مواجه شدیم. پس از حضور در حسینیه داکتر سجادی در موضوعات عاشورا و محرم و موضوعات روز کشور به ایراد سخن پرداخت.

بعد از سخنرانی داکتر سجادی عازم منطقه خانه میانه تمکی که زادگاه داکتر سجادی بود، شدیم پس از سخنرانی داکتر سجادی به سوی منطقه "قانی" عازم شدیم در این مسجد به گرمی مورد استقبال مردم محل قرار گرفتیم. داکتر سجادی طی سخنانش به تحلیل و بررسی قیام عاشورا و موضوعات جاری کشور و فعالیت های خویش در طول دو دوره نمایندگی پارلمان پرداخت. قریه "گاو مرده" در ظهر روز عاشورا میزبان داکتر سجادی وهیئت همراه بود و مردم این قریه با اجتماع در حسینیه عمومی شان از نماینده خود به گرمی استقبال نموده سخنان مفصل و مبسوطی در باره عاشورا و موضوعات مورد نیاز مردم محل ایراد کردند.

بازار انگوری جاغوری: در منطقه ناوه جاغوری و در شب شام غریبان در محفلی که کلیه روحانیون و بزرگان منطقه دعوت شده بودند جناب داکتر سجادی پس از صرف شام به تفصیل سخنرانی کرده و قیام عاشورا و موضوعات جاری کشور را مورد تحلیل و بررسی قرار دادند. صبح همان شب با دیدار از مردم در مسجد پشت بازار رفته و با مردم این منطقه صحبت نمود و به درد دل های آنان پاسخ داد.

صبح روز یازدهم با حضور در مسجد انگوری با مردم منطقه ناوه دید و بازدید بعمل آمد و سپس جهت اشتراک در مراسم باشکوه عزاداران که از کلیه منابر وحسینیه ها شرکت نموده بودند عازم حسینیه عمومی منطقه حوتقول و مدرسه علمیه آیت الله وحیدی شدیم.

در این محفل ابتدا عزاداران مرثیه سرایی پرداختند و پس از آن از جناب داکتر سجادی جهت ایراد سخن دعوت به عمل آمده ایشان سخنان مبسوطی راجع به قیام عاشورای حسینی و تحلیل و بررسی موضوعات روز کشور ایراد کردند. در پایان باید گفت که این سفر به راستی یک سفر به یاد ماندنی بود. گفتگو با مردم و رسیدگی به خواسته ها و مطالبات آنها حلاوت خاصی دارد که قابل بیان نیست جای تردید نیست که تمام این برکات ناشی از عنایات خداوند و توجهات ولی عصر ارواحنا فداه و برکات معنوی محرم و عاشورا بوده است. سرانجام به پایان آمد این سفر اما حکایتها هنوز همچنان باقی است که خدا بار دیگر سفری را نصیب فرماید تا بار دیگر با این مردم باصفا دیداری داشته باشیم انشاءالله.

با اتمام این مراسم ظهر روز یازدهم داکتر سجادی وهیئت همراه با دوبال هلیکوپتر به غزنی و کابل عودت نمودند.



آمریت فرهنگی - تربیتی



محرم در ولسوالی ناهور!

محمد جمعه مصباح، دانشجوی دانشکده اقتصاد و مدیریت

بی (لای لای علی اصغر) این گهواره رادر جلو دسته سینه زنی وارد محفل عزاداری میکند. که مردم نیز در آن روز از شهادت طفل شیرخواره بزرگداشت به عمل می آورد. روزدهم محرم که مصادف با روز عاشورا میباشد مردم یک گردهمایی عمومی رادر مدارس علمیه و تکیه خانه های عمومی تشکیل میدهند که با اشتراک دسته های سینه زنی بطور راه پیمایی از هر مسجد و منطقه بسوی مدرسه یا تکیه خانه ی عمومی راه پیمایی میکند و در آن روز بزرگ مردم شریف ناهور غم شریکی خود را باولی نعمت شان حضرت حجت ارواحنا له الفدا اعلام نموده

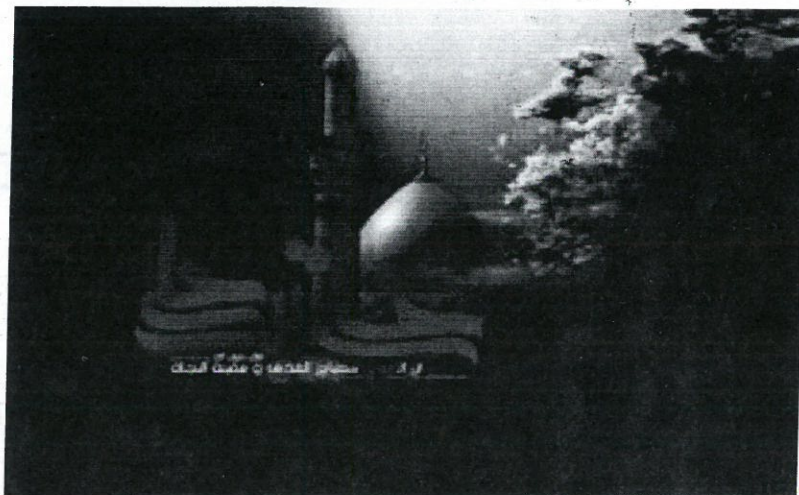
بافرا رسیدن و شروع ماه محرم الحرام ماه عزاداری و ماه پیروزی خون بر شمشیر که تمام امت اسلام عزاداری و سوگواری میکند مردم ولسوالی ناهور نیز بشاپیش تمام مساجد منابر و مدارس و تکیه خانه های عمومی را به خاطر عظمت قیام و انقلاب جهانی عاشورا و تجدید میثاق با حسین ابن علی (ع) و عزاداری آن امام همام سیاپوش نموده و همینطور لباس عزاداری برتن میکند و بیزاری قلبی خود را از ظالمین و کسانیکه برضد بشریت و دین عمل میکند اعلام میدارد. با شروع روز اول محرم که مصادف با روز ورود قافله حسینی در سرزمین کربلا میباشد مردم باذبح نمودن ده ها گوسفند و دیگر نذرها و برگزار نمودن مراسم عزاداری و محافیل و عظ و نصیحت و درس های از قیام و انقلاب کبیر عاشورا که متشکل از دسته های سینه زنی نیز میباشد بطور همه روزه از عاشورای حسینی تجلیل و بزرگداشت به عمل می آورد.

۶۰

و با عزاداری و مراسم و عظ و نصیحت و نذر خیرات در مدارس و تکیه خانه عمومی بعد از چند ساعت دوباره رهسپار منابر و مساجد میشود و به همین قسم از روز عاشورا حسینی نیز تجلیل و بزرگداشت به عمل می آورد. روز یازدهم و دوازدهم مردم دوباره در تکیه خانه های عمومی جمع می شود که با هدای نذر و خیرات و برگزار محافل عزاداری سخنرانی و گفتن اهداف قیام عاشورا و درس از آن انقلاب بزرگ بزرگداشت به عمل می آید.

در ویژه روز هفتم و در بعضی مناطق روز هشتم دهه ی اول محرم که منصوب به علمدار کربلا حضرت ابوالفضل العباس (ع) میباشد به همان مناسبت مردم نیز در آن روز علم برداری (علم کشی) میکنند. که در آن روز باذبح کردن چندین نذر و خیرات پرچم سبز آزادی ابوالفضل العباس را برافراشته و مردم به دسته های سینه زنی و مرثیه خوانی و عزاداری برای حضرت عباس از آن پرچم پذیرایی میکنند. در خصوص روز نهم محرم که منصوب به روز طفل شیرخواره میباشد در آن روز مردم کهواره بی را به شکل گهواره علی اصغر درست نموده و گوشه آن را خون آلود میکند و شکل تیر بیکان را در آن نماد گذاری میکند. و به خواندن مرثیه

در روز سیزدهم که مصادف به روز دفن شهدای کربلا میباشد مردم نیز در مساجد و تکیه خانه ها از آن روز بابرگزاری مراسم سخنرانی و پیامد های انقلاب عاشورا و در پایان مرثیه خوانی و عزاداری تجلیل مینماید. و همین قسم در روز چهارم یا ربیعین حسینی طبق روند همیشه مردم جمع شده از این روز بابرگزاری مراسم عزاداری و اهداف به اسارت رفتن اهل بیت حسینی و باذبح ده ها نذر بزرگداشت به عمل می آورند.





شعر و ادب



شعر و ادب

با همکاری

خانم فرزانه قاسمی

دانشجوی دانشکده اقتصاد و مدیریت

این صدای تپش قلبم نیست
در حسینه ی دل سینه زنی ست

هوانی...

و این بحر طویل است...

گریه کن، گریه و خون گریه کن آری که حر آن مرثیه را خلق شنیده است شایده ای
آن را و اگر طاقتان بست کفون من نفسی روضه ز منتقل بنویسم، و خودت نیز مد
کن که قلم در کف من بچو عصاره دید موسی بشود چون تپش موج مصیبت بلند است، به
کستردگی ساحل نیل است، و این بحر طویل است و بخشد که این مغل خون بر تن
تبدار حروف است که این روضهء مکشوف لهوف است، عطش بر لب عطشان
لغات است و صدای تپش سطر به سطرش بکلی موج فرن آب فرات است، و
ارباب همه سینه زمان گشتی آرام نجات است، ولی حیف که ارباب «قبل
العبرات» است، ولی حیف که ارباب «اسیر الکربات» است، ولی حیف هنوزم
که هنوز است حسین ابن علی تشنه یار است و زنی محو تماشا است زبالای بلندی،
الف قامت اودال و همه هستی او در کف کودال و پس آه که «الشمر...» خدایا چه
بگویم «که گشتند سورا و بریند...» دلت تاب ندارد به خدا بنهرم می گذرم از تپش
روضه که خود غرق عزانی، تو خودت کرب و بلایی، قسمت می دهم آقا به همین روضه که
در مجلس ماننیریایی، تو کجایی... تو کجایی...

تو کجایی گل نرگس؟ به خدا آه نفس های غریب تو که آغشته به حزنی است ز بفس غم و
ما تم، زده آتش به دل عالم و آدم مگر این روز و شب رنگ شفق یافته در سوک
که این غم غمبلی به بت رخت عزا کرده ای؟ ای عشق مجسم! که به جای نم شبنم
بچکد خون جگر دم به دم از عمق نخابست. کند باز شده ماه محرم که چنین می زند آتش
به دل فاطمه آبت به فدای نخ آن نال سیاهت به فدای رخت ای ماه! یا
صاحب این سیرق و این پرچم و این مجلس و این روضه و این بزم تونی، آجرک
امه! عزیز و جهان یوسف در چاه، دلم سوخته از آه نفس های غریمت دل من بال
کبوتر شده خاکستر پر شده، همراه نیم سحری روی پر فطرس معراج نفس کشته هوانی و
پس رفته به اقلیم ربانی، به بیان صحن و سیرانی که نماز آتی و خلاصه شود آیا که مرا
نیز به همراه خودت زیر رگبات سبری تا بشوم کرب و بلایی، به خدا همس دیدن
شش گوشه دلم تاب ندارد، نگم خواب ندارد، قلم گوشه دفتر غزل ناب ندارد،
شب من روزن جهتاب ندارد، همه گویند به انگشت اشاره مگر این عاشق چاره
دل داده و دل سوخته ارباب ندارد... تو کجایی؟ تو کجایی شده ام باز هوانی، شده ام باز

دانشگاه کربلا همچنان باز و دانشجو می پذیرد

امام تنها

سیدی تنها به رنگ سبز نیست

هیچ دانی مادر سادات کیست؟

سبز یعنی عاشق مولا شدن

پشت درب حیدری زهرا شدن

سبز یعنی عشق تا شور و بلا

با حسین وفاطمه در کربلا

سبز یعنی ساقی مست و هدف

همچو عباس یل شاه نجف

طالب سبزم نه این سبز ریا

مهدی بیا سبز هم بازیچه شد

حب الحسین رشته تحصیلی شماست

دانش سرای عشق و جنون شهر کربلاست

در مبحث حسین شناسی موفقید

موضوع بحث سینه ردن پای روضه هاست

تا روز محشر در کتان را نمیدهند

برگ قبولی در در پوشه خداست

پایین کارنامه هر شخص نوشته اند

این مهر سرخ در راه کربلاست

محشر کنار درب جنت در میزینید

مردم ندیده آید که آقای ما کجاست؟

تنها به عشق اوست که به اینجا رسیده ایم

جنت بدون حضرت ارباب بی صفاست

ناگاه جبرئیل امین ناله میزند

آقایتان حسین همان مرد سر جداست

محشر دوباره از غم او سینه میزینید

آنجا خدا به خیر کند محشری به پاست



دانشگاه کربلا

مستقل

گفتمش نقاش را نقشی بکش از زندگی
 با قلم نقش حبابی بر لب دریا کشید
 گفتمش چون می کشی تصویر مردان خدا
 تک درختی در بیابان یکه و تنها کشید
 گفتمش نامردمان این زمان را نقش کن
 عکس یک خنجر ز پشت سر پی مولا کشید
 گفتمش راهی بکش کان ره رساند مقصدم
 راه عشق و عاشقی و مستی و نجوا کشید
 گفتمش تصویری از لیلی و مجنون را بکش
 عکس حیدر (ع) در کنار حضرت زهرا (س) کشید
 گفتمش بر روی کاغذ عشق را تصویر کن
 در بیابان بلا، تصویر یک سقا کشید
 گفتمش از غربت و مظلومی و محنت بکش
 فکر کرد و چهار قبر خاکی از طه کشید
 گفتمش سختی و درد و آه گشته حاصلم
 گریه کرد آهی کشید و زینب کبری (س) کشید
 گفتمش درد دلم را با که گویم ای رفیق
 عکس مهدی (عج) را کشید و به چه بس زیبا کشید
 گفتمش ترسیم کن تصویری از روی حسین (ع)
 گفت این یک را نباید خالق یکتا کشید!

صدادر سینه ی خون گریه می کرد
 حسین زلف اجل را شانه می کرد
 الای دل چه می دانی از این عشق؟
 حسین خون را به دلبر هدیه می کرد
 بین ای، دل تو این مستانه گی را
 که اکبر بر دری میخانه می کرد
 ابالفصل جوان، هم در ره عشق
 دودستش را جدا از شانه می کرد
 علی اصغر که عاشق بود حسن وار
 چو گل پر پر گلویش پاره می کرد
 و هب یا تنی تیز ابروی یار
 حسین را سماع و دل پروانه می کرد
 بین هفتاد و دو عاشق به میدان
 ندایی سجده و سجاده می کرد
 بین ای دل که زینب در ره ی یار
 خودش را شمع، درویرانه می کرد
 بین دلبر تو سجاد حسین را
 به پازنجیروهم و زولانه می کرد
 بین ای دل که پیغمبر حسین را
 گلویش بوسه ی جانانه می کرد.

فعالیت ها و خدمات؛

شعبه غزنی پوهنتون خاتم النبیین (ص)

پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی، در راستای ارتقا ظرفیت علمی و با هدف توانمندسازی جوانان و علاقتمندان به تحصیل در مقاطع بالاتر و ادامه تحصیل در مراکز آکادمیک، در سال های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ تعدادی از جوانان ممتاز کشور را با اعطای بورسیه مورد تشویق قرار داده است. این اقدام، گام مهم و موثر و به نوبه خود ابتکاری از سوی پوهنتون محسوب می شود. که می تواند در پیشبرد یکی از اهداف استراتژیک پوهنتون تاثیر گذار باشد. این بورسیه ها از طرف دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان هدیه این دانش آموزان شده است.

الف) بورسیه داخل

بر اساس دستور داکتر عبدالقیوم سجادی امسال پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی، تصمیم گرفت که از لیسه های بزرگ غزنی، متعلمین که در جمع دانش آموزان برتر می باشند را مورد تشویق قرار دهد. بر این اساس، استاد حسین حبیبی ریاست پوهنتون خاتم النبیین (ص) به شمول آمر فرهنگی، مسئول امور محصلان و مسئولین معارف ضمن شرکت در گرامی داشت از روز معلم و جشن فراغت این لیسه ها، یک نفر از لیسه نسوان البیرونی نوآباد، دو نفر از لیسه قلعه شهاده (ذکور و اناث)، دو نفر از حیدرآباد (ذکور و اناث)، سه نفر از لیسه عالی نور غزنه، دو نفر از لیسه عالی جهان ملکه، یک نفر از لیسه عالی شمس العارفین، یک نفر از لیسه حکیم سنایی و دو معلم از لیسه ذکور حیدرآباد، را به قید قرعه در حضور حاضرین به عنوان بورسیه پذیرفتند. به این معنا که افراد بورس شده می توانند یک دوره کامل، در پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی، یکی از رشته های اقتصاد، علوم سیاسی و حقوق، طب معالجوی، قابلیت و علوم قرآنی به صورت رایگان، به تحصیلات عالی خویش ادامه داده و ظرفیت های علمی خود را ارتقا بخشند. این مرکز علمی، بر آن است تا در آینده این روند را گسترش دهد. تا بتواند متناسب با امکانات و توانمندی های پوهنتون گام کوچکی را در راه خدمت به نسل آینده، بردارد. انشاءالله.

ب) بورسیه خارج

پوهنتون خاتم النبیین (ص) در بخش بورس دانشجویان واجد شرایط به خارج از کشور نیز گام های موثری را برداشته است. بر اساس یک برنامه هماهنگ و مستمر، تعدادی از دانشجویان علاقتمند به ادامه تحصیل در مقاطع ماستری را به خارج از کشور، در رشته های: حقوق جزا و جرم شناسی، حقوق خصوصی، تاریخ اسلام، کلام اسلامی و عرفان بورسیه نموده است. تا توانسته باشد زمینه های ادامه تحصیل در مقطع ماستری را برای آنها فراهم نموده و بدین ترتیب بستری برای ارتقا توانمندی های علمی آنها مهیا می سازند.

نشریه «پیام خاتم» برای تشویق این عزیزان بورسیه های داخلی و خارجی را در جدول جداگانه برای خوانندگان معرفی می کند.



بوریسه شدگان دانش آموزان برتر لیسه های شهر غزنی، با هدیه دکتر عبدالقیوم سجادی نماینده مردم غزنی در پارلمان



نسرین حبیب بنت عبد محمد لیسه نسوان حیدرآباد



لینا حبیبی بنت محمد جعفر - لیسه نسوان بیرونی نوآباد



مرسل بنت سناگل - لیسه جهان ملکه



مسعوده بنت عبدالقاهر - لیسه جهان ملکه



یاسمین ولد علی اکبر - لیسه قلعه شهاده



محمد نسیم سعید ولد عبدالله جان - استاد لیسه شمس العارفین



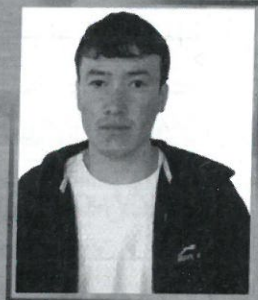
فاطمه - لیسه نسوان قلعه شهاده



روزای خان حبیبی ولد موسی خان - استاد لیسه ذکور حیدرآباد



رحمت الله ولد علیرطا - لیسه عالی نور غزنه (نیمه حیدرآباد)



نظام حبیب محمدی ولد حسین غنی - لیسه ذکور حیدرآباد



سجیده بنت عنایت الله - لیسه عالی نور غزنه (نیمه حیدرآباد)



وحید الله ولد عبدالله - لیسه عالی سنایی



عبدالحمید حدیدی ولد باقر علی - استاد لیسه ذکور حیدرآباد



شفیقه بنت عزیز - لیسه عالی نور غزنه (نیمه حیدرآباد)



شعبه غزنی
دانشگاه خاتم النبیین

بورسیه شدگان دوره ی ماستری دانشجویان ولایت غزنی از سوی بوهنتون خاتم النبیین (ص) به خارج از کشور!



محمد قاسم فکرت (قره باغ- تمکی)
تاریخ اسلام



علی دریاب نظری (مالستان- کمرک)
حقوق جزا و جرم



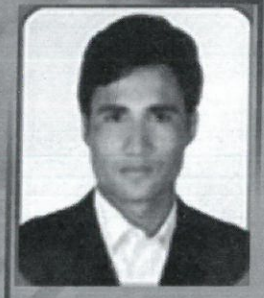
محب الله ظفر نژاد (جاغوری- چهل باختو)
حقوق جزا و جرم شناسی



هدایت الله اسکندری (جغتو- نوده)
حقوق جزا و جرم شناسی



یزدانعلی راسخ (قره باغ- تمکی)
رشته حقوق خصوصی



روح الله صادقی (قره باغ- تمکی)
تاریخ اسلام



خاتعلی حکمت (جاغوری- مهاجرین)
رشته حقوق جزا و جرم شناسی



فیض محمد فهیمی (جاغوری- سنگ ماشه)
حقوق خصوصی



خاتون الله قاری زاده (جغتو- قره یوسف)
رشته حقوق جزا و جرم شناسی



علی رضا رحیمی رشته تاریخ



حمیده نادری خصوصی (مالستان نوده)
رشته حقوق



عبدالخالق محمدی (مالستان- میرادینه) حقوق خصوصی



غلام رضا میرزاده (مالستان فیهجوری) رشته حقوق خصوصی



عبدالحسین رضایی (مالستان خاتونلی) رشته حقوق جزا و جرم شناسی



محمد تقی تابان (مالستان- حصه لول) رشته تاریخ اسلام



محمود پوپل (جغتو) رشته حقوق جزا و جرم شناسی

بورسیه شدگان دوره ی ماستری دانشجویان ولایت غزنی از سوی پوهنتون خاتم النبیین (ص) به خارج از کشور!



محمد ذکی یوسفی



محمد جواد سلطانی



روح الله رضوی
رشته کلام



حمیده قربانی



اسحاق علی اخلاقی رشته کلام



محمد علی حسینی

۶۸



شفیقه محمدی رشته کلام اسلامی



محمد یاسین غلامی رشته تاریخ



رحیمه ناصری (مالستان شیده) رشته حقوق عمومی



سید مرتضی عالم زده (جانغوری-انگوری)
حقوق جزا و جرم شناسی



محمد مهدی شهبزاد (جانغوری - ترغک) تاریخ اسلام



محمد ذکی توری (ترغک- غلمان) رشته تاریخ اسلام



رمضانعلی عطایی (چشو- سراب)
حقوق جزا و جرم شناسی



پوهنتون خاتم النبیین (ص) شعبه غزنی

آمریت فرهنگی - تربیتی

نشریه «پیام خاتم»

آیت الله العظمی محسنی (دام ظلّه):

من توصیه می‌کنم که اشتراک علمای طرفین (شیعه و سنی) در عزاداری شهیدان کربلا حسب تجربه، بسیار بهره‌ور خواهد بود، التماس من از دانشمندان محترم اهل تسنن و تشیع این است که بدور از تعصب کور، در باره محرم آنچه را که رضای خداوند متعال است در عمل پیاده نمایند، و چنانچه در کوتاه مدت به نتیجه نرسند در دراز مدت ثمرات نیکویی خواهد داشت.

ماهنامه معرفت دینی، شماره ۲۷ ص ۹

